

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیام های آسمان

سال دوم

دوره راهنمایی تحصیلی

تعلیم و تربیت اسلامی

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

نام کتاب : پیام‌های آسمان - ۱۱۹

شورای برنامه‌ریزی و تألیف : پرویز آزادی، دکتر محمد مهدی اعتصامی، یونس باقری، حجت‌الاسلام سید جواد

بهشتی، ابوذر رضا سلطانی، دکتر محمد رضا سنگری، حجت‌الاسلام دکتر حسین

سوزنجی، مصطفی فیض، حجت‌الاسلام محمود متوسل آرانی،

حجت‌الاسلام سید صادق پیشنمازی و حجت‌الاسلام سید محمد حسین تقوی (از

معاونت تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه علمیه قم)

مؤلف : حجت‌الاسلام علی کاظمی

ویراستار : محمد کاظم بهنیا

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی

تهران : خیابان ایرانشهر شمالی-ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن : ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹،

وب سایت : www.chap.sch.ir

مدیر امور فنی و چاپ : سید احمد حسینی

مدیر هنری : مجید ذاکری یونسی

طراح گرافیک، طراح جلد : امیر نساجی

تصویرگر : حسن تبریزی

صفحه‌آرا : زهره بهشتی شیرازی

حروفچین : فاطمه باقری مهر

مصحح :

امور آماده‌سازی خیر : سپیده ملک‌ایزدی

امور فنی رایانه‌ای : حمید ثابت کلاجاهی، پیمان حبیب‌پور

ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (دارو بخش)

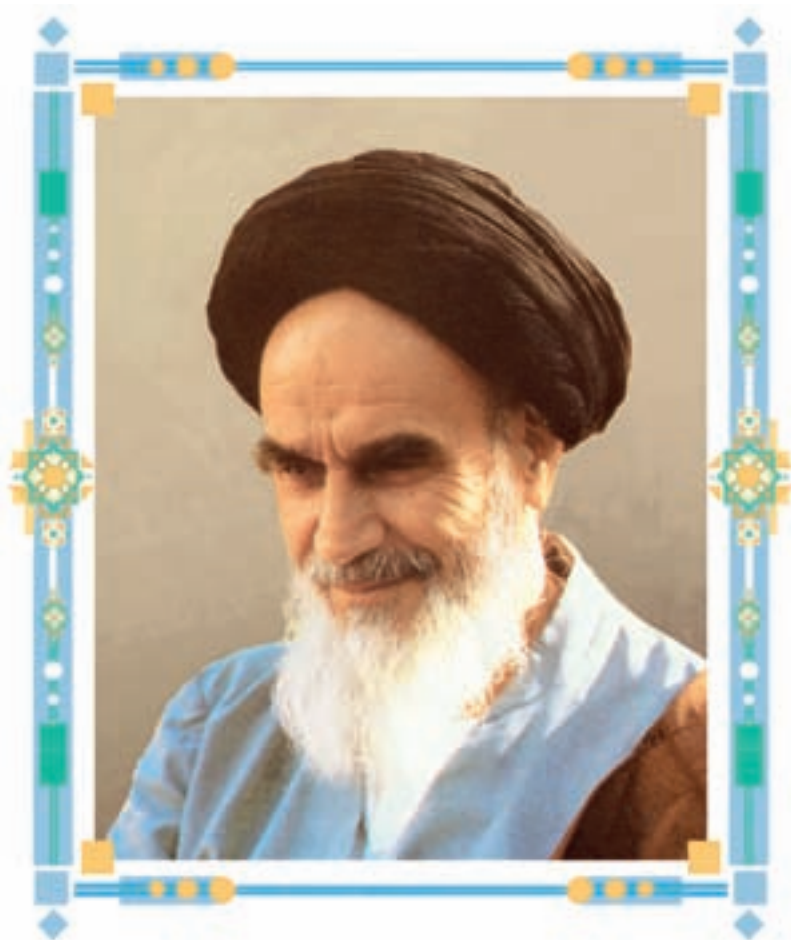
تلفن : ۵ - ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۱۳۴۴۵/۶۸۴

چاپخانه : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار : ۱۳۹۰

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۹۶۴-۰۵-۱۷۴۶-۱ ISBN 964-05-1746-1



یکی از نزدیکان امام : امام خمینی (ره) به نماز اول وقت خیلی اهمیت می دادند. روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کردند که «اگر کسی نمازش را سبک بشمارد، از شفاعتشان محروم می شود.» من یک بار به ایشان عرض کردم : «سبک شمردن نماز شاید به این معنا باشد که شخص، نمازش را یک وقت بخواند و یک وقت نخواند.» گفتند : نه، این خلاف شرع است. منظور امام صادق علیه السلام این بوده است که وقتی ظهر می شود و فرد در اول وقت نماز نمی خواند، در واقع به چیز دیگری رجحان^۱ داده است.

فهرست

فصل اوّل : خداشناسی

۳	شگفتی های خلقت	درس اوّل
۱۱	دو سرمایه گرانبها	درس دوم
۱۹	استعانت از خداوند	درس سوم

فصل دوم : راه و توشه

۳۱	دین؛ گنج بی پایان	درس چهارم
۳۹	نردبان آسمان	درس پنجم
۴۷	یک فرصت طلایی	درس ششم

فصل سوم : معاد

۵۷	تلخ یا شیرین	درس هفتم
۶۵	راه سعادت مندی	درس هشتم

فصل چهارم : راهنماشناسی

۷۵	زیارت اولیای خدا	درس نهم
۸۳	آفتاب پنهان	درس دهم

فصل پنجم : اخلاق

۹۱	شاخه ای از درخت بهشتی	درس یازدهم
۹۷	عادت ها و آسیب ها	درس دوازدهم
۱۰۵	ارزش کار	درس سیزدهم

فصل ششم : جامعه اسلامی

۱۱۵	حقّ الناس	درس چهاردهم
۱۲۵	جهاد	درس پانزدهم
۱۳۵	مسئولیت همگانی	درس شانزدهم

دبیران محترم

۱- بخش‌های «بیشتر بدانیم» هر درس، فقط برای توسعه اطلاعات دانش‌آموزان است. دبیر محترم می‌تواند برای توضیح درس از آنها استفاده کند و یا نمره تشویقی برای این بخش‌ها در نظر بگیرد، اما نباید در ارزش‌یابی مستمر یا پایانی مورد سؤال قرار گیرد.

۲- در پایان بیشتر درس‌ها فعالیت‌های تحقیقی و اجرایی با عنوان «پیشنهاد» درج شده است که می‌تواند دانش‌آموزان را در رسیدن به اهداف درس یاری دهد. این بخش‌ها نیز مانند بخش «بیشتر بدانیم» اختیاری است و چنانچه دانش‌آموزی برخی از آنها را اجرا کند، حداکثر ۲ نمره به عنوان تشویق به ارزش‌یابی مستمر نوبت‌های اول و دوم او افزوده می‌شود.

۳- کلیه مطالب بخش‌های «فعالیت کلاسی»، به منظور افزایش مشارکت دانش‌آموزان در فرایند آموزش است و می‌تواند نقش مهمی در نمره ارزش‌یابی‌های دانش‌آموز داشته باشد.

۴- حفظ متن عربی آیات و احادیث و هم‌چنین عین ترجمه آنها الزامی نیست و تنها مفهوم و پیام آیات و احادیث در ارزش‌یابی‌ها مورد پرسش قرار می‌گیرند. بدیهی است که حفظ و ذکر نام معصوم نیز در پرسش از حدیث نباید مورد سؤال قرار گیرد.

۵- آیات، احادیث و نیایش‌هایی که بعد از ارزش‌یابی پایانی برخی درس‌ها آمده است به منظور جمع‌بندی نهایی و تبیین و توضیح درس ذکر شده‌اند؛ اما این بخش‌ها نباید در ارزش‌یابی‌های مستمر یا پایانی مورد سؤال قرار گیرند.

شیوه‌نامه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی

ارزشیابی درس تعلیم و تربیت دینی دوره راهنمایی در دو قالب «ارزشیابی تکوینی» (مستمر) و «ارزشیابی پایانی» انجام می‌گیرد و نمره نهایی از مجموع نمرات این دو ارزشیابی به دست می‌آید.

در ارزشیابی تکوینی باید بیشتر به مهارت‌ها توجه شود و جنبه کیفی و توصیفی داشته باشد؛ زیرا ارزشیابی تکوینی یک ارزشیابی سازنده است که می‌تواند در خدمت ارتقای کیفی یادگیری قرار گیرد. دبیر در برگه ثبت ارزشیابی، میزان یادگیری هر دانش‌آموز و انجام فعالیت آموزشی او را می‌نویسد و نظر خود را ابراز می‌کند. علاوه بر این، متناسب با فعالیت‌های انجام شده، میزان یادگیری دانش‌آموز را تبدیل به ابزار کمی می‌کند و به صورت نمره ارائه می‌دهد.

ارزشیابی پایانی دارای آزمون کتبی است. در این آزمون میزان یادگیری محتوای آموزشی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. سؤال‌های آزمون باید توزیع متناسبی از سطوح یادگیری را در برگیرد و به سطوح بالاتر توجه بیشتری کند. درک مفاهیم، کاربرد آنها، قدرت تجزیه و تحلیل، ترکیب، مقایسه، تطبیق، توانایی استدلال و داوری از اهم سطوحی است که باید بدان توجه شود. بنابراین تفصیل ارزشیابی از این قرار است:

۱- نمره ارزشیابی هر نوبت، حاصل جمع نمره ارزشیابی تکوینی و نمره ارزشیابی کتبی پایانی خواهد بود.

۲- ارزشیابی تکوینی (اعم از ارزشیابی‌های کتبی و شفاهی صورت گرفته در طول نوبت) دوازده نمره دارد و ارزشیابی کتبی پایانی هشت نمره دارد.

۳- بارم‌بندی ارزشیابی تکوینی هر نوبت (۱۲ نمره) به شرح زیر است:

الف) پاسخ به پرسش‌های استخراجی معلم از متن کتاب: ۴ نمره

ب) انجام فعالیت‌های کلاسی متن کتاب: ۳ نمره

ج) پاسخ به پرسش‌های پایانی هر درس : ۳ نمره

د) فعال بودن و مشارکت در فرآیند تدریس : ۲ نمره

تبصره : فعالیت‌های اختیاری بیرون از کلاس (اعم از آنچه در کتاب تحت عنوان «پیشنهاد» مشخص شده است و آنچه از سوی معلم تعیین می‌شود) جنبه الزامی ندارد و صرفاً می‌تواند برای دانش‌آموز نمره تشویقی داشته باشد. این نمره حداکثر دو نمره علاوه بر دوازده نمره ارزشیابی تکوینی است و مکمل نمره تکوینی دانش‌آموز خواهد بود.

۴- ارزشیابی پایانی نوبت اول از مطالب تدریس شده همان نوبت و ارزشیابی پایانی نوبت دوم و پس از آن، از تمامی محتوای کتاب درسی به عمل می‌آید.

۵- در کلیه ارزشیابی‌ها (تکوینی و پایانی) ملاک ارزشیابی درک مفهوم است و از نام شخص، تاریخ، مکان و سایر سؤالاتی که بیشتر بر حافظه تکیه دارد و کمتر درک مطلب و مفهومی است، سؤال طرح نشود.

۶- حفظ متن عربی آیات و احادیث و همچنین عین ترجمه آنها برای دانش‌آموز الزامی نیست و در ارزشیابی‌ها فقط می‌توان از مضمون، مفهوم و پیام آیات و احادیث استفاده کرد.

دانش آموزان گرامی، دوستان عزیز! سلام

آفرین بر شما که توانستید با تلاش و کوشش خود، سال تحصیلی گذشته را با موفقیت پشت سر بگذارید و به مرحله جدیدی از زندگی تحصیلی تان وارد شوید. خداوند بزرگ را برای این موفقیت سپاسگزاریم. خداوند مهربان، بهشت زیبایش را برای تو آفریده است. برای تو و هر کس دیگری که آن را دوست بدارد و برای رسیدن به آن تلاش کند. او تمام موجودات را برای خوشبختی و سعادت انسان آفریده است و آنها را در مسیر هدایت و کمال وی قرار داده تا بتواند در دنیا و آخرت خوشبخت باشد و راه سعادت را که پایان آن، بهشت زیبای اوست بیماید.

این کتاب تلاش می کند تا به چند سؤال مهم شما پاسخ بدهد:

- از کجا آمده ام؟
 - به کجا خواهم رفت؟
 - راه درست را از چه کسی باید بیرسم؟
 - چه کسانی مرا در این راه، همراهی می کنند؟
 - برای این که سالم به مقصدم برسم، چه توشه ای باید همراه خود ببرم؟
- امیدواریم که بتوانید این مراحل را نیز مانند مراحل قبلی با سربلندی پشت سر بگذارید و با عمل به آنچه فرامی گیرید، هر لحظه به مقصد زیبایی که در پیش رو دارید نزدیک و نزدیک تر شوید.
- سعی کنید درس ها را خوب بیاموزید. به آموخته های خود فکر کنید و درباره آنها با هم کلاسی هایتان گفت و گو کنید. اگر پیشنهادی داشتید، حتماً آن را بازگو کنید. بدانید که خداوند به شما نیروی داده است که اگر خودتان بخواهید، می توانید از پس هر کاری برآیید، پس از او یاری بخواهید و تلاش را آغاز کنید. تلاش برای موفقیتی دیگر ...

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظرات اصلاحی خود را در باره مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۳ ۱۵۸۵۵ - گروه دسی مربوطه و یا پیام نگار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر نامه ریزی و تایف کتاب دبیری

فصل اول: خداشناسی



- فصل حاضر از سه درس تشکیل شده است که عبارت‌اند از: شگفتی‌های خلقت، دو سرمایه‌گرانبها و استعانت از خدا.
- درس اول (شگفتی‌های خلقت) با بررسی نظم و هماهنگی موجود در جهان خلقت و بدن انسان، به تبیین علم و حکمت خداوند می‌پردازد و به هدف خداوند از این آفرینش اشاره می‌کند.
 - درس دوم (دو سرمایه‌گرانبها) دو نعمت ارزشمند «فرصت زندگی و قدرت تفکر» در انسان و تأثیر این دو نعمت را در رسیدن به خوشبختی ابدی تبیین می‌کند.
 - درس سوم (استعانت از خدا) ضمن تأکید بر این موضوع که تنها خداست که می‌تواند به دیگران یاری رساند، به بررسی کارهایی می‌پردازد که می‌توانند باعث جلب یاری بیشتر خداوند شوند.





شگفتی‌های خلقت

گاهی هنگام تمیز کردن شیشه ساعتان اگر کسی از ما بپرسد: «ساعت چند است؟». ما معمولاً در چنین حالتی دوباره به ساعت نگاه می‌کنیم و سپس جواب می‌دهیم. می‌دانید

چرا؟



نگاه ما به پدیده‌های اطرافمان معمولاً نگاهی سریع و گذراست و به همین دلیل در نگاه اول، بسیاری از جزئیات از چشم ما پوشیده می‌ماند. شگفتی‌های جهان آفرینش (که بسیاری از آنها در وجود خود ما انسان‌ها قرار دارد) بخشی از دیدنی‌های این جهان زیباست که ما معمولاً بی‌توجه از کنار آنها عبور می‌کنیم. کافی است دست‌کم برای یک روز نگاهمان را به جهان تغییر دهیم تا برای اولین بار به برخی شگفتی‌ها پی ببریم.

بی نظیر

حمید با آب و تاب درباره نمایشگاهی که دیروز با دایمی‌اش به آنجا رفته بود صحبت می‌کرد: «بچه‌ها باورتان نمی‌شود! یک دوربین فیلمبرداری آن قدر بزرگ بود که زیرش چرخ گذاشته بودند. می‌گفتند بدون چرخ و سه پایه مخصوص خودش اصلاً نمی‌شود آن را حرکت داد. سه پایه‌اش را که نگوی! از خود دوربین هم سنگین‌تر بود. یک دوربین دیگر بود که می‌گفتند بدون فیلم، چند ساعت فیلمبرداری می‌کند! لنزهای عجیب و غریبی داشت که می‌گفتند اگر اینها نباشد؛ نمی‌شود با نور کم (مثل غروب) فیلمبرداری کرد. جعبه‌های بزرگ برای محافظت از دوربین‌ها، مایع‌های مخصوص برای شست‌وشوی لنزها، وسایلی که با آنها جلوی نور شدید را می‌گرفتند تا دوربین و فیلم‌ها را خراب نکنند، باتری‌های شارژی بزرگ که دوربین تا چند ساعت می‌تواند بدون اینکه به برق وصل شود، به کمک آنها فیلمبرداری کند، نورافکن‌های خیلی بزرگ برای فیلمبرداری در جاهای کم نور ...

با دایمی‌ام نزد مسئول دوربین‌ها رفتیم و گفتیم: آیا ممکن است پیشرفته‌ترین دوربین نمایشگاه را به ما نشان بدهید؟ گفت: شما چطور متوجه پیشرفته‌ترین و عجیب‌ترین دوربین دنیا نشدید؟!

این دوربین بسیار سبک و زیباست و به راحتی حرکت می‌کند. تازه بدون اینکه احتیاج به فیلم داشته باشد تا ده‌ها سال می‌تواند بدون کم‌ترین مشکلی فیلمبرداری کند. اگر کمی گرد و غبار داخلش شود، خود به خود به کار افتاده و خودش را شست‌وشو می‌دهد. حتی گاهی اوقات که دچار مشکلی



می‌شود، به صورت طبیعی خودش را تعمیر و تنظیم می‌کند. در نور شدید لنزش بسته می‌شود و در نور کم به صورت خودکار لنزش باز می‌شود. وقتی هم که صاحبش نخواهد از آن استفاده کند، خود به خود خاموش و بسته می‌شود...

من با خوشحالی گفتم: اگر ممکن است زودتر این دوربین بی نظیر را به ما نشان دهید.
گفت: کافی است یک بار با دقت در آینه نگاه کنی تا بهترین دوربین دنیا را ببینی!»



تا حالا به آفرینش چشم‌های خود دقت کرده‌اید؟

خداوند حکیم، چشم‌ها را داخل گودی صورت قرار داده است تا با استخوان‌های گونه، پیشانی و بینی از آنها محافظت کند. اگر این حصار استخوانی اطراف چشم را نگرفته بود، هر ضربه‌ای به طرف چشم می‌توانست انسان را برای همیشه از نعمت بینایی محروم کند.
به ابروهایتان نگاه کنید. این اعضای کوچک که زیبایی بخش صورت شما هستند، علاوه بر اینکه مانند سایبان از تابش شدید نور به چشم جلوگیری می‌کنند، نمی‌گذارند عرق پیشانی نیز وارد چشم‌ها شود.

حالا تصور کنید؛ اگر چشم‌ها داخل گودی قرار نداشتند، اگر ابروها نبودند؛ اگر مژه‌ها هر لحظه از ورود گرد و غبار به چشم جلوگیری نمی‌کردند؛ اگر پلک‌ها باز و بسته نمی‌شدند؛ اگر شکل چشم‌ها بادامی نبود و اشک از آن خارج نمی‌شد و... چه اتفاقی می‌افتاد؟
این همه شگفتی باعث شده است که دانشمندان و مخترعان بزرگ، با الگو گرفتن از این مخلوق خداوند، موفق به ساخت دوربین‌ها، میکروسکوپ‌ها و تلسکوپ‌های دقیق شوند.
حالا خودتان قضاوت کنید؛ آیا این عضو کوچک به تنهایی نشان‌دهنده عظمت و حکمت آفریدگار نیست؟

امیر مؤمنان حضرت علی **علیه السلام** درباره آفرینش انسان می‌فرماید:



۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۸.

آنچه درباره آن سخن گفتیم تنها یک نمونه از شگفتی‌های بی‌پایان دنیای ماست.
شما هم با دوستانتان گفت‌وگو کنید و نمونه‌های دیگری از این شگفتی‌ها را نام ببرید.

هدف آفرینش

کمی فکر کنید؛ آیا ممکن است خداوند دانا و حکیم این جهان زیبا و شگفت‌انگیز را بیهوده و بی‌هدف آفریده باشد؟

به نظر شما هدف از آفرینش این جهان شگفت‌انگیز چیست؟
امیرمؤمنان حضرت علی **علیه السلام** در پاسخ این سؤال می‌فرماید:

خداوند تمام آنچه را که در زمین است برای شما آفریده است تا درباره آن‌ها بیندیشید و با استفاده از آن‌ها به بهشت راه یابید و خودتان را از عذاب دوزخ برهانید.^۱

خداوند مهربان که بهتر از هر کسی نیازهای ما را می‌داند، این جهان را طوری آفریده است که ما بتوانیم به بهترین شکل در آن زندگی کنیم. او به ما چشم داده است تا با دقت به نشانه‌های علم و قدرت‌ش نگاه کنیم، و به ما عقل داده است تا درباره آنچه می‌بینیم فکر کنیم و از دنیای پیرامون خود درس خدانشناسی بیاموزیم.

او ما را غرق در نعمت‌ها و زیبایی‌هایش کرده است تا بدانیم چقدر ما را دوست دارد، پس ما نیز او را دوست بداریم و از او اطاعت کنیم. این همان راهی است که نتیجه‌اش رسیدن به بهشت زیبای خداست.

حالا به نظر شما، خداوند مهربانی که زمین را با همه شگفتی‌هایش برای ما آفریده است، آیا ممکن است ما را فراموش کرده و در سختی‌ها و نیازها تنهیمان بگذارد؟

۱- عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۲.

- ۱- می‌توانید یکی از دستگاه‌های بدن را نام ببرید که اگر نباشد هیچ اشکالی در کارهای بدن پیش نیاید؟ از این موضوع چه می‌فهمیم؟
- ۲- با توجه به سخن حضرت علی **علیه‌السلام** توضیح دهید که دلیل آفرینش شگفتی‌های بی‌پایان در آسمان و زمین چیست؟

پیشنهاد

متن زیر را با دقت بخوانید :

... به بدن کوچک مورچه بنگرید! خلقتش آن‌چنان لطیف است که چشم آن‌را در نمی‌یابد و عقل آن‌را درک نمی‌کند، ببینید چگونه روی زمین به راه می‌افتد و برای به‌دست آوردن روزی خود، تلاش می‌کند و دانه‌هایی را که به لانه‌اش می‌برد در جایگاهی مخصوص نگه می‌دارد.

خداوند نیکوکار هرگز از او غافل نمی‌شود و از بخشش محرومش نمی‌سازد، حتی اگر در دل سنگی سخت و یا صخره‌ای خشک به‌سرد برد.

اگر درباره‌ی دستگاه گوارش و غضروف‌های درون شکمش فکر کنی و یا به چشم و گوشی که در سر دارد اندیشه کنی آن‌چنان از آفرینش مورچه دچار شگفتی خواهی شد که از توصیف او به زحمت خواهی افتاد.

اگر اندیشه‌ات را به کارگیری، دلایل روشن به تو خواهند گفت که آفریننده مورچه کوچک همان آفریدگار درخت بزرگ خرماست. همان کسی که آفریدن همه‌ی موجودات سنگین و سبک و بزرگ و کوچک و نیرومند و ضعیف برایش یکسان است.^۱

آنچه خواندیم بخشی از گفتار امیرمؤمنان حضرت علی **علیه‌السلام** در توصیف شگفتی‌های خلقت مورچه‌هاست. شما نیز می‌توانید درباره‌ی یکی از آفریده‌های خداوند (مانند مورچه یا زنبورعسل) تحقیق کنید و نتیجه را در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵.

تا حالا یک زره را از نزدیک دیده‌ای؟ می‌دانی زره‌ها را از چه می‌سازند؟ فکر می‌کنی بزرگ‌ترین زره دنیا چه قدر ضخامت دارد؟ ۱۰ سانتی‌متر؟ نیم‌متر؟ ۱ متر؟ ضخیم‌ترین زره دنیا، جو زمین است که صدهزار متر ضخامت دارد. این زره که از جنسی بسیار لطیف (هوا) تشکیل شده است آن‌چنان محکم و نفوذناپذیر است که هر موجود مهاجمی را قبل از رسیدن به زمین نابود می‌کند.

شهاب‌سنگ‌ها گروهی از این مهاجمان هستند که با سرعت اعجاب‌آور پنجاه کیلومتر در ثانیه (یعنی صدبرابر سرعت گلوله) در فضا حرکت می‌کنند. به گفته دانشمندان، این سرعت باعث می‌شود که در یک سنگ بسیار کوچک آسمانی، نیرویی معادل انرژی یک بمب اتمی نهفته گردد. برای همین است که آنها با هر جسمی برخورد کنند، انرژی فوق‌العاده‌ای را آزاد می‌کنند و منفجر می‌شوند.

اهمیت جو زمین وقتی برای ما معلوم می‌شود که بدانیم در هر شبانه‌روز، میلیون‌ها شهاب‌سنگ با جو زمین برخورد می‌کنند و قبل از رسیدن به سطح زمین منفجر و به گاز و بخار تبدیل می‌شوند.

این تنها بخشی از مأموریت زره دفاعی زمین است. اتمسفر (یا جو زمین) علاوه بر سنگ‌های آسمانی، اشعه‌های مرگبار کیهانی، اشعه مادون قرمز و جریان‌های مغناطیسی شدید فضایی را نیز قبل از رسیدن به زمین خنثی می‌کند و خطرهای بزرگ دیگری را از ساکنان زمین دور می‌کند. می‌توانی حدس بزنی اگر این زره مقاوم، زمین را نبوشانده بود، چه اتفاقی در انتظار ساکنین زمین بود؟

حالا بهتر می‌توانیم معنی این کلمات نورانی خداوند را دریابیم که می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ﴾^۱
و آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم، ولی آنها از نشانه‌های او رویگردانند.

۱- سوره انبیاء، آیه ۳۲.

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۰۰.

الهی

خداوندا،

تو را سپاس که مرا به دنیا آوردی؛
و از شیر گوارا غذایم دادی؛
و دل مادران را با من مهربان کردی؛
و آن زمان که در گهواره، طفلی ضعیف بودم؛ از من محافظت
کردی؛

و هر سال که از من گذشت، بر رشد من افزودی؛
و از خوراک و پوشاک گوناگون بهره‌مندم ساختی؛
و آن زمان که رشد یافته‌ام، سپاسگزاری را به من آموختی؛
و معرفت خودت را بر دلم الهام کردی؛
و پذیرش گفتار پیامبرانت را بر من آسان ساختی.

الهی،

چگونه نعمت‌هایت را بشمارم، و بخشش‌هایت را سپاس گویم،
در حالی که نعمت‌هایت، بیش از آن‌اند که به شمارش درآیند.^۱
(تو هم اگر دوست داری چند جمله با پروردگارت سخن بگو).

.....
.....
.....



دو سرمایه گرانبها

اعداد زیر را یک بار بخوانید :

۱۰۰۱

۱۰۰۲

۱۰۰۳

۱۰۰۴

۱۰۰۵

پنج ناینه گذشت!

تا حالا به حرکت ابرها توجه کرده اید؟

ابرها با سرعت زیاد توسط باد جابه جا می شوند، ولی ما معمولاً متوجه سرعت حرکت آنها

نمی شویم. چه چیزهای دیگری را می شناسید که گذشتن آنها مانند حرکت ابرها باشد؟



... سوت شروع مسابقه به صدا درمی آید و بازی آغاز می شود!
در تیم اول هر کدام از بازیکنان وظیفه خود را می شناسند و آماده اند که با شروع بازی، دستورات
مربیان خود را مو به مو در زمین اجرا کنند. برنامه آنها برای پیروز شدن در مسابقه این است که از همان
دقیقه اول، با تمام قدرت بازی کنند و هیچ فرصتی را از دست ندهند.
اما در تیم دوم، بازیکنان هنوز بازی را جدی نگرفته اند و تلاش چندانی از خود نشان نمی دهند.
آنها با خودشان می گویند: حالا ۹۰ دقیقه وقت داریم...

شما نتیجه بازی را چگونه پیش بینی می کنید؟

تصور کنید وقتی سوت پایان بازی به صدا درمی آید، بازیکنان تیم دوم که فرصت های خود را از
دست داده اند، همه دور داور جمع شوند و بگویند: ما اصلاً حواسمان به زمان بازی نبود و نفهمیدیم
چطور مسابقه تمام شد. چند دقیقه دیگر به ما فرصت بدهید تا موقعیت های از دست رفته را جبران
کنیم. دوباره سوت بزنید تا مسابقه را ادامه دهیم!...
به نظر شما داور این مسابقه چه پاسخی به این درخواست خواهد داد؟



به نظر شما زندگی ما در دنیا، چه شباهت‌هایی با یک مسابقه فوتبال دارد؟
تفاوت‌های این دو در چیست؟

عُمر، فرصتی برای ...

خداوند بلندمرتبه دربارهٔ کسانی که قدر عمر خود را نمی‌دانند و فرصت‌های زندگی را بی‌دلیل از دست می‌دهند و با دست خالی از این دنیا می‌روند می‌فرماید:

«حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا...»^۱

هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می‌رسد، می‌گوید پروردگارا! مرا [به دنیا] برگردان تا اعمال صالحی را که ترک کرده بودم، انجام دهم! هرگز! [چنین بازگشتی در کار نیست!] این سخنی است که او به زبان می‌گوید [و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است!]

به راستی کسی که می‌داند نعمت‌های بهشت پاداش کارهای نیک او در این دنیا است، از فرصتی که در اختیار دارد چگونه استفاده می‌کند؟
راستی اصلاً کسی می‌داند تا چه زمانی برای جمع‌آوری توشه در این دنیا وقت دارد؟
حضرت علی **علیه السلام** می‌فرماید:

فرصت‌ها مانند ابرها می‌گذرند، پس فرصت‌های خوب را غنیمت شمرید.^۲

۱- سوره مؤمنون، آیات ۹۹ و ۱۰۰.

۲- نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۲.

در هر یک از موارد زیر رفتار کسی که فرصت‌های زندگی خود را از دست می‌دهد را با رفتار انسان دوران‌دیش مقایسه کنید. وقتی...

۱- فرد دوران‌دیش.....	برادر کوچکش از او می‌خواهد سوره کوچکی از قرآن را به او بیاموزد.
۲- فرد بی‌توجه.....	
۱-.....	معلم در کلاس مشغول توضیح دادن درس است.
۲-.....	
۱-.....	صدای اذان را می‌شنود.
۲-.....	
۱-.....	می‌داند برنامه مورد علاقه‌اش چه ساعتی از تلویزیون پخش می‌شود.
۲-.....	
۱-.....	تا زمان امتحانات، یک ماه بیشتر باقی نمانده است.
۲-.....	

پس اولین سرمایه ما برای خوشبختی در دنیا و آخرت همین زندگی و عمر است که اگر کسی از آن محروم شود، از نعمت‌های دیگر نیز نمی‌تواند هیچ استفاده‌ای کند. آیا نعمت عمر به تنهایی برای خوشبختی ما در دنیا و آخرت کافی است؟

اگر کمی فکر کنیم می‌بینیم که انسان‌های بدکار و حتی حیوانات نیز از نعمت عمر برخوردارند و مدتی در دنیا زندگی می‌کنند. آیا آنها نیز می‌توانند مانند نیکوکاران به سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت برسند؟ علت چیست؟



یکی از تفاوت‌های انسان با حیوانات و گیاهان، قدرت تفکر و اندیشیدن است. ما انسان‌ها می‌توانیم با استفاده از این نعمت ارزشمند، علاوه بر خوشبختی در دنیا به راه‌های پیشرفت خود در زندگی خوب بیندیشیم و با کمک پیامبران الهی بهترین راه را برای سعادت خود

انتخاب کنیم.

تفکر در آیات الهی آن چنان اهمیتی در دین اسلام دارد که پیامبر اعظم **صلی الله علیه و آله وسلم** آن را از بسیاری عبادت‌های دیگر بالاتر دانسته و می‌فرماید:^۱



البته متأسفانه در میان انسان‌ها کسانی هستند که توانایی اندیشیدن دارند، ولی از این نعمت خداوند استفاده نمی‌کنند. چشم دارند، ولی از آنچه می‌بینند عبرت نمی‌گیرند، گوش دارند، ولی برای شنیدن (دستورات خداوند) از آن استفاده نمی‌کنند.

خداوند بلندمرتبه، این گروه از انسان‌ها را که (دل‌هایشان) کر و لال است، از چهارپایان هم گمراه‌تر دانسته^۲ و آنها را بدترین موجودات^۳ معرفی می‌کند.

به نظر شما علت این همه تأکید و سفارش دین اسلام به فکر کردن چیست؟
آیا انتخاب راهی درست برای زندگی بدون اندیشیدن امکان‌پذیر است؟

خود را امتحان کن

- ۱- بین حرکت ابرها و گذشتن زمان چه شباهت‌هایی وجود دارد؟
- ۲- آیا نعمت عمر به تنهایی برای خوشبختی ما در دنیا و آخرت کافی است؟ توضیح دهید.
- ۳- خداوند حکیم چه کسانی را از چهارپایان نیز گمراه‌تر معرفی می‌کند؟ چرا؟

۱- آیات: نشانه‌ها

۲- کافی، ج ۲، ص ۵۴.

۳- البته فراموش نکنیم که در دین اسلام هیچ عملی نمی‌تواند جایگزین عبادت‌های واجب (مانند نمازهای روزانه و عبادت‌های

واجب دیگر) شود.

۴- سوره فرقان، آیه ۴۴.

۵- سوره انفال، آیه ۲۲.

راهی برای بهتر فهمیدن

در طول تاریخ، متفکران با ایمان که قدرت فکر و اندیشه خود را هدیه‌ای از طرف پروردگار مهربان خود می‌دانستند، برای رشد و حفظ این نعمت ارزشمند دعا می‌کردند و در مناجات‌های خود همواره از خداوند می‌خواستند که برای درست فکر کردن و درست فهمیدن مسائل آنان را یاری کند.

ابن‌سینا فیلسوف و دانشمند بی‌مانند ایرانی می‌گوید:

هرگاه پس از اندیشیدن طولانی در حل مسائل پیچیده فلسفی در می‌ماندم و

همه درها به رویم بسته می‌شد، به مسجد جامع می‌رفتم و

دورکعت نماز می‌خواندم و از خداوند می‌خواستم

که مرا در تفکر و حل مسائل یاری کند و

بدین صورت بسیاری از مشکلات علمی خود

را با استعانت از خداوند بزرگ حل

می‌کردم.



الهی

الهی

ای خالق مهربان، تو را سپاس؛
سپاس که به من زندگی دادی؛
تا تو را بشناسم و دوستت بدارم.
خداوندا،

ای بخشنده‌ای که به من توانایی فکر کردن بخشیدی؛
یاری‌ام کن که بدون فکر کاری نکنم.
پروردگارا،
ای دانای بزرگ؛

ای که تفکر را سرمایه‌ی من قرار دادی؛
و هیچ عبادتی را از آن برتر ندانستی؛
بر محمد و آل او درود فرست؛
و اندیشه‌ام را وسیله‌ی هدایتم قرار ده.^۱



استعانت از خداوند

روزی عده‌ای از درباریان هارون (خلیفه مغرور و زورگوی عباسی) در حضورش نشستند و مشغول چابلوسی بودند که بهلول زیرک وارد شد.

هارون روبه بهلول کرد و گفت: ای بهلول، خیلی وقت است که ما را می‌شناسی و به دربار ما می‌آیی، اما برخلاف دیگران تاکنون چیزی از ما نخواستی! امروز از ما چیزی بخواه تا به تو ببخشیم! بهلول اندک تأملی کرد و گفت: ای خلیفه بزرگ، نگران گناهانم هستم، می‌ترسم در روز قیامت باعث عذاب من شود. از شما می‌خواهم گناهان مرا ببخشید!

خلیفه خنده بلندی سر داد و گفت: ای نادان، من نمی‌دانم خودم در روز قیامت چه حال و روزی خواهم داشت. چگونه در آن روز تو را نجات دهم؟ چیز دیگری بخواه! — ای خلیفه، من بدنی نحیف دارم و زود بیمار می‌شوم. از شما می‌خواهم بیماری‌ها را از من دور کنید!

هارون این بار با ناراحتی گفت: این کار هم از من ساخته نیست. چیز دیگری بخواه! — جناب خلیفه، این کشور پهناور و همه ساکنانش فرمانبردار شما هستند، درست می‌گویم؟ — معلوم است. ما سلطان این سرزمین هستیم.

— من هر وقت می‌خواهم استراحت کنم، پشه‌ها و مگس‌های مزاحم، مرا اذیت می‌کنند و نمی‌گذارند بخوابم. اگر ممکن است به آنها دستور بدهید با من کاری نداشته باشند تا بتوانم راحت استراحت کنم.

هارون که از عصبانیت نمی‌توانست خودش را کنترل کند، فریاد کشید: نادان! اینها چیست که از ما می‌خواهی؟ چرا کارهایی را از ما می‌خواهی که انجامشان از هیچ‌کسی بر نمی‌آید؟ نکند ما را مسخره کرده‌ای؟

بهلول آرام ولی استوار جواب داد: جناب خلیفه، من قصد مسخره کردن شما را نداشتم. فقط..... بهلول این را گفت و سپس در میان سکوت و حیرت اطرافیان، قصر را ترک کرد.



فکر می کنید بهلول از این درخواست ها چه منظوری داشت؟

ما مسلمانان در هر شبانه روز دست کم ده مرتبه سوره حمد را می خوانیم و در آن می گوئیم :

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»^۱.

[خدایا] تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می خواهیم.

می دانید چرا؟

اگر کمی به زندگی روزانه خود فکر کنیم درمی یابیم که ما نمی توانیم تمام نیازهای زندگی خود را به تنهایی برطرف کنیم و برای پشت سر گذاشتن مشکلات، نیازمند کمک دیگران هستیم. از طرفی انسان های دیگر نیز همگی مانند ما هستند و تنها خداوند بزرگ و بی مانند است که بدون آنکه خود نیازی به دیگران داشته باشد می تواند به همه یاری رساند. پس طبیعی است که همه از خداوند یاری بجویند. اما ما چگونه می توانیم بیش از پیش از یاری خداوند برخوردار شویم؟

چگونه از خدا یاری بخواهیم؟

۱- دعا کردن

یکی از مهم ترین و ساده ترین راه ها برای استعانت^۲ از خداوند بزرگ دعا کردن است. خداوند مهربان در قرآن کریم می فرماید :

«وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ...»^۳

ای پیامبر، هرگاه بندگانه از تو درباره من سؤال کردند، [بگو من به آنان] نزدیکم؛ هرگاه دعا کنند و مرا بخوانند جواب آنان را می دهم.

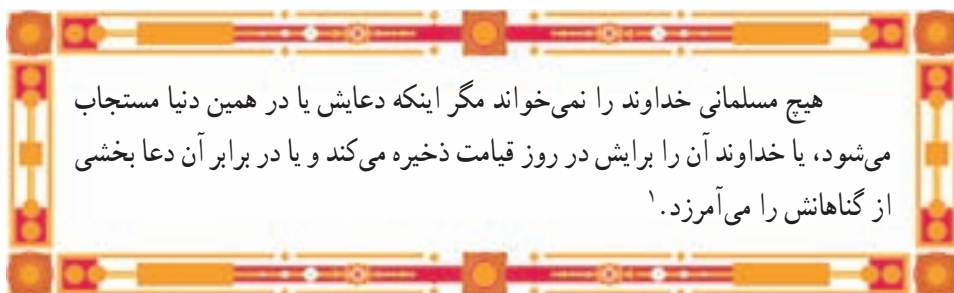
۳- سوره بقره، آیه ۱۸۶.

۲- استعانت: یاری طلبیدن.

۱- سوره حمد، آیه ۵.

این آیه به روشنی نشان می‌دهد که دعای هیچ یک از بندگان از خداوند پنهان نمی‌ماند و او نیز درخواست هیچ کس را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. البته گاهی از خداوند چیزهایی را درخواست می‌کنیم که به مصلحت مان نیست. خداوند که بهتر از هر کس دیگری از سود و زیان ما آگاه است، به جای درخواست ما چیزی می‌دهد که مفیدتر و مناسب‌تر است.

رسول خدا درباره این‌گونه دعاها می‌فرماید :



شرایط استجاب دعا

خداوند مهربان به‌خاطر لطف و رحمتش، به همه آفریده‌های خود توجه دارد و هیچ دعایی از او پوشیده نیست، اما بعضی کارها در نزد خداوند آن‌قدر ناپسند است که اگر کسی آنها را انجام دهد، دعاهایش مستجاب نمی‌شود :



«بنی اسرائیل دچار قحطی و خشکسالی شدیدی شدند. رودها و چشمه‌ها خشک شد و همه محصولات کشاورزی و حیوانات اهلی از بین رفت. خشکسالی آن‌چنان طولانی شد که مردم از گرسنگی حتی حیوانات مرده را هم می‌خوردند.

جمعیت انبوهی برای طلب یاری از خداوند جمع شدند و به بیابان رفتند و با گریه و زاری مشغول دعا شدند. پس از مدتی طولانی باز هم خبری از باران نشد و مردم خسته و ناامید دوباره به خانه‌هایشان بازگشتند.

خداوند به پیامبر وحی کرد که به میان بنی اسرائیل برو و بگو در خانه‌های شما اموالی است که به زور از دیگران غارت کرده‌اید. تا مال هر کس را به خودش برنگردانید هر قدر هم دعا کنید من دعایتان را مستجاب نخواهم کرد.

۱- بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۷۸.

بنی اسرائیل شروع به بازگرداندن اموال دیگران کردند. وقتی تمامی اموال را به آنان بازگرداندند، دوباره ابرهای باران‌زا در آسمان پدیدار شدند و پس از سال‌ها خشکسالی، رحمت خداوند آن سرزمین را فراگرفت.

فعالیت کلاسی

ماجرای بنی اسرائیل به یکی از موانع استجاب دعا (کسب مال حرام) اشاره می‌کند. شما نیز در کلاس و با کمک معلم محترم درباره موانع دیگر استجاب دعا گفت‌وگو کنید.

نماز بهترین نمونه دعاست. نمازگزار در بخش‌های مختلف نماز (سوره حمد، قنوت، دعاهای رکوع و سجود) با خداوند سخن می‌گوید و از او یاری می‌طلبد. در این حال، انسان به خداوند توجه بیشتری دارد، خدا نیز با لطف و رحمت بیشتری با او رفتار می‌کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هرگاه مشکلی از مشکلات دنیا شما را غمگین کرد، وضو بگیرید، به مسجد بروید و دو رکعت نماز بخوانید و دعابتان را از خداوند بخواهید. آیا نشنیده‌اید که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» یعنی [در سختی‌ها] از صبر و نماز یاری بگیرید؟^۱

۲- صبر و تقوا

به جز دعا کردن چه کارهای دیگری را سراغ دارید که یاری خداوند را به دنبال داشته باشد؟ بعد از جنگ احد، دیگر برای مسلمانان رمقی باقی نمانده بود. تعداد زیادی شهید شده و بقیه هم به سختی مجروح شده بودند.

۱- کافی، ج ۴، ص ۶۳.

لشکر مشرکان که پس از جنگ، در راه بازگشت به مکه بودند، در بین راه با خود گفتند: اکنون که پیروز شده‌ایم، چرا کار را یکسره نکنیم؟ بهتر است به مدینه حمله کنیم و مسلمانانی را که زنده مانده‌اند بکشیم و دارایی‌های شهر مدینه را نیز غارت کنیم، با این کار برای همیشه خیال ما از محمد و پیروانش آسوده خواهد شد



خیلی زود به مسلمانان خبر رسید که لشکر مشرکان دوباره به طرف آنها در حرکتند. شرایط بسیار سختی به وجود آمده بودند. آنان دیگر توان جنگیدن نداشتند. در حالی که مسلمانان ناامید شده بودند، ناگهان فرشته‌ی وحی برای پیامبر خدا **صلی الله علیه و آله** پیام مهمی آورد. این پیام به مسلمانان آن‌چنان روحیه‌ای بخشید که حتی مجروحینی را که ده‌ها زخم در تن داشتند. برای نبرد با کافران به طرف میدان مبارزه کشید:

«بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فُورِهِمْ هَذَا يُغْدِذْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ»^۱

آری، اگر صبر کنید و پرهیزگار باشید، هنگامی که دشمنان بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار نفر از فرشتگان، که نشانه‌هایی با خود دارند، یاری خواهد کرد.

پس از نزول این آیات مسلمانان با تمام توان دوباره به طرف میدان جنگ به حرکت درآمدند. مشرکان که نمی‌توانستند باور کنند این لشکر امیدوار و با روحیه، همان لشکر شکست خورده باشد به گمان اینکه لشکری تازه‌نفس به سراغشان آمده است، از وحشت پایه فرار گذاشتند.

فعالیت کلاسی

به نظر شما چه چیزهایی موجب شد خداوند مسلمانان را یاری کند؟

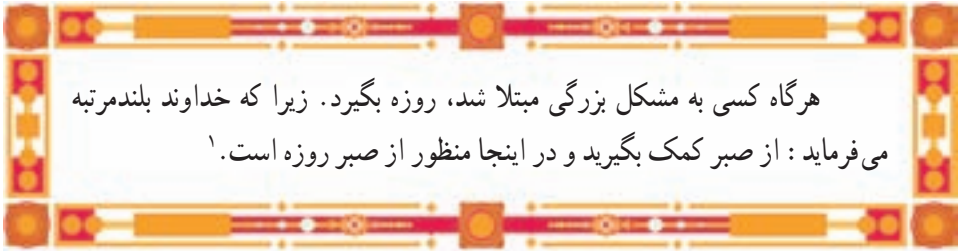
۱- آیات ۱۲۳ تا ۱۲۵، سوره آل عمران.

روزه، صبر ارزشمند

یکی از کارهایی که موجب تقویت صبر انسان می‌شود و او را با تقوا می‌سازد، روزه گرفتن است.

مؤمنی که روزه می‌گیرد، با اینکه آب و غذا در اختیار دارد و می‌تواند از آنها استفاده کند، برای خشنودی خداوند تشنگی و گرسنگی را تحمل می‌کند. او با این کار به تمرین صبر می‌پردازد و به خواسته خداوند بیش از خواسته خودش توجه می‌کند. کاملاً روشن است که خداوند مهربان نیز به چنین فردی بیش از پیش یاری می‌رساند و او را در کارهایش موفق می‌گرداند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید :



خود را امتحان کن

- ۱- توضیح دهید چرا بهلول هرگز چیزی از هارون درخواست نمی‌کرد؟
- ۲- گاهی انسان‌ها در دعاهایشان چیزی می‌خواهند که برایشان زیان‌آور است. آیا خداوند این دعاها را مستجاب می‌کند؟ گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در این مورد توضیح دهید؟
- ۳- پیام مهم خداوند را که باعث شد مسلمانان نیرویی تازه گرفته و مشرکان را فراری دهند، به صورت خلاصه بیان کنید.
- ۴- توضیح دهید روزه گرفتن چگونه باعث بهره‌مندی بیش‌تر ما از یاری خداوند می‌شود؟

۱- کافی، ج ۴، ص ۶۳.

امداد غیبی

چهاردهم اردیبهشت ۱۳۵۹، نیمه‌های شب در حالی که مردم خوابیده‌اند، هواپیماها و بالگردهای آمریکایی مخفیانه وارد ایران می‌شوند و پس از پیمودن هزار کیلومتر در اطراف شهر طبرس فرود می‌آیند.

آنها باید در این مکان ضمن سوختگیری برای آخرین بار نقشه عملیات را مرور کنند و همین امشب مأموریت سری خود را به انجام برسانند. آمریکایی‌ها بهترین کماندوهای خود را پنج ماه تمام آموزش‌های ویژه داده‌اند تا بتوانند این مأموریت مهم را با پیروزی پشت‌سر بگذارند.

آنان می‌خواهند جاسوسان آمریکایی را که در ایران دستگیر شده‌اند آزاد کنند و سپس با مباران جماران (منزل امام خمینی) و کودتای نظامی در ایران، حکومت را دوباره به دست بگیرند.

ماهواره‌های اداره هواشناسی مرکزی آمریکا هوای امشب ایران را کاملاً صاف و مهتابی اعلام کرده‌اند.

برای اینکه این عملیات سری فاش نشود، آنها باید بلافاصله پس از سوختگیری دوباره به پرواز درآیند و قبل از روشن شدن هوا کار را یکسره کنند.

هواپیماها و بالگردهای بزرگ یکی پس از دیگری به هواپیمای گول بیگر سوخت‌رسان نزدیک می‌شوند و پس از سوختگیری جای خود را به دیگری می‌دهند. ظاهراً همه چیز طبق نقشه پیش می‌رود و از همین حالا باید عملیات را تمام شده دانست که ناگهان:

طوفانی سهمگین تمام منطقه را فرا می‌گیرد. تندباد صحرایی دانه‌های ریزش را با خود همراه می‌کند و در یک چشم به هم زدن همه را زمین گیر می‌کند. دیگر چشم چشم را نمی‌بیند. طوفان شن رادارهای پیشرفته را هم از کار انداخته است.

فرمانده با تلاش فراوان با وزارت جنگ آمریکا تماس می‌گیرد:

«این چه وضعیتی است؟ مگر شما هوا را پیش‌بینی نکرده بودید؟ ما اینجا گیر افتاده‌ایم! اینجا جهنم است! از جهنم هم بدتر. هرچه زودتر دستور نهایی را صادر کنید. اگر این وضع ادامه پیدا کند باید...» و دوباره ارتباط قطع می‌شود.



در این حال یکی از بالگردها که برای سوختگیری به هواپیمای سوخت‌رسانی نزدیک می‌شود، به دلیل عدم دید کافی با هواپیماهای دیگر برخورد می‌کند و ناگهان با صدایی مهیب تمام صحرا روشن می‌شود. خلبان و هشت کماندو در یک چشم به هم زدن کشته می‌شوند.

سایر کماندوها وحشت‌زده از بالگردها پایین می‌پرند و فرار می‌کنند. هرکس سعی می‌کند جان خودش را نجات دهد. دو بالگرد دیگر که همزمان قصد فرار دارند، یکدیگر را نمی‌بینند و دوباره صدایی مهیب ...

آتش انفجار بالگردها و مهمات درون آنها، هواپیماها و بالگردهای دیگر را هم به آتش می‌کشد و ...

چه کسی باور می‌کند؟ هواپیماها و بالگردهایی که در هیچ جنگی شکست نخورده بودند! تمام آن پیش‌بینی‌ها و تمرین‌ها! آن همه مهمات و نیرو! ... دانه‌های ریزش همه را شکست داد. این همان اتفاقی است که رئیس‌جمهور آمریکا پس از مدت‌ها درباره آن می‌گوید: من هنوز هم کابوس وحشتناک طبس را می‌بینم!

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ
 فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا»^۱
 ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت خدا را بر خودتان به یاد آورید که
 وقتی لشکریانی انبوه [برای نابودیتان] به سراغ شما آمدند، پس ما تبدادی را به
 همراه سپاهیان خود که شما آنها را نمی‌بینید به جنگ آنان فرستادیم [تا بدانید
 که] خداوند به آنچه می‌کنید بیناست.

پیشنهاد



سوره فیل را بخوانید و ببینید معنای این سوره چه شباهت‌هایی با ماجرای طبس دارد؟ این شباهت‌ها را یادداشت کنید و درباره آنها با هم کلاسی‌هایتان گفت‌وگو کنید.
 به نظر شما این شباهت‌ها و تکرار این‌گونه اتفاق‌ها در زمان‌های مختلف نشانه چیست؟



الهی

خداوندا،

تو را سپاس که کامل ترین دین را نصیبم ساختی؛ و مرا دوست دار
دینت قرار دادی.

ای داناترین و ای تواناترین،

تو خود بیش از همه انسان را می شناسی؛

و به ضعف و قوتش آگاهی؛

و می دانی که دانایی اش اندک است و قانون هایش ناقص؛

الهی،

پس بر محمد و آل او درود فرست و یاری ام کن؛

یاری ام کن که قانون تو را که دین توست، بشناسم؛

همواره آن را دوست بدارم؛

و به آن عمل کنم؛

ای مهربان ترین مهربانان...



فصل دوم: راه و توشه



در فصل پیش دانستیم که جهان آفرینش با تمام وسعت و شگفتی‌هایی که دارد، برای این آفریده شده است که انسان از آن استفاده کند و با سرمایه‌های گرانقدری (مانند فرصت زندگی و توانایی اندیشیدن) که در اختیار دارد، به سوی بهشت الهی حرکت کند.

ما در این فصل، به بررسی کارهایی می‌پردازیم که می‌توانند ما را در رسیدن به هدفی که داریم یاری کنند.

فصل حاضر از سه درس تشکیل شده است که به ترتیب عبارت‌اند از:

دین، گنج بی‌پایان؛ نردبان آسمان؛ و یک فرصت طلایی.

● درس چهارم (دین، گنج بی‌پایان) با نشان دادن برخی مشکلات جوامع بی‌دین، تأثیر دین در خوشبختی انسان‌ها و مسئولیت ما در برابر این نعمت بزرگ الهی را بیان می‌کند.

● درس پنجم (نردبان آسمان) ضمن بیان برخی آداب نماز و فضایل آنها به آموزش احکام لباس و مکان نمازگزار خواهد پرداخت.

● درس ششم (یک فرصت طلایی) ابتدا برخی ویژگی‌های ماه رمضان را برشمرد و سپس فواید روزه‌داری را بیان می‌کند و در انتها به احکام مربوط به روزه خواهد پرداخت.





دین؛ گنج بی پایان

باورتان می شود...

در قرن بیست و یکم و زمانی که بشر مدعی رسیدن به اوج پیشرفت است؛ در برخی از همین کشورهای بزرگ و پیشرفته ای که ما هر روز تصاویر ساختمان ها و اتوبان های بزرگ و زیبای آنها را از تلویزیون می بینیم، اتفاقاتی می افتد که برای ما باورکردنی نیست؛ مثلاً^۱:

- در کشور آمریکا در هر سی ثانیه یک قتل اتفاق می افتد؟
- هر سال در برخی کشورها صدها هزار کودک دزدیده می شوند؟
- در بعضی از کشورهای بزرگ، مردم هنوز گوشت سگ ها را می خورند؟
- بیش از نیمی از مردم یک کشور بزرگ به سگ هایشان بیش از خانواده شان علاقه دارند؟
- هر روز تعداد زیادی از مردم این کشورها در اثر مصرف مشروبات الکلی می میرند؟
- افزایش خیره کننده جرم و جنایت و بالا رفتن تعداد زندانیان باعث شده است که در بعضی از شهرهای بزرگ آمریکا به ناچار برخی از سالن های ورزشی و حتی کلیساهای متروکه را نیز به محل نگه داری موقت زندانیان تبدیل کنند؟
- اشغالگران صهیونیست اعضای بدن کودکان و نوجوانان فلسطینی را قبل از کشتن آنها می ربایند؟

این وضعیت ناپسند شما را به یاد کدام بخش از تاریخ می اندازد؟



اوضاع جزیره العرب را در زمان جاهلیت به یاد دارید؟
در آن هنگام، صدایی که هرگز قطع نمی شد، صدای برخورد شمشیرها و ناله مادران داغ دار

بود!

۱- آمارهایی که ارائه می شود از گزارش رسمی وزارت دادگستری آمریکا در سال ۲۰۰۶ است.

چه بسیار دختران معصومی که به جرم دختر بودن، بی‌رحمانه زنده به گور می‌شدند. خوراک مردم، گوشت بدبوی مردار و هم‌نشین آنها مارها و سوسمارها بود. خیانت به دیگران افتخار، و کشتار دیگران نشانهٔ قدرت بود. حضرت علی **علیه السلام** دربارهٔ این زمان می‌فرماید:

خداوند حضرت محمد **صلی الله علیه و آله** را در حالی برای هشدار به همه جهانیان به پیامبری مبعوث کرد که شما بدترین روش زندگی را داشتید و در بدترین خانه‌ها زندگی می‌کردید. آشامیدنی‌هایتان آلوده بود و غذاهایتان ناگوار، خون یکدیگر را می‌ریختید، پیوند خویشاوندی را با بستگانتان از بین می‌بردید و فسادها و گناهان شما را فرا گرفته بود.^۱

فعالیت کلاسی

به نظر شما چه شباهت‌هایی بین رفتار مردم در این دو زمان وجود دارد؟ فکر می‌کنید علت این شباهت‌ها چیست؟

راه خوشبختی

پس از بعثت پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله** در مدتی کوتاه همه چیز تغییر کرد. مردمی که سال‌های طولانی دشمن یکدیگر بودند، با پذیرش دین آسمانی اسلام، به برادران دینی یکدیگر تبدیل شدند و سرزمین که در آن تنها عده‌ای انگشت‌شمار توانایی خواندن و نوشتن داشتند، در مدتی کوتاه هزاران دانشجو و استاد تربیت شد. در این سرزمین، دیگر کسی دختران را زنده به گور نمی‌کرد. مجسمه‌های سنگی و چوبی عبادت نمی‌شد و کسی به خاطر رنگ پوستش تحقیر نمی‌شد. اینها همه تنها گوشه‌ای از ثمرات بی‌شماری بود که دین برای مردم به ارمغان آورده بود.

۱- نهج البلاغه، خطبهٔ ۲۶.

قرآن کریم با یادآوری این موضوع مهم به مؤمنان می‌فرماید :

«... و نعمت خداوند را بر خود یاد کنید، آن‌گاه که دشمن یکدیگر بودید و او دل‌هایتان را به هم مهربان ساخت و به لطف او برادر شدید. و شما بر لبه پرتگاهی از آتش بودید، پس شما را از آن رهانید...»^۱.

اکنون پس از گذشت قرن‌ها، هنوز هم برخی گمان می‌کنند پیشرفت علمی آنها برای یافتن راه خوشبختی کافی است و برای همین خودشان را از راهنمایی خداوند مهربان بی‌نیاز می‌دانند و به تعالیم پیامبران بی‌توجهی می‌کنند. آنها برای رسیدن به خوشبختی هر راهی را آزمایش می‌کنند، اما باز هم نمی‌توانند خود را از وضعیت تأسف‌باری که در آن قرار دارند نجات دهند؛ چرا که تنها به تجربه و دانش محدود خود تکیه می‌کنند.

خداوند حکیم برای از بین بردن این تصور غلط می‌فرماید :

«...أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَ يُزَكِّيْكُمْ وَ يُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»^۲.

در میان شما پیامبری از خودتان فرستادیم [که] آیات ما را برای شما بازگو می‌کند؛ و شما را پاک می‌سازد و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد و آنچه را نمی‌توانستید آنها را بیاموزید به شما می‌آموزد.

بنابراین، ارزش دین وقتی بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم، اگر پیامبران راه درست خوشبختی را بیان نمی‌کردند، ما هرگز نمی‌توانستیم خودمان این راه را پیدا کنیم.

کسانی که به راهنمایی‌های دین اعتقاد دارند، همواره به درستی راه خود اطمینان دارند و بدون هیچ ترس و اضطرابی به حرکت خود به سوی هدف ادامه می‌دهند. آنها به خوبی می‌دانند که هیچ‌یک

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۲- سوره بقره، آیه ۱۵۱.

از دستورات دین بی دلیل و بی فایده نیست و حتی اگر ما از علت آنها هم بی خبر باشیم، باز هم عمل کردن به این دستورات ضامن سعادت ما خواهد بود. برای نمونه در ماه مبارک رمضان که مردم به مسائل دینی اهمیت بیشتری می دهند و کمتر دچار غفلت و وسوسه شیطان می شوند، آمار جرم های مختلف در کشور ما ایران از ۳۰ تا ۸۰ درصد نسبت به ماه های دیگر کاهش می یابد.

همه ما در حال پیمودن مسیری طولانی به طرف بهشت هستیم که قبلاً این راه را نرفته ایم و با آن آشنایی نداریم. پیمودن این راه بدون یک راهنمای آگاه و دلسوز، درست مانند امتحان دادن درسی است که تا کنون نخوانده ایم.

به همین دلیل خداوند مهربان پیامبرانی را به کمک ما فرستاده است که خودشان راه را به درستی می شناسند و به ما نیز یاد می دهند که برای رسیدن به مقصد، چه چیزهایی را باید همراه خود ببریم و چه چیزهایی را نباید همراه داشته باشیم.

فعالیت کلاسی

با توجه به اهمیت و تأثیر بی نظیر دین در خوشبختی انسان، وظیفه ما نسبت به دین چیست؟

دفاع از دین

با نگاهی به تاریخ اسلام درمی یابیم که مسلمانان از ابتدای ظهور اسلام، همواره از دین خود – که آخرین و کامل ترین دین الهی است – با تمام توان محافظت کرده اند. آنان می دانستند دین تنها راه رسیدن به سعادت دنیا و آخرت است، به همین دلیل، آن را از جان خود عزیزتر می دانستند و هرگاه احساس می کردند خطری دین را تهدید می کند، با فدا کردن جانشان به دفاع از دین خدا برمی خاستند.

این فداکاری تنها مربوط به زمان های گذشته نیست و تا وقتی شیطان و سربازانش برای نابودی دین نقشه می کشند، ما نیز موظفیم که با هوشیاری از آن پاسداری کنیم.

مقاومت هشت ساله جوانان مؤمن ما در برابر ارتش صدام، نمونه ای روشن از این مسئولیت مهم است. نوشته صفحه بعد قسمتی از وصیت نامه یکی از شهیدان دفاع مقدس است که مانند صدها هزار شهید دیگر، جان پاکش را برای دفاع از دین خدا فدا کرد:

... من به خاطر این به جبهه آمدم که می‌دیدم قرآن در خطر است. اسلام در خطر است. چون مسلمان بودم و باید از اسلام و میهنم دفاع می‌کردم. در طول تاریخ برای پابرجا ماندن این اسلام، قربانیان زیادی داده شده است، مثل امام حسین **علیه السلام** و اصحابش و مثل شهدای ما در جبهه. پس بر من واجب بود تا از آن دفاع کنم. اسلامی که با سختی‌های بسیار نگهداشته شده و مسلمانان (برای دفاع از آن) استقامت می‌کردند، بر من واجب بود از آن دفاع کنم...^۱

بیشتر بدانیم

هرکس برای اولین بار او را می‌دید متوجه می‌شد که شانه‌اش با شانه افراد سالم فرق دارد. زنان و دختران جوان با اینکه چند بار ماجرای جنگ اُحد را شنیده بودند، اما خیلی دوست داشتند که خود «نُسیبه» ماجرای دستش را برای آنها تعریف کند ...



«آن وقت‌ها اگر جنگی پیش می‌آمد، زنان نیز تا نزدیک میدان جنگ می‌آمدند و جایی بیرون از میدان جنگ، به مداوای مجروحان و آب دادن به رزمندگان و ... می‌پرداختند. روز جنگ، وقتی شوهر و دو پسر به همراه پیامبر خدا عازم اُحد شدند، من هم مشک آب را به همراه پارچه‌هایی برای بستن زخم مجروحان برداشتم و به راه افتادم. در آن لحظات فکر هر چیزی را می‌کردم جز جنگیدن!

آن روز مسلمانان با اینکه خیلی کمتر از کفار بودند، اما در ابتدای جنگ توانستند کفار را به سختی شکست بدهند و آنها را فراری بدهند. عده‌ای از مسلمانان به گمان اینکه کار دیگر تمام شده است، سلاح‌ها را به زمین گذاشتند و به جمع‌آوری غنیمت مشغول شدند. حتی نگهبانان گردنه حساس احد که پیامبر به آنها دستور داده بود به هیچ عنوان جایشان را ترک نکنند، وقتی بقیه مسلمانان را در حال جمع غنیمت دیدند، از گردنه پایین آمدند و مانند بقیه مشغول جمع‌آوری غنیمت برای خودشان شدند.

کفار که از دور این ماجرا را دیدند، با هم متحد شدند و ناگهان از پشت سر مسلمانان، یعنی از همان گردنه احد، مسلمانان بی‌سلاح را غافلگیر کردند و به آنان حمله کردند. عده زیادی کشته شدند، عده‌ای مجروح شدند و بقیه هم فرار کردند. فقط تعداد

۱- بخشی از وصیت‌نامه شهید رمضان عامری که در سال ۱۳۶۷ در جبهه‌های نبرد دفاع مقدس به شهادت رسید.



اندکی از مؤمنان واقعی مانند علی ابن ابی طالب و حمزه عموی پیامبر اطراف پیامبر را گرفتند و به جنگ با مشرکان پرداختند.

شرایط خیلی سختی بود. خیلی نگران بودم. خدایا، نکند برای پیامبر اتفاقی بیفتد؟! احساس کردم دین در خطر است. اگر کافران می توانستند آن چند مسلمان را هم از پای درآورند، دیگر از دین من چیزی باقی نمی ماند.

توانستم تحمل کنم. مشک را به زمین انداختم و به طرف میدان دویدم.

یکی از کفار را دیدم که فریاد می زد: محمد کجاست؟ خود محمد کجاست؟ خودم را به او رساندم و چند ضربه شمشیر تبارش کردم. ناگهان دیدم دو زره روی هم پوشیده است و ضربات من اثر زیادی بر او نداشته است. با شمشیرش ضربه محکمی بر شانه من زد که خون از دستم فواره زد.

پیامبر خدا در حالی که خودش مشغول دفاع بود، یکی از پسرانم را صدا زد و فرمود: زود برو و زخم مادرت را ببند.

پسرم زخم شانه ام را بست. شمشیرم را برداشتم و دوباره خودم را به پیامبر رساندم.

مشغول جنگ بودم که یکی از پسرهایم مجروح شد. فوراً خودم را به او رساندم و زخمش را بستم و به او گفتم: زود باش خودت را کنار پیامبر برسان... جنگ احد که تمام شد، پیامبر برای اطمینان از وضع دشمن دستور تعقیب آنها را صادر کرد، ولی من که چند جای بدنم زخمی شده بود و خون زیادی هم از بدنم رفته بود، دیگر توانستم ادامه دهم و در حالی که دیگر امیدی به زنده ماندنم نبود، با هر زحمتی که بود از میدان جنگ بیرون آمدم.

آن روز وقتی سپاه اسلام به مدینه بازگشت، رسول گرامی اسلام، پیش از اینکه به خانه‌اش برود کسی را به منزل ما فرستاد تا از حال من باخبر شود.

وقتی شنیدم که پیامبر خدا از شنیدن این خبر که نسبیبه زنده است چقدر خوشحال شدند، از شادی در پوست خودم نمی‌گنجیدم.

با خودم گفتم: درست است که مجروح شدم و شانهام درد زیادی دارد، ولی در عوض تا جایی که توانستم از پیامبر خدا و دین خودم دفاع کردم. این خیلی مهم‌تر از سلامتی نسبیبه است...»^۱

خودت را امتحان کن

- ۱- آیا انسان می‌تواند بدون استفاده از دستورات خداوند همه نیازها و خطرهای راه سعادت را پیش‌بینی کند؟ توضیح دهید.
- ۲- توضیح دهید که راهنمایی‌های پیامبران چگونه باعث خوشبختی انسان در دنیا و آخرت می‌شود؟
- ۳- به نظر شما اگر مسلمانان نسبت به راهنمایی‌های دین خود بی‌توجه باشند، چه سرنوشتی در انتظار آنها خواهد بود؟ آیا وضعیت آنها با مردم کشورهای بی‌دین تفاوتی خواهد داشت؟

۱- برداشت از داستان راستان استاد شهید مرتضی مطهری (به نقل از شرح این ای الحدید، ج ۳، ص ۵۶۸ تا ۵۷۰).



نردبان آسمان

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام فرمودند :

«ای مردم، مراقب نمازهایتان باشید و خودتان را با نماز به خدا نزدیک کنید. آیا نمی‌شنوید که وقتی از دوزخیان می‌پرسند چه چیزی شما را به دوزخ کشانید، می‌گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم»؟ بدرستی که نماز، گناهان را مانند برگ‌های پاییزی فرو می‌ریزد و غل و زنجیر گناهان را از گردن‌ها می‌گشاید. پیامبر خدا **صلی الله علیه و آله** نماز را به چشمه آبی تشبیه کرده است که در برابر خانه کسی جریان داشته باشد و او هر شبانه‌روز، پنج مرتبه خود را در آن شست‌وشو دهد؛ پس هرگز چرک و آلودگی در بدن او باقی نمی‌ماند.»^۱



در میان احکام اسلام هیچ موضوعی نیست که به اندازه نماز مورد تأکید و سفارش پیشوایان دین قرار گرفته باشد. این عبادت بزرگ در دین اسلام از چنان اهمیتی برخوردار است که از آن به عنوان ستون دین و معراج^۲ مؤمنان یاد شده است و ترک آن می‌تواند انسان را به مرز هولناک کفر و بی‌ایمانی بکشاند. اما باید ببینیم که آیا هر نمازی می‌تواند باعث بالا رفتن ما به سوی خدا شود؟ به نظر شما ما باید چگونه نماز بخوانیم که مورد توجه بیشتر خداوند قرار بگیریم؟

آداب نماز

در سال گذشته با برخی از آداب نماز آشنا شدیم. به جای آوردن نماز در اول وقت، پوشیدن لباس‌های تمیز در هنگام نماز و مرتب کردن ظاهر در نماز از این آداب بودند. در این درس به برخی دیگر از آداب و احکام نماز خواهیم پرداخت که عمل به آنها می‌تواند نماز را نزد خداوند بزرگ ارزشمندتر سازد.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.

۲- معراج: وسیله بالا رفتن به سوی خداوند.

خواندن اذان و اقامه قبل از نماز

حضرت علی علیه السلام می فرماید :

کسی که اذان و اقامه بگوید و به نماز بایستد، دو صف از فرشتگان پشت سر او به نماز می ایستند که ابتدا و انتهای این دو صف دیده نمی شود، و کسی که تنها اقامه بگوید و نماز بخواند، پشت سرش یک صف از فرشتگان به نماز می ایستند.^۱

این حدیث نورانی به خوبی نشانگر اهمیت و ارزش والای اذان و اقامه در تکمیل نماز است. محتوای اذان و اقامه را به یاد دارید؟ خداوند را از همه بزرگ تر شمردن، شهادت به یگانگی خداوند، شهادت به پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و

این موضوعات مهم ترین عقاید همه مسلمانان جهان است که به عنوان شعار اسلام، هر روز و شب و در وقت هر نماز، با صدای بلند در آسمان شهرها و روستاهای کشورهای اسلامی طنین انداز می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره این عمل ارزشمند می فرماید :

بخشی از ثواب نماز همه نمازگزاران، سهم مؤذنی است که مردم با صدای اذان او به نماز ایستاده اند.^۲

سفارش های بزرگان دین به اذان گفتن سبب شده است اذان گویی در تعالیم اسلامی، فرهنگی پسندیده و قابل تقدیر به شمار آید، به گونه ای که همواره مؤذنان امین و مورد اعتماد مردم و از اعتبار ویژه ای نسبت به دیگران برخوردارند.

۱- وسائل الشیعة ج ۵، ص ۳۷۳.

۲- وسائل الشیعة ج ۵، ص ۳۷۱.

نماز خواندن در مسجد

نماز خواندن در مسجد، یکی دیگر از آداب نماز است که باعث توجه بیشتر خداوند به نمازگزار می‌شود و لطف و رحمت بیشتر او را به دنبال می‌آورد. انسان وقتی به مسجد می‌رود در حقیقت میهمان خداست و روشن است که هیچ‌کس در پذیرایی از میهمانان خود، از خداوند بزرگ توانا تر نیست.

خداوند به حضرت موسی **علیه السلام** فرمود :

همانا مساجد خانه‌های من در زمین‌اند، پس خوشا به حال کسی که خود را پاکیزه کند و سپس برای زیارت من به خانه‌ام بیاید. [پس در این صورت] بر هر میزبانی لازم است که از زائر خود پذیرایی کند.^۱

فایده کلاسی

ضمن مشورت با دوستانتان در کلاس، توضیح دهید که چه فرقی بین آداب نماز و احکام واجب نماز وجود دارد؟ برای پاسخ به این پرسش می‌توانید از دبیر محترمتان کمک بگیرید.

شرایط نماز صحیح

نماز جماعت که تمام شد، سعید از صف پشتی آمد و کنار من نشست :

– سلام

همین‌طور که داشتم تسبیحات حضرت زهرا^۲ را می‌گفتم با او دست دادم و جوابش را دادم. سعید که انگار می‌خواست حرف مهمی بزند، همین‌طور چشم به من دوخته بود تا تسبیحات را تمام کردم. بلافاصله گفت :

۱- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۹۹.

۲- تسبیحات حضرت فاطمه زهرا **سلام الله علیها** یعنی گفتن الله اکبر (۳۴ مرتبه)، الحمد لله (۳۳ مرتبه) و سبحان الله (۳۳ مرتبه)

هیچ می دانی باید نمازت را دوباره از اول بخوانی؟

— چرا؟

— برای اینکه نمازی که الآن خواندی باطل بود!

خیلی تعجب کردم. دوباره پرسیدم: چرا؟

— برای اینکه پشت آستین پیراهنت خونی شده و با لباس نجس نمی شود نماز خواند.

تو مطمئنی؟

— باور نمی کنی؟ اینجاست، ببین.

باز حمت پیراهنم را چرخاندم و آن را دیدم. درست می گفت ولی خیلی کم بود. شاید یک قطره

بود.

— ولی این که خیلی کوچک است. مطمئنی این مقدار خون نماز را باطل می کند؟

— کاری ندارد، برویم از حاج آقا بپرسیم.

با هم رفتیم و کنار آقای علوی امام جماعت مسجدمان نشستیم. وقتی که بعد از سلام و

احوال پرسی ماجرا را برای او تعریف کردیم، حاج آقا گفت:

— ببینید بچه ها! اگر نمازگزار قبل از نماز بداند که لباس و یا بدنش نجس شده است، نمازش

باطل است، اما اگر بعد از نماز بفهمد که لباس یا بدنش پاک نبوده نمازش صحیح است و فقط برای

نمازهای بعدی باید آنها را پاک کند.

— ببخشید حاج آقا، یعنی نماز علی باطل نیست؟

— نخیر. چون اولاً خودش در حال نماز از نجس بودن لباسش خبر نداشته و از این گذشته

خونی که روی لباس علی آقا ریخته از یک سکه کوچک کمتر است.

سعید گفت: پس من چند روز پیش که برادر کوچکم را بغل کرده بودم و لباسم کمی نجس شد،

لازم نبود آن را برای نماز می شستم؟

— این مقدار بدون اشکال فقط درباره خون است؛ یعنی اگر لباس و یا بدن شما با نجاسات دیگر

برخورد کند، حتی اگر یک قطره هم باشد، حتماً باید قبل از نماز آن را پاک کنید.

— حاج آقا ببخشید؛ من شنیده ام اگر جوراب کسی نجس باشد، می تواند با آن نماز بخواند. این

درست است؟

۱- این اندازه تقریباً به اندازه یک بند از انگشت سیبانه انسان است.



– نماز خواندن با جوراب، کلاه و یا دستکش نجس که لباس به حساب نمی‌آیند اشکالی ندارد، به این شرط که خشک باشند و نجاست آنها به بدن و لباس‌های دیگر سرایت نکند. علاوه بر اینها، مکان و لباس نمازگزار شرایط دیگری هم دارد که باید به آنها توجه داشته باشیم :

اول : علاوه بر لباس و بدن نمازگزار، مکان نمازگزار (یعنی چیزی که فرد بر آن سجده می‌کند) هم باید پاک باشد و سجده کردن بر اشیای نجس، نماز را باطل می‌کند.

دوم : اگر نمازگزار در مکان غصبی^۱ نماز بخواند، نمازش باطل است و باید در محلی دیگر، دوباره آن نماز را به جای آورد.

سوم : لباس نمازگزار نباید غصبی باشد و حتی اگر دکمه‌ها و یا تنها بخشی از لباس نمازگزار نیز غصبی باشد، نماز با آن لباس‌ها باطل خواهد بود.

چهارم : اگر کسی با پولی که از راه حرام به دست آورده لباسی بخرد، نمی‌تواند در آن لباس نماز بخواند.

پنجم : استفاده از زیورآلات طلا – مانند انگشتر و یا گردنبند – برای مردان حرام است و استفاده کردن از این وسایل در هنگام نماز، باعث باطل شدن نماز مردان می‌شود.

۱- مکان غصبی به مکانی گفته می‌شود که صاحبش راضی به حضور دیگران در آن مکان نباشد.

ششم: نماز خواندن با لباسی که از پوست، مو و یا اجزای دیگر حیوانات حرام گوشت تهیه شده باشد، صحیح نیست و حتی اگر بخش‌های کوچکی از اجزای این حیوانات همراه نمازگزار باشد، نماز او باطل خواهد بود.

فعالیت کلاسی

با توجه به آنچه خواندیم، کدام یک از نمازهایی که در جدول زیر آمده صحیح و کدام یک باطل است؟

باطل	صحیح	حکم نماز کسی که این‌گونه نماز می‌خواند
		۱- با لباس خیس روی فرش نجس نماز می‌خواند.
		۲- بدنش نجس شده است ولی خودش نمی‌داند و نمازش را همین‌طور می‌خواند.
		۳- با جوراب نجس و خشک نماز می‌خواند.
		۴- پاهایش خیس است و در همین حال جوراب نجسی به پا می‌کند.
		۵- بعد از ادرار کردن فراموش کرده که محل نجس بدن را با آب شست‌و شو دهد.
		۶- کمر بندش از چرم گاو است.
		۷- پس از تماس با گربه، مقداری از موهای گربه روی لباسش باقی مانده است.
		۸- با پولی که رشوه گرفته است، لباسی خریده و با آن نماز می‌خواند.

بیشتر بدانیم

اوّل نماز

سپهبد شهید علی صیاد شیرازی می‌گوید:

در زمان جنگ ایران و عراق روزی به همراه رئیس‌جمهور، رئیس مجلس، وزیر دفاع و فرمانده کل سپاه پاسداران برای بررسی اوضاع جبهه‌ها در منزل امام خمینی (ره) بودیم. ایشان نشستند بودند و ما هم دور ایشان به صورت نیم‌دایره نشسته بودیم. همین‌طور گرم‌گفت‌وگو بودیم که در میان صحبت‌ها ناگهان امام از جایشان بلند شدند و به طرف اتاق کناری رفتند.

یکی از حاضران که نگران حال امام بود بلافاصله پرسید: آقا کسالتی پیش آمده است؟

امام فرمودند: «خیر، وقت نماز است.»

این جمله را با چنان لحنی گفتند که من به ذهنم رسید تا به حال این طور به فکر نماز نبوده‌ام! بعد به ساعت نگاه کردم، دیدم هنوز چند دقیقه‌ای به اذان ظهر باقی مانده است.^۱

خود را امتحان کن

- ۱- اگر کسی بعد از نماز بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده است، آیا واجب است نمازش را دوباره بخواند؟ توضیح دهید.
- ۲- کسی که کف پاهایش خیس است، آیا می‌تواند بر روی فرش نجس نماز بخواند؟
- ۳- استفاده از گردنبند و انگشتر طلا:
 - نماز مردان و زنان را باطل می‌کند.
 - فقط نماز زنان را باطل می‌کند.
 - فقط نماز مردان را باطل می‌کند.
 - برای مردان حرام است ولی ربطی به نماز ندارد.

پیشنهاد

مواردی وجود دارد که حتی اگر نمازگزار در حال نماز هم بفهمد لباس و یا بدنش نجس شده است، نمازش درست است و باید آن را ادامه دهد؛ مثلاً کسی که برای پوشاندن بدنش تنها یک لباس دارد و آن هم نجس شده است، می‌تواند با همان لباس نمازش را بخواند.

با افراد آگاه مشورت کرده و به کمک آنها سه مورد دیگر از این موارد را بیابید و آنها را در کلاس بازگو کنید.

۱- اقتباس از کتاب برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)، ج ۳، ص ۶۲.



یک فرصت طلایی

— «ای مردم، به میهمانی بزرگ خدا دعوت شده‌اید! این ماه که به سوی شما می‌آید، ماه برکت و مغفرت خداست! نفس‌هایتان در این ماه ثواب تسبیح دارد و خواب‌هایتان عبادت است. اعمالتان در این ماه مقبول و دعاهایتان مستجاب است. پس دعا کنید و از خدا بخواهید که شما را به روزه گرفتن و تلاوت قرآن در این ماه توفیق دهد. ای مردم، پاداش کارهای نیک در این ماه، هفتاد برابر ماه‌های دیگر است. هرکس در این ماه بسیار صلوات بفرستد، کارهای نیکش در قیامت سنگین خواهد بود و هرکس در این ماه یک آیه قرآن بخواند، پاداش کسی را دارد که تمام قرآن را تلاوت کند. ای مردم، هرکس در این ماه روزه‌داری را افطار دهد، خداوند گناهان گذشته‌اش را می‌آمرزد. کسی که در این ماه اخلاقتش را نیکو کند، در روز قیامت به آسانی از صراط خواهد گذشت و کسی که در این ماه بر زیر دستانش آسان بگیرد خداوند نیز حسابش را در روز قیامت آسان خواهد کرد»^۱.

فعالیت کلاسی

پیامبر اعظم **صلی الله علیه و آله** در این سخنان، به اعمالی اشاره فرموده‌اند که می‌تواند نقش مهمی در زندگی ما در جهان آخرت داشته باشند. سه مورد از این اعمال را بیان کنید و درباره تأثیر آنها در زندگی پس از مرگ، با دوستانتان صحبت کنید.

۱- بخشی از سخنان پیامبر گرامی اسلام **صلی الله علیه و آله**، بیش از فرا رسیدن ماه مبارک رمضان، امالی صدوق، ص ۹۳.

همه ما حال و هوای ماه رمضان را تجربه کرده‌ایم و از این ماه زیبا خاطراتی در ذهن داریم. خاطرات شیرینی که باعث می‌شود پس از پایان یافتن این ماه، خیلی زود دلمان برای سحرها و افطارهای زیبایش تنگ شود و دوباره چشم به راه فرارسیدنش در سال بعد باشیم.

شرکت در جلسات قرائت قرآن، میهمانی‌ها و افطاری‌ها، بیدارشدن در وقت سحر، مراسم شب‌های قدر و مناجات‌ها و دعا‌های مختلف در هنگام افطار و سحر، برنامه‌هایی‌اند که این ماه را بر ماه‌های دیگر برتری می‌بخشند. اما مهم‌ترین تفاوت ماه رمضان با ماه‌های دیگر چیست؟



در ماه رمضان روزه گرفتن بر مسلمانان واجب است.
پیامبر اعظم **صلی الله علیه و آله** درباره اهمیت این عبادت بزرگ می‌فرماید:



این عمل صالح از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که بزرگان دین مردم را - علاوه بر ماه مبارک رمضان - در زمان‌های دیگر نیز به روزه گرفتن سفارش کرده‌اند و برای این کار پاداش‌های ارزشمندی را از طرف خداوند برشمرده‌اند.

روزه گرفتن چه سودی برای مردم دارد که خداوند آن را بر همه واجب دانسته است؟

فواید روزه

۱- تقویت صبر و اراده

به درختانی که در کنار جوی‌های آب می‌روید نگاه کنید. آنها برای رشد و ادامه زندگی هیچ مشکل و زحمتی را تحمل نمی‌کنند.

اما درختانی که در مناطق کوهستانی و کم‌آب رشد می‌کنند، برای استوار ماندن با سختی‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند.

به نظر شما اگر این درختان دچار طوفانی سهمگین شوند، کدام یک زودتر از پای درمی‌آیند؟

۱- مصباح الشریعة، ص ۱۳۵.

کسی که به خاطر دستور خداوند روزه می‌گیرد، سختی گرسنگی و تشنگی را تحمل می‌کند و با اینکه آب و غذا در اختیار دارد، از آنها استفاده نمی‌کند. تکرار این کار باعث قوی‌تر شدن اراده و صبر انسان می‌شود. چنین فردی در صحنه‌های دیگر زندگی نیز هر جا که مورد وسوسه شیطان قرار بگیرد می‌تواند با کمک خداوند از اراده محکم خود بهره‌بردار و در برابر گناهان مقاومت کند. اما کسی که هرگاه دلش چیزی خواسته فوراً تسلیم شده است، نمی‌تواند در برابر وسوسه‌های شیطان مقاومت کند و خیلی زود در برابر او سر تعظیم فرو می‌آورد.

فعالیت کلاسی

چه ارتباطی بین مثال درختان و روزه‌داری وجود دارد؟ توضیح دهید.

۲- توجه به محرومان

همه ما بارها این ضرب‌المثل را شنیده‌ایم که می‌گویند: شنیدن کی بود مانند دیدن! شاید بگوییم درست است، اما این ضرب‌المثل چه ربطی به روزه دارد؟ روزی از امام صادق **علیه السلام** سؤال شد: چرا خداوند روزه را بر مردم واجب کرده است؟ امام **علیه السلام** فرمود:

ثروتمندان هرگز درد گرسنگی را حس نمی‌کنند، زیرا هر چه بخواهند می‌توانند به دست آورند؛ به همین دلیل نسبت به فقیران و گرسنگان دلسوزی نمی‌کنند. خداوند بلندمرتبه روزه را بر همه واجب کرد تا [در این ماه] همه مانند هم باشند و ثروتمندان نیز مژه گرسنگی را بچشند و با گرسنگان و فقیران مهربان شوند و به آنان کمک کنند.^۱

۳- حفظ سلامتی

می‌توانید حدس بزنید علت بیشتر بیماری‌ها چیست؟ نتیجه تحقیقات دانشمندان و پژوهشگران نشان می‌دهد که دلیل اصلی بسیاری از بیماری‌ها،

۱- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۳.

تغذیه نادرست و پرخوری است و به همین دلیل در اغلب کتاب‌های معتبر پزشکی بخشی به اصول تغذیه و منافع پرهیز از پرخوری اختصاص یافته است.

وقتی که مواد غذایی بیش از حد نیاز بدن باشد، به صورت چربی در بدن ذخیره می‌شود و ضمن بالابردن چربی، قند و فشار خون، باعث بالا رفتن وزن بدن و انباشته شدن چربی در میان ماهیچه‌های بدن می‌شود که محیطی بسیار مناسب برای رشد انواع باکتری‌ها و میکروب‌هاست. یک ماه روزه گرفتن، چربی‌های مزاحم و زائد بدن را مصرف می‌کند و از بین می‌برد و در حقیقت بدن را از آلودگی‌های یک‌ساله خانه‌تکانی می‌کند.

اکنون معنای این حدیث نورانی رسول خدا را بهتر می‌فهمیم که می‌فرمایند :



فعالیت کلاسی

آیه زیر را با دقت بخوانید :

«بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما واجب شد همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نیز واجب شده بود؛ باشد که پرهیزگار شوید.

۱- با توجه به این آیه، مهم‌ترین فایده روزه چیست؟

۲- این آیه به کدام یک از فایده‌های روزه که در این درس خواندیم ارتباط

دارد؟

۱- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۷۳.

۲- سوره بقره، آیه ۱۸۳.

مُبَطَّلَاتِ رُوزِهِ

شاید برخی گمان کنند همین که چیزی نخورند و نیاشامند برای روزه گرفتن کافی است، اما این تصور درست نیست. روزه یعنی این که انسان تصمیم بگیرد برای انجام دستور خداوند از اذان صبح تا اذان مغرب از چند کار معین (که به آنها مُبَطَّلَاتِ رُوزِهِ گفته می‌شود) خودداری کند. به این تصمیم (که خودش یکی از واجبات روزه است) نیت گفته می‌شود. یعنی اگر کسی نیت روزه گرفتن را نداشته باشد، هرچند که تمام روز را تشنه و گرسنه بماند، نمی‌تواند خود را روزه‌دار بداند.

مبطلات روزه عبارت‌اند از:

۱ و ۲- خوردن و آشامیدن

اگر شخص روزه‌دار آب، غذا، دارو و یا هر چیز دیگری را بخورد، حتی اگر خیلی کم باشد، روزه‌اش باطل می‌شود. حتی فرو بردن غذایی که در میان دندان‌ها باقی مانده است نیز باعث باطل شدن روزه می‌شود. برای همین به ما سفارش شده است در ماه رمضان بعد از خوردن سحری، مسواک بزیمیم تا چیزی از غذا در دهانمان باقی نماند. البته فرو بردن آب دهان برای روزه‌دار اشکالی ندارد.

۳- فرو بردن سر به زیر آب

روزه‌دار نباید سرش را به‌طور کامل به زیر آب فرو ببرد و اگر این کار را برای یک لحظه هم انجام دهد، روزه‌اش باطل می‌شود. البته ایستادن زیر دوش آب و یا ریختن آب بر روی سر برای روزه‌دار اشکالی ندارد و حتی اگر قسمتی از سر را یک بار و قسمت دیگر را بار دیگر به زیر آب ببرد نیز روزه‌اش صحیح خواهد بود.

۴- فرو بردن غبار یا دود غلیظ به حلق

روزه‌دار نباید گرد و غبار و یا دود غلیظ به حلق خود برساند. بنابراین، اگر جایی گرد و خاک خیلی زیادی در هوا پراکنده شده باشد و یا اینکه دود شدیدی در هوا پیچیده باشد، روزه‌دار باید آن‌جا را ترک کند و یا با استفاده از یک پارچه و یا ماسک از رسیدن آن به حلقش خودداری کند.

۵- استفراغ کردن

اگر روزه‌دار عمداً کاری کند که حالش به هم بخورد و استفراغ کند، روزه‌اش باطل می‌شود.

ولی اگر بدون اختیار در اثر بیماری یا چیز دیگری استفراغ کند، روزه اش صحیح است.

۶- دروغ بستن به خدا، پیامبران و یا امامان

اگر روزه دار حرفی را از خودش بگوید و بعد به دروغ بگوید که این حرف در قرآن است و یا آن را به یکی از امامان یا پیامبران نسبت دهد، روزه اش باطل می شود.^۱
تمام موارد شش گانه ای که گفته شد در صورتی باعث باطل شدن روزه می شود که شخص روزه دار عمداً و با توجه به این که روزه است آنها را انجام دهد. ولی اگر روزه دار فراموش کند که روزه است و یکی از مبطلات روزه را انجام دهد، روزه اش صحیح خواهد بود.

خودت را امتحان کن

- ۱- توضیح دهید چگونه روزه گرفتن باعث رسیدگی بیشتر مردم به فقرا و مستمندان می شود؟
- ۲- چهار مورد از مبطلات روزه را نام ببرید.
- ۳- اگر کسی در ماه رمضان فراموش کند که روزه است و مبطلات روزه را انجام دهد، روزه اش چه حکمی دارد؟
- ۴- آیا شناکردن در آب روزه را باطل می کند؟ توضیح دهید.

بیشتر بدانیم

جراحی بدون چاقو

«مطمئن ترین، بی ضررترین و بی خطرترین روش درمانی!»
ما نوعی جراحی بدون چاقو را کشف کرده ایم که هیچ روش درمانی دیگری را نمی توان با آن مقایسه کرد! آنچه گروه تحقیقاتی ما کشف کرده این است: روزه درمانی!

۱- مبطلات روزه نه چیز است که در سال های آینده با سه مورد دیگر آن آشنا خواهیم شد.

ما پس از آزمایش‌های مختلف مشاهده کردیم که هیچ‌یک از روش‌های پزشکی موجود نمی‌تواند مانند این روش در ترمیم و جوان کردن سلول‌های بدن اثرگذار باشد. روشی که نتیجه‌اش در پیش‌گیری و درمان بیماری‌ها، غیرقابل تصور است. این روش به سیستم بدن اجازه می‌دهد که پس از یک سال کاری وقفه، کمی استراحت کند و بعد از رهاشدن از شر مواد زائد انباشته شده در آن، دوباره خودش را تنظیم کند. روزه گرفتن تنها گرسنگی کشیدن نیست، بلکه راهی است برای نظافت، ترمیم و بازسازی بدن. این نیروی شگفت‌انگیز هدیه‌ای است که خدا در وجود هر انسانی آفریده است...»^۱

۱- روزه می‌تواند زندگی‌ات را نجات دهد، هربرت شپتن، ص ۱۹.

الهی

خداوندا،

ای صاحب ماه رمضان و ای دوست‌دار روزه‌داران؛ شکیبایی‌ام
بخش تا روزه بگیرم؛
و یاری‌ام کن تا میهمان قرآن شوم.

الهی،

تو خود مرا به مهمانی‌ات فراخواندی،
پس سحرهایم را پردعا و افطارهایم را با صفا کن.
و روزه چشم و زبان و گوش را نصیب کن،
تا بد نبینم، بد نگویم و بد نشنوم؛
پروردگارا،

ای بخشنده‌ترین و ای پاک‌ترین،
در شب‌های زیبای قدر،

مرا ببخش و بهترین سرنوشت را برای همه مقّر کن.



فصل سوم: معاد



در سال گذشته دانستیم که مرگ پایان همه چیز نیست؛ بلکه تنها پلی میان دنیا و آخرت است. این را هم دانستیم که حال هر کس در روز قیامت متناسب با اعمالی است که در دنیا انجام داده است و در حقیقت بهشت و جهنم هر کس در همین دنیا و به دست خودش ساخته می شود.

ما در این فصل، ضمن مرور ارتباط بین زندگی دنیا و آخرت به بررسی کارهایی می پردازیم که تأثیر بسیاری بر حالت انسان در هنگام مرگ دارند. فصل حاضر از دو درس تشکیل شده است که به ترتیب عبارت اند از: تلخ یا شیرین و راه سعادت مندی.

- درس هفتم (تلخ یا شیرین) در قالب داستانی مفصل، به بیان مراحل زندگی انسان از تولد در این دنیا تا رسیدن به بهشت یا دوزخ اشاره دارد.
- درس هشتم (راه سعادت مندی) به بررسی سه عمل می پردازد که می تواند تا حد زیادی از سختی مرگ برای انسان بکاهد.





تلخ یا شیرین

زیرک

بر روی تخت گران قیمت قصر نشسته بود و به حادثه‌های عجیب امروز فکر می کرد :
«این دیگر چه رسمی است؟ چرا مردم شهر همگی در مقابل دروازه شهر جمع شده بودند؟ چرا تا مرا دیدند، به طرفم دویدند؟ چرا مرا روی شانه‌هایشان نشانند و به قصر آوردند؟ مگر این شهر حاکم و فرمانروا ندارد؟ شاید مرا با شخص دیگری اشتباه گرفته‌اند!...»
همه چیز برایش مثل یک رؤیا بود. نمی توانست باور کند؛ صبح وقتی برای اولین بار وارد این شهر می شد، مسافری تنها و خسته بود و امشب، سلطان مردم این سرزمین!





روزها یکی یکی می آمدند و می رفتند، ولی کسی به پرسش های پادشاه جواب درستی نمی داد. این رفتار مرموز اطرافیان، او را بیشتر نگران می کرد، تا اینکه روزی...

مخفیانه لباس مردم عادی شهر را پوشید و از قصر بیرون رفت. همین طور که قدم زنان به اطراف نگاه می کرد، از بازار شلوغ شهر سر درآورد. در شلوغی و سرو صدای بازار هر کس مشغول کاری بود. با کنجکاوی به اطراف نگاه می کرد که ناگهان گرمی دستی را روی شانه هایش احساس کرد. سر جایش میخ کوب شد. سرش را که برگرداند پیرمردی مهربان را دید.

— «جناب سلطان! شما اکنون باید در قصر باشید. با این سر و وضع در بازار چه می کنید؟!»

دست و پایش را گم کرد. نمی دانست چه جوابی بدهد. پیرمرد او را شناخته بود. بریده بریده گفت: می خواستم، می خواستم، آخر می دانید...

پیرمرد لبخندی زد و گفت: از روز اول هم معلوم بود که آدم زیرکی هستید. حتماً می خواهید بدانید در این شهر چه خبر است و علت رفتار عجیب مردم این شهر چیست. حالا خوب گوش کنید تا من برایتان توضیح دهم:

سال های سال است مردم این شهر طبق یک رسم قدیمی، در روز معینی کنار دروازه شهر جمع می شوند و اولین کسی که وارد شهر می شود را به دوش می گیرند و او را به قصر می برند و پادشاه خود می سازند. آنها تا یک سال به تمام دستورات پادشاه عمل می کنند و فرمان بردار او هستند، سال بعد

دوباره همگی در کنار دروازه شهر جمع می‌شوند و برای انتخاب سلطان جدید، چشم به دروازه شهر می‌دوزند. بنابراین، هیچ پادشاهی در این شهر نمی‌تواند بیشتر از یک سال بر مردم حکومت کند.

— پس تکلیف پادشاه قبلی چه می‌شود؟

— او را بر کشتی سوار می‌کنند و به جزیره‌ای می‌برند و در آنجا می‌گذارند.

— می‌دانی آن جزیره کجاست؟

— من این موضوع را به پادشاهان پیشین نیز گفتم، ولی آنان توجهی نکردند. اگر شما بخواهید

من نشانی آن جزیره را به شما خواهم داد...



آن شب تا نزدیک صبح در قصر قدم می‌زد و فکر می‌کرد:

— می‌توانم تا سال بعد در این قصر در کمال آسایش زندگی کنم و از حکومت لذت ببرم. الآن همه چیز شهر در اختیار من است. اصلاً دلیلی ندارد با فکر کردن به آینده خودم را ناراحت کنم...

اما فقط یک سال؟! بعد از آن چه کار کنم؟ اگر بخواهم این یک سال را به خوشگذرانی بپردازم،

در آن جزیره بدون آب و غذا، بدون خانه و سرپناه، چگونه زندگی کنم؟

انتخاب سختی بود. آسایش یک ساله و رنج همیشگی یا یک سال زحمت و در عوض راحتی

همیشگی؟

اما بالأخره نزدیک صبح بود که تصمیم خودش را گرفت.

از فردای آن روز، به جز رسیدگی به کارهای مردم و تلاش صادقانه برای حل مشکلات آنان، با راهنمایی‌های پیرمرد دانا، چند دوست قابل اعتماد پیدا کرد و برنامه خودش را برای آنها توضیح داد.

او تمام هدایایی را که مردم شهر می‌آوردند، به دوستان نزدیکش می‌داد تا با آنها برایش مصالح ساختمانی، نهال‌های درختان و گله‌های گوسفند را خریداری کنند. او دیگر هیچ چیز از اموالش را

در قصر نگه نمی‌داشت.

از آن پس هر چند روز یک بار، بدون اینکه کسی خبردار شود، یک کشتی از ساحل شهر به

جزیره می‌رفت و مصالح ساختمانی، نهال‌های درختان و گله‌های گوسفندان را با خود به آنجا می‌برد. کشاورزان و کارگران مورد اعتماد پادشاه نیز هر روز به همراه خدمتکاران نزدیک وی به جزیره می‌رفتند

و....



همه چیز طبق برنامه پیش می‌رفت تا اینکه یک شب :
نیمه‌های شب ناگهان احساس کرد نمی‌تواند دستانش را حرکت دهد. چشمانش را که باز کرد
با صحنه‌ی عجیبی روبه‌رو شد. نگهبانان قصر دست و پای سلطان را بسته بودند و می‌خواستند او را با
خودشان ببرند.

— ببخشید جناب سلطان! دوره‌ی یکساله‌ی حکومت شما به پایان رسیده است و شما همین حالا باید
به همراه ما بیایید.

— کجا بیایم؟ من آماده نیستم. کمی به من فرصت بدهید.

— متأسفانه چنین چیزی ممکن نیست.

— پس لااقل بگذارید وسایل شخصی‌ام را بردارم...

— خیلی متأسفم! ما چنین اجازه‌ای نداریم. دوره‌ی حکومت شما تمام شده و ما باید شما را در هر
حالی که باشید به همراه خود ببریم.

وقتی او را از در قصر بیرون می‌بردند، در میان جمعیت انبوهی که آمده بودند تا برای آخرین بار
پادشاه را ببینند، چشمش به پیرمرد دلسوز و دانا افتاد که با رضایت به او نگاه می‌کرد.



همین که کشتی به جزیره رسید، مأموران، سلطان را نزدیک ساحل به آب انداختند و بازگشتند.
آنها نمی‌دانستند که در این شب تاریک، عده‌ی زیادی در جزیره منتظر ورود دوست عزیزشان، یعنی پادشاه
هستند و قصر بزرگ و زیبای او را که در میان باغی قرار داشت برای آمدنش آراسته‌اند.
سال‌ها بعد، مردم آن شهر بزرگ از دریانوردان می‌شنیدند که در وسط دریا شهری زیبا و بی‌نظیر
هست که...



فعالیت کلاسی

الف: به نظر شما اگر پادشاه زیرک به جای کار و زحمت یکساله، خوشگذرانی و
زندگی راحت در قصر را انتخاب می‌کرد، داستان ما چگونه به پایان می‌رسید؟

ب: اگر کمی فکر کنیم درمی یابیم که داستان زیرک شباهت‌های زیادی با زندگی خود ما در دنیا دارد. این شباهت‌ها را پیدا کنید و مانند نمونه، جاهای خالی زیر را پر کنید:

۱- زیرک که اولین بار به آن شهر آمده بود، به راهنمایی نیاز داشت.
ما نیز که تنها یک بار به این دنیا می‌آییم، برای خوشبختی نیازمند راهنمایی پیامبران هستیم.

۲- او می‌توانست تمام وقتش را به استراحت در قصر بپردازد.

..... ما نیز ممکن است.....

۳- زمان پادشاهی‌اش خیلی زود سپری شد.

.....

۴- اصلاً گمان نمی‌کرد که نگهبانان ناگهان نیمه‌شب به سراغش بیایند.

.....

۵- نگهبانان هنگام رفتن به او اجازه هیچ کاری را ندادند.

.....

۶- او در آن جزیره زیبا در جایی زندگی می‌کرد که خودش ساخته بود.

.....

۷- اگر مسافرِ داستان ما وارد این شهر نمی‌شد، هرگز نمی‌توانست روزی پادشاه جزیره زیبا و ساکنان آن شود.

.....

ج: به نظر شما چه شباهت‌های دیگری بین داستان زیرک و زندگی ما در این دنیا وجود دارد؟

سرانجامِ زندگی

می‌دانید قهرمان داستانی که خواندیم کیست؟

این داستان تنها یک قهرمان ندارد؛ بلکه هر کدام از ما می‌توانیم نقش این پادشاه را در زندگی خود بازی کنیم.

همان‌گونه که دیدیم حالت پادشاهان مختلف در هنگام رفتن از شهر به سوی جزیره با یکدیگر متفاوت بود. وضعیت ما انسان‌ها نیز در هنگام رفتن از این دنیا با انسان‌های دیگر متفاوت است.

خداوند حکیم در قرآن می‌فرماید :

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ اُدْخُلُوا
الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ^۱

هنگامی که فرشتگان روح انسان‌های پاک را می‌گیرند به آنها می‌گویند : سلام و درود بر شما. [اکنون وقت آن است] به خاطر کارهای نیکتان وارد بهشت شوید.

و در جای دیگری از قرآن کریم می‌فرماید :

اِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَاذْبَارَهُمْ وَذُقُوا
عَذَابَ الْحَرِيقِ^۲

هنگامی که فرشتگان جان کافران را می‌گیرند به صورت و پشت‌هایشان می‌زنند و [به آنان می‌گویند : اکنون وقت آن است] عذاب آتش را بچشید.

به مفهوم این دو آیه توجه کنید.

از مقایسه این دو آیه چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟

کسانی که در زندگی خود به خدا و پیامبرانش ایمان دارند و به فکر زندگی پس از مرگ هستند، مانند پادشاه زیرک‌اند که رفتن از شهر، هیچ ترسی برایش نداشت؛ چرا که می‌دانند در زندگی جدید خود نیز در آرامش و راحتی به سر خواهند برد.

اما کافران و بدکارانی که تمام زندگی خود را به خوشگذرانی و تفریح در دنیا می‌پردازند و برای

۱- سوره نحل، آیه ۲۲.

۲- سوره انفال، آیه ۵۰.

سفر خود توشه‌ای آماده نمی‌کنند، اصلاً دوست ندارند از این دنیا بروند؛ زیرا می‌دانند مرگ برای آنها به معنای پایان خوشی‌ها و سرآغاز سختی‌هاست.

اکنون این پرسش باقی می‌ماند که ما باید در دنیا چه کارهایی انجام دهیم تا هنگام سفر به جهان آخرت با سلام و درود فرشتگان روبه‌رو شویم؟
در درس بعد به پاسخ این پرسش خواهیم پرداخت.

خود را امتحان کن



- ۱- چرا پادشاه زیرک از رفتن به جزیره هیچ ترسی در دل نداشت؟
- ۲- مرگ برای چه کسانی وحشتناک و ناخوشایند است؟ چرا؟
- ۳- حالت مؤمنان و کافران را در هنگام مرگ توضیح دهید.



راه سعادت مندی

مردی از ابوذر غفاری پرسید : چرا ما از مرگ می ترسیم؟
ابوذر جواب داد :
زیرا شما دنیایتان را آباد کرده اید و آخرتتان را خراب و معلوم است که دوست
ندارید از آبادانی به ویرانی بروید.^۱



در درس پیش دانستیم که حالت انسان‌ها در هنگام روبه‌رو شدن با مرگ یکسان نیست و احساس هر کس متناسب با اعمالی است که در دنیا انجام داده است. همان‌طور که عده‌ای از روبه‌رو شدن با مرگ وحشت می‌کنند، عده‌ دیگری هم هستند که مرگ برایشان مانند رفتن به مراسم اهدای جایزه‌هاست. اما علت این تفاوت چیست؟ ما در این درس به بررسی کارهایی می‌پردازیم که انجام آنها موجب آسانی یا سختی زندگی در جهان آخرت می‌شود.



۱- نیکی به پدر و مادر

«مداوا دیگر فایده‌ای ندارد! بیماری آن قدر پیش رفته است که امیدی به بهبودی نیست.»

هنوز این جملات طبیب، تمام نشده بود که جوان دوباره به هوش آمد :

«نه! نه!... کمک! کمک کنید!... شما را به خدا نجاتم دهید...»

با وحشت به اطرافش نگاه می‌کرد و فریاد می‌کشید. این چندمین بار بود که تا به هوش می‌آمد با التماس کمک می‌خواست. گویا در این لحظات پیش از مرگ، چیزهایی را می‌دید که نمی‌توانست آنها را به زبان بیاورد. و این بار هم پس از مدت کوتاهی دوباره از شدت ترس بیهوش شد...



«یا رسول‌الله، جوان مسلمانی با وضعی رقت‌انگیز در حال احتضار است. اگر به خانه‌اش

بیایید و برایش دعایی کنید، شاید آسوده شود!»

پیام‌آور رحمت و مهربانی به خانه جوان آمد. جوان به هوش آمد و تا چشمش به چهره نورانی و مهربان پیامبر اکرم افتاد با التماس گفت: ای رسول خدا، کمک کن! باز هم آن دو موجود وحشتناک می‌آیند. آنها می‌خواهند مرا با خود به دوزخ ببرند. می‌دانم زمان مرگم فرا رسیده است، به فریادم برس و مرا از دست آنها رها کن. خواهش می‌کنم...

و دوباره بیهوش شد.



رسول خدا رو به مادر آن جوان کرد و فرمود :

— از پسر ت ناراضی هستی . همین طور است؟

بغض مادر ترکیب و با صدای بلند شروع به گریه کرد :

: یا رسول الله، من برای بزرگ کردن پسرم خیلی زحمت کشیدم و رنج بردم . چه شب ها که بیدار ماندم تا او بخوابد . خود گرسنه می ماندم و غذایم را به او می دادم . با این همه وقتی به سنّ جوانی رسید زحمت های مرا یکسره فراموش کرد و با پرخاش و تندى با من سخن گفت و احترامم را نگاه نداشت . حتی گاهی هم زبان به دشنام می گشود . ای پیامبر خدا، او دلم را شکسته است و من نیز از او به خدا شکایت کرده ام .

رسول خدا فرمود : از او راضی شو .

مادر رنج دیده نگاه ترحم آمیزی به فرزندش افکند و گفت : خدایا، به خاطر پیامبر گرامی تو فرزندم را بخشیدم، تو هم او را ببخش .

پیامبر برای جوان از خدا طلب آمرزش کرد .

دعای پیامبر و رضای مادر کار خود را کرد . جوان در آخرین لحظه های عمرش دوباره چشمش را باز کرد و با تبسم گفت : یا رسول الله، آن دو موجود ترسناک رفتند و حالا دو فرشته زیبا و خندان به سوی من می آیند . سپس به یگانگی خدا و پیامبری حضرت محمد گواهی داد و با لبخند، برای همیشه چشمانش را بست.^۱



امام صادق علیه السلام می فرماید :

هرکس پیوند خود را با بستگانش محکم کند و با پدر و مادرش بسیار خوش رفتار و مهربان باشد، دشواری های مرگ بر او آسان می شود و در دنیا نیز هرگز فقیر و تهی دست نمی شود.^۲

۱- آمالی مفید، ص ۲۸۷-۲۸۸ .

۲- بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۶۶ .

- ۱- ما چگونه می‌توانیم پدر و مادرمان را از خود راضی نگه داریم؟
 - ۲- چه کارهایی باعث رنجش و ناراحتی آنها از ما می‌شود؟
- درباره این پرسش‌ها در کلاس گفت‌وگو کنید و نتیجه این گفت‌وگو را با پدر و مادر خود در منزل در میان بگذارید.

۲- نماز اول وقت

رسول گرامی اسلام فرموده است :

پروردگارتان می‌فرماید : هر کس به نمازهای پنج‌گانه‌اش اهمیت دهد و آنها را در وقت خود بخواند، من قول می‌دهم در روزی که به ملاقات من می‌آید او را به بهشت ببرم.^۱

شاید از خودمان بپرسیم چطور چنین چیزی ممکن است؟
پاسخ این سؤال را می‌توانیم در قرآن کریم ببینیم :

أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ^۲
نماز را به پا دار که بدون شک نماز [انسان را] از گناهان و زشتی‌ها بازمی‌دارد.

برپا داشتن درست و به موقع نمازها باعث می‌شود انسان از گناهان و زشتی‌ها دور شود. هر قدر انسان از گناه دور شود به بهشت نزدیک‌تر می‌شود.

۱- وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۱۰.

۲- سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۳- خوش اخلاقی

به رسول خدا خبر دادند که سعد بن معاذ^۱ از دنیا رفته است. ایشان در تشییع جنازه سعد حاضر شد و با پای برهنه یک گوشه تابوت او را به دوش گرفت. هنگامی که به قبرستان رسیدند با دست مبارکش او را در قبر گذاشت و بروی خاک ریخت. از پیامبر اکرم شنیدند که می فرمود: جبرئیل را دیدم که با فرشتگان دیگر در تشییع جنازه سعد حاضر بودند.

مادر سعد که این رفتار پیامبر خدا را دید رو به قبر پسرش کرد و گفت: ای سعد، بهشت بر تو گوارا باد!

رسول خدا فرمود: این قدر با اطمینان سخن مگو؛ سعد اکنون از فشار قبر در آزار است. اصحاب با تعجب علت آن را پرسیدند. حضرت فرمود: علت فشار قبر سعد این است که او با خانواده اش در خانه بد اخلاقی می کرد.^۲



۱- سعد از دوستان و اصحاب نزدیک پیامبر اکرم بود.

۲- بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۲۰.

رفتار اشخاص بد اخلاق و خوش اخلاق را در هر یک از موارد زیر با هم مقایسه

کنید :

خوش اخلاق :	فقیری از او کمک می خواهد.
بد اخلاق :	
خوش اخلاق :	مادرش از او می خواهد در انجام کاری کمکش کند.
بد اخلاق :	
خوش اخلاق :	کسی نسبت به او اشتباهی کرده و از او عذر خواهی می کند.
بد اخلاق :	
خوش اخلاق :	در یکی از مسابقات کسی او راهل می دهد.
بد اخلاق :	
خوش اخلاق :	دوستی از او می خواهد بخشی از درس را برایش توضیح دهد.
بد اخلاق :	
خوش اخلاق :	وقتی عصبانی می شود.
بد اخلاق :	

آنچه در این درس خواندیم، بخشی از کارهای نیک بودند که باعث آسانی مرگ و زندگی پس از آن می شوند. البته کارهای نیک بسیاری وجود دارند که انجام آنها می تواند پاداش بزرگ خداوند را در هنگام انتقال از این جهان به دنبال داشته باشد. این کارها به صورت کلی عبارت اند از : انجام واجبات و ترک گناهان.

از امیرالمؤمنین حضرت علی **علیه السلام** پرسیدند : شما چگونه خود را برای مرگ آماده

کرده‌اید که از آن هراسی ندارید؟ امام **علیه السلام** فرمودند :

کسی که از گناهان پرهیزد و به واجباتش عمل کند و خود را به اخلاق نیکو زینت دهد، دیگر برایش فرقی ندارد چگونه بمیرد. به خدا قسم برای پسر ابوطالب فرقی ندارد که او به سراغ مرگ برود یا اینکه مرگ به سراغش آید.^۱

خودت را امتحان کن

- ۱- علت آزار و فشار قبر سعد بن معاذ چه بود؟
- ۲- با توجه به حدیث امام صادق **علیه السلام** نیکی به پدر و مادر چه تأثیری بر زندگی ما در دنیا و آخرت دارد؟
- ۳- توضیح دهید که اقامه به موقع نماز، چگونه انسان را به بهشت می‌رساند؟

بعضی از مردم خیال می کنند که نیکی به والدین فقط در زمان زندگی آنان ممکن است و اگر پدر و یا مادر کسی از دنیا بروند، دیگر نمی توان برای آنها کاری کرد. اما این تصور درست نیست. ما انسان ها همان گونه که می توانیم افراد زنده را از خودمان خشنود و یا آزرده خاطر سازیم، می توانیم با کارهایمان مردگان را نیز شاد یا اندوهناک سازیم. ماجرای زیر نمونه ای از نیکی به والدین پس از مرگ آنهاست :

روزی حضرت عیسی علیه السلام از قبرستانی می گذشت. در کنار قبری صدای ناله صاحب قبر را شنید که به خاطر گناهانش در عذاب بود. عیسی علیه السلام به راه خود ادامه داد و از قبرستان گذشت. یک سال بعد اتفاقاً از همان مکان عبور می کرد که متوجه شد خبری از عذاب نیست و دیگر صدایی از قبر نمی آید. گفت : پروردگارا! پارسال که از اینجا می گذشتم، صاحب این قبر در عذاب بود ولی اکنون خبری از عذابش نیست. علت چیست؟

خداوند به ایشان وحی فرمود :

این مرد فرزند صالحی دارد که به تازگی بزرگ شده است. او در این مدت دو کار نیک انجام داده است، اول این که راه عبور مردم را که خراب شده بود، درست کرده و مشکل مردم را حل کرده است. دوم این که به تازگی یتیمی را پناه داده است. من به خاطر اعمال صالح این فرزند، پدرش را بخشیدم و او را از عذاب نجات دادم.»^۱

حالا خودتان قضاوت کنید، آیا کسی که بعد از فوت پدر و مادرش برای آنها دعا می کند، قرآن می خواند و یا کارهای خیر دیگری را انجام می دهد با کسی که پس از مرگ والدینش آنها را فراموش کرده و حتی با کارهای بد آنان را آزار هم می دهد، مساوی هستند؟

پیشنهاد

فکر می کنید کسانی که از این دنیا رفته اند چه انتظاری از فرزندان خود دارند؟ برای پاسخ به این پرسش از پدر یا مادر کمک بگیرید و پاسخ را برای دوستانتان در کلاس بازگو کنید.

فصل چهارم: راهنماشناسی



در سال گذشته با تأثیر سرمشق زیبا در زیبانویسی آشنا شدیم و دانستیم که پیامبران و اولیای خدا سرمشق‌های مناسبی هستند که توجه به زندگی آنها و پیروی از ویژگی‌های رفتاری آنان می‌تواند بهترین راهنمای ما در راه رسیدن به هدف الهی‌مان باشد.

اما پرسشی که در این فصل به آن می‌پردازیم این است که وظیفه ما در برابر این الگوها چیست؟

فصل حاضر دو درس دارد که به ترتیب عبارت‌اند: **زیارت اولیای خدا و آفتاب پنهان.**

● درس نهم (زیارت اولیای خدا) با بررسی برخی ثمرات زیارت به ما نشان می‌دهد که اولیای خدا نه تنها در زمان زندگی، بلکه پس از رحلتشان نیز کانون برکت و رحمت برای مؤمنان هستند. این درس در ادامه به آداب زیارت اشاره می‌کند و شیوه انجام غسل را به ما آموزش می‌دهد.

● درس دهم (آفتاب پنهان) رویدادهای پس از ظهور امام زمان **عجل الله تعالی فرجه الشریف** را توصیف می‌کند و با تبیین معنای درست انتظار، به معرفی ویژگی‌های منتظران واقعی ظهور ایشان می‌پردازد.





زیارت اولیای خدا

پیامبران و امامان - که درود خداوند بر آنان باد - برای هدایت و نجات انسان‌ها هرگونه مشکل و سختی را به جان خریدند و در این راه حتی از جان خود و نزدیکانشان نیز گذشتند. ماجرای شهادت امام حسین **علیه السلام** و اصحاب بزرگوارش در کربلا نمونه‌ای از این فداکاری بی نظیر است. اما تا حالا فکر کرده‌اید در عوض این همه فداکاری، ما برای آنها چه کرده‌ایم؟



خداوند حکیم در کتاب هدایتش می‌فرماید:

«...قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...»^۱
[ای پیامبر] به مردم بگو من برای [زحمات رسالت] از شما مزدی نمی‌خواهم جز دوست داشتن خویشاوندان نزدیکم.

فعالیت کلاسی

به نظر شما اکنون که پیامبران و امامان در بین ما نیستند و از دنیا رفته‌اند، ما چگونه می‌توانیم با آنان مهربان باشیم؟

۱- سوره شوری، آیه ۲۳.

زیارت مزار اولیای خدا و دعا برای آنها یکی از بهترین راه‌های قدردانی از زحمات آنهاست.

این عمل ارزشمند تنها مخصوص ما نبوده و بزرگان دین، خود نیز به زیارت دوستان خدا می‌رفتند. رسول گرامی اسلام و دختر بزرگوارش در هر هفته، روزهای دوشنبه و پنجشنبه به زیارت مزار شهدای احد می‌آمدند و برایشان دعا می‌کردند و نماز می‌خواندند.^۱
حال آیا زیارت علاوه بر قدردانی از دوستان خدا ثمرات دیگری هم دارد؟

ثمرات زیارت

اولین بار بود که از طرف مدرسه به مشهد می‌آمدم. بعد از استراحت غسل زیارت کردیم، لباس‌های تمیزمان را پوشیدیم، وضو گرفتیم و به طرف حرم راه افتادیم. نزدیک اذان ظهر بود و در صحن، کم‌کم صف‌ها را برای نماز مرتب می‌کردند. خانم بینا گفت: بچه‌ها اول نماز می‌خوانیم، بعد به زیارت می‌رویم. ما هم در یکی از صف‌ها نشستیم.

نرگس که مثل من برای اولین بار با همکلاسی‌ها به مشهد می‌آمد، گفت: اصلاً فکر نمی‌کردم این قدر خوش بگذرد، من سال دیگر هم برای اردوی مشهد ثبت‌نام می‌کنم. در هیچ سفری این قدر به من خوش نگذشته بود.

خانم بینا که داشت زیر لب ذکر می‌گفت، با شنیدن این جمله کمی سکوت کرد و سپس گفت: بچه‌ها! مسافرت با دوستان همیشه خوب و لذت‌بخش است، اما باید حواستان باشد که این سفر فقط برای تفریح نیست و فایده‌های دیگری هم دارد که از گردش و تفریح خیلی مهم‌تر است.

نرگس پرسید: ببخشید خانم، منظورتان چه فایده‌هایی است؟

خانم بینا گفت: شما با چه هدفی به زیارت آمده‌اید؟

— خانم راستش را بخواهید من آمده‌ام از امام رضا بخواهم برای من و خواهرم دعا کند تا در امتحانات آخر سال قبول بشویم.

— این یکی از فایده‌های زیارت است. ما همیشه و در همه کارها نیازمند یاری و کمک خداوند هستیم و به همین دلیل هنگامی که با مشکلی روبه‌رو می‌شویم، دست نیاز به طرف خداوند دراز می‌کنیم و از او یاری می‌جویم. یکی از بهترین راه‌های کمک خواستن از خدا هم این است که به سراغ

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۸۳.

پیامبران و امامان برویم و از آنها بخواهیم برای ما دعا کنند؛ چرا که آنان از همه نیکوکارترند و خداوند نیز به دعای آنان توجه بیشتری دارد. البته دعا کردن به تنهایی برای حل مشکلات ما کافی نیست و باید برای رسیدن به هدفی که داریم تمام توان خود را نیز به کار گیریم.

حالا به نظر شما زیارت چه فایده‌های دیگری دارد؟

ریحانه گفت: خانم من در حدیثی خوانده‌ام اگر کسی به زیارت امامان و پیامبران برود، خداوند گناهانش را می‌بخشد و دعاهایش را مستجاب می‌کند.

خانم بیبا گفت: آفرین. این یکی دیگر از فایده‌های مهم زیارت است.

اما مهم‌ترین و ارزشمندترین فایده زیارت، ایجاد انس و محبت بین ما و اولیای خداست که باعث می‌شود ما در زندگی از آنها الگو بگیریم.

زیارت باعث می‌شود محبت دوستان خدا در دل ما بیشتر شده و آنان نیز ما را بیش از پیش دوست بدارند. حالا خودتان بگویید، اگر ما کسی را واقعاً دوست داشته باشیم، می‌توانیم با کارهای ناپسند او را از خود رنجیده و دلگیر کنیم؟

روشن است که هر قدر محبت و معرفت^۱ ما نسبت به بزرگان دین بیشتر شود، اعمال ما نیز بهتر خواهد شد و در نتیجه از پاداش‌های بزرگ‌تر و ارزشمندتری نزد خداوند بهره‌مند خواهیم شد.

سخن خانم بیبا که به اینجا رسید، صدای اذان از مناره‌های بلند حرم در فضا پیچید. خانم بیبا گفت: خوب بچه‌ها، ان شاء الله روزهای بعد درباره بقیه فایده‌های زیارت با هم بیشتر صحبت می‌کنیم. حالا بهتر است صف‌هایتان را مرتب کنید...

امام باقر علیه السلام به یکی از یاران خود می‌فرماید:

«سلام ما را به دوستانمان برسان و به آنان بگو هرگز به پادشاه‌های الهی و ولایت ما نخواهند رسید، مگر با پرهیزکاری و عمل صالح^۲.»

۱- معرفت: شناخت آنها و توجه به وظیفه خودمان نسبت به آنان.

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۴.

به نظر شما امام رضا علیه السلام از دیدن کدام یک از کارهای زائران خود بیشتر خشنود می‌شوند؟ به چند نمونه از این کارها اشاره کنید.

آداب زیارت

آداب زیارت به کارهای مستحبی گفته می‌شود که ما با انجام آنها در زیارتگاه‌ها، بیشتر مورد لطف و توجه دوستان خدا قرار می‌گیریم.
در زیارتنامه پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام می‌خوانیم:

من گواهی می‌دهم که تو اکنون مرا می‌بینی و صدایم را می‌شنوی و جواب سلام مرا می‌دهی و از حال من باخبری.

برای همین است که به ما سفارش شده است:
قبل از زیارت غسل کنیم،
در زیارتگاه‌ها با لباس تمیز و پاک حاضر شویم،
از سخنان بیهوده و کارهای زشت بپرهیزیم،
آرامش خود را حفظ کنیم،
با وضو به زیارت برویم،
مزاحمتی برای دیگران ایجاد نکنیم.

همان‌طور که گفته شد یکی از آداب زیارت که در اسلام تأکید زیادی بر آن شده است، غسل زیارت است. حال باید بدانیم، چگونه غسل کنیم:

شیوه انجام غسل

غسل کردن چهار مرحله دارد.

- ۱- ابتدا باید نیت کنیم. یعنی قصد داشته باشیم برای خشنودی خداوند، غسل کنیم.
 - ۲- سپس باید سر و گردن خود را کاملاً بشویم (البته در این مرحله لازم نیست وقتی که سرمان را می‌شویم داخل گوش و بینی و دهانمان را بشویم؛ بلکه شستن همان مقداری از سر و صورت که دیده می‌شود، برای غسل کافی است).
 - ۳- پس از شستن سر و گردن، باید طرف راست بدن را شست و شو دهیم؛ یعنی از بالای شانه راست تا کف پای راست را کاملاً بشویم. در این مرحله باید طرف راست شکم، سینه و کمر، تمام پای راست و تمام دست راست شسته شود.
 - ۴- پس از این مرحله، باید طرف چپ بدن را نیز مانند مرحله قبل کاملاً شست و شو دهیم.
- به یاد داشته باشیم :
- تمام غسل‌های واجب و مستحب به همین صورت انجام می‌شود و تنها نیت‌های آنها با یک‌دیگر متفاوت است.
 - با توجه به اینکه در غسل باید آب به تمام اعضای بدن برسد، اگر چیزی به بدن چسبیده باشد که نگذارد آب به بدن برسد، باید قبل از شروع غسل، آن را برطرف کنیم.
 - برای اینکه مطمئن شویم هر طرف کاملاً شسته شده، لازم است کمی از طرف دیگر را نیز در هر مرحله شست و شو دهیم.

بیشتر بدانیم

دعای امامان برای زائران

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام می‌گوید :

برای کاری به خانه آن حضرت رفتم. گفتند امام مشغول نماز و مناجات است. وارد شدم و گوشه‌ای نشستم تا دعایشان تمام شود. شنیدم که در مناجات با پروردگار می‌گفت :

«... خدایا، زائران قبر پدرم حسین را ببخش؛ همان کسانی که برای زیارت ما اموالشان را خرج و بدن‌هایشان را خسته کردند. کسانی که با نیکی به ما، قلب پیامبرت را شاد کردند. خدایا، آنان برای خشنودی تو و رسالت این سختی‌ها را به جان خریدند، پس تو هم شب و روز حافظ آنان باش و خانواده‌ها

و فرزندان‌شان را برایشان نگاه‌دار و همواره کنارشان باش و آنان را از شر هر زورگوی گردنکش و هر شیطانی حفظ کن. خدایا، هر حاجت و آرزویی دارند به بهترین شکل برایشان برآورده ساز و...»^۱

خود را امتحان کن



- ۱- مهم‌ترین فایدهٔ زیارت چیست؟ توضیح دهید.
- ۲- به چه کارهایی آداب زیارت گفته می‌شود؟ به سه مورد از این آداب اشاره کنید.
- ۳- شیوهٔ صحیح غسل کردن را توضیح دهید.

پیشنهاد



در کتاب مفاتیح‌الجنان بخشی از کتاب به آداب زیارت اختصاص یافته است. شما می‌توانید با کمک پدر یا مادر این بخش را مطالعه کنید و چند مورد از آداب زیارت را یادداشت کرده و برای دوستانتان در کلاس بازگو کنید.

۱- وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۱۳.

الهی

الهی

تو را سپاس،

سپاس که آشنایی با محمد و آل او را روزی ام ساختی

و محبت آنان را در قلبم انداختی

و مرا به دوستی شان برگزیدی

خداوندا،

ای که چشمم را به زیارت آرامگاهشان منور ساختی

دلم را از یرتو محبتشان سیراب ساز

و همراهی شان را در قیامت نصیبم کن.

الهی یاری ام کن که در راه رضای آنان

که رضای توست بکوشم

و از دستان مهربانان

شربت زلال ایمان بنوشم



آفتاب پنهان

«... از امروز یک هفته فرصت دارید!

هر روز مهم‌ترین تیتريکی از روزنامه‌ها را یادداشت کنید. یا اینکه هر شب یکی از خبرهای مهم تلویزیون را به صورت خلاصه یادداشت کنید. فراموش نکنید که برای جلسه بعد یادداشت‌هایتان را همراه خود بیاورید.»

وقتی آقای رسولی (معلم دینی ما) این تکلیف را برای جلسه بعد معین کرد، هیچ‌یک از ما منظور او را از انجام این تکلیف نمی‌دانستیم. تنها می‌توانستیم حدس بزنیم که این تکلیف به درس هفته آینده مربوط می‌شود...



هفته بعد وقتی کلاس شروع شد، آقای رسولی از چند نفر از دانش‌آموزان خواست اخبار برگزیده خود را با صدای بلند برای دوستانشان بخوانند:

- نبرد خونین بین نظامیان دو کشور
- گرسنگی میلیون‌ها نفر در آفریقا
- تولید خودروهایی با انرژی خورشیدی
- پرتاب ماهواره مخابراتی به فضا
- حمله نژادپرستان به سیاه‌پوستان
- تخریب مزارع فلسطینیان و اخراج آنها از خانه‌هایشان توسط نظامیان صهیونیست
- رشد بی‌رویه آمار طلاق، خشونت و اختلاف‌های خانوادگی
- پیروزی تیم ملی فوتبال در مسابقات آسیایی

... -

اینها اخباری بود که در یادداشت‌های بیشتر دانش‌آموزان دیده می‌شد.

وقتی خواندن بخشی از یادداشت‌ها به پایان رسید، آقای رسولی گفت: بچه‌ها! شنیدن این خبرها چه احساسی را در شما به وجود می‌آورد؟

محسنی گفت: آقا اجازه؛ درست است که چند خبر خوب هم در این خبرها وجود داشت، اما بیشتر اخبار ناامیدکننده و ناراحت‌کننده بود.

آقای رسولی گفت: هر انسانی با شنیدن این اتفاقات تلخ دچار یأس و ناامیدی می‌شود، اما من به آینده خوش‌بین هستم؛ چرا که یادداشتی که من دارم با اخبار شما متفاوت است. حال ببینیم شما هم با گوش کردن به این اخبار با من هم عقیده می‌شوید یا نه؟

سپس آقای رسولی یادداشتش را برای ما خواند:

«... حق دارید باور نکنید! اما اکنون عدالت سراسر جهان را فرا گرفته است و خبری از حکومت‌های ظالمانه و زورگو نیست. علم و دانش آنچنان شکوفا شده است که تمام پیشرفت‌های بشر در طول تاریخ در برابر آن ناچیز است. به همین دلیل کسی از بیماری‌های ناشناخته نمی‌میرد.

دیگر دادگاه‌ها و زندان‌ها شلوغ نیست. دلیلش هم معلوم است، فهم انسان‌ها آن قدر رشد کرده است که کمتر دیده می‌شود کسی به حقوق دیگران دست‌درازی کند. راستی، چند وقتی است که می‌خواهم مقداری پول را به فرد مستمندی بدهم. اما هرچه گشته‌ام نتوانسته‌ام انسان مستمندی پیدا کنم. این روزها دیگر نمی‌شود انسان فقیری در جامعه دید.

انسان‌ها دیگر در برابر یک مجسمه سنگی و یا انسان دیگری مانند خودشان سجده نمی‌کنند. از آسمان و زمین برکت می‌بارد. نه خشکسالی هست و نه گرسنگی. همه جا سرسبز و خرم است. ای کاش مردم همه زمان‌ها اکنون اینجا بودند و با شادی و خوشبختی در کنار هم زندگی می‌کردند...»^۱

راستی بچه‌ها، آیا می‌دانید گزارشی که خواندیم مربوط به چه زمانی است؟



انتظار

آنچه خواندیم اتفاقاتی است که پس از ظهور حضرت مهدی **علیه السلام** روی می‌دهند، یعنی همان زمانی که ایشان حکومت عدل جهانی را به وجود می‌آورد و با این کار آرزوی تمامی پیامبران و مؤمنان تاریخ را برآورده می‌سازد. این اتفاق مهم در سخنان پیامبر اکرم و امامان **علیهم السلام** فرج نامیده شده است. فرج یعنی گشایش در کارها و برطرف شدن مشکلات.

پیامبر اعظم دربارهٔ آرزوی پسندیدهٔ فرج می‌فرمایند :

بهترین کارهای امت من انتظار فرج است.^۱

ولی ما چگونه می‌توانیم منتظر این رویداد مهم باشیم؟
آیا همین که ما دست روی دست بگذاریم و بنشینیم تا امام زمان **علیه السلام** خودشان ظهور کنند و همه چیز را درست کنند، کافی است؟
اگر شما پس از مدتی طولانی، میهمان عزیزی را به خانه خودتان دعوت کرده باشید که او تا ساعاتی دیگر به منزل شما خواهد آمد. برای پذیرایی و استقبال از او چه می‌کنید؟
آیا کسی که می‌داند میهمانی مهم در راه است ولی برای پذیرایی از او هیچ برنامه‌ای ندارد، می‌تواند بگوید من منتظر میهمانم هستم؟
حضرت امام رضا **علیه السلام** دربارهٔ وظایف منتظران واقعی می‌فرمایند :

انتظار فرج به چند چیز است: صبور بودن، خوش رفتاری با دیگران، همسایه‌داری، ترویج کارهای نیک، خودداری از آزار و اذیت دیگران، گشاده‌رویی، خیرخواهی و مهربانی با مؤمنان.^۲

فحایت کلاسی

در حدیث امام رضا **علیه السلام** به برخی از ویژگی‌های منتظران واقعی امام زمان **علیه السلام** اشاره شد. شما نیز ویژگی‌های دیگری را بگویید و دربارهٔ آنها در کلاس گفت‌وگو کنید.

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲- تَحْفُ الْعُقُول، ص ۴۱۵.

کسی که تلاش می‌کند این صفات را در خودش ایجاد کند، در حقیقت بذر انتظار امام عصر **علیه السلام** را در سرزمین روح خود می‌کارد. روشن است که وقتی بهار ظهور حضرت فرا می‌رسد، بذرهای این سرزمین‌ها جوانه زده و دوستان واقعی امام عصر **علیه السلام** را از دیگران مشخص می‌کند. اصلاً چه کسانی می‌توانند در زمان ما مورد توجه ایشان قرار بگیرند؟



شما مسمان باشید...

... از خوشحالی سر از پا نمی‌شناخت. سراسیمه خودش را به بازار آهنگرها رسانید. قلبش از هیجان داشت کنده می‌شد. چشمش که به مغازه پیرمرد قفل‌ساز افتاد... باورش نمی‌شد که پس از تحمل سختی‌های فراوان، بالاخره امروز به آرزوی چندین ساله‌اش رسیده باشد. زبانش بند آمده بود و نمی‌توانست قدم از قدم بردارد. این خورشید بود که در مغازه پیرمرد نشسته بود و با او گرم و صمیمی گفت‌وگو می‌کرد. بریده بریده سلام کرد.

امام زمان **علیه السلام** با مهربانی جواب سلامش را دادند و سپس اشاره کردند که ساکت باشد و تماشا کند.

پیرزنی قدخمیده و عصا به دست، درحالی که قفلی در دست داشت به مغازه قفل‌ساز آمد و گفت:

«خدا خیرتان دهد من به سه دینار نیاز دارم. این قفل را از من به سه دینار بخرید.» پیرمرد قفل را گرفت و به آن نگاهی کرد و گفت: خواهرم! این قفل سالم است و ارزش آن هشت دینار است.

پیرزن گفت: همان سه دینار را بدهید برایتان دعا هم می‌کنم. در این بازار قفل را به هر کسی نشان دادم، حاضر نشد آن را از دو دینار بیشتر بخرد. من فقط به سه دینار نیاز دارم.

پیرمرد با کمال سادگی گفت: خواهرم! تو مسلمانی، من هم مسلمانم. چرا مال مردم را ارزان بخرم و حق کسی را ضایع کنم؟ این قفل هشت دینار ارزش دارد. من هم اگر بخواهم منفعت ببرم، آن را هفت دینار می‌خرم تا یک دینار هم در هنگام فروشش به دست آورم. اگر می‌خواهی بفروشی، من هفت دینار می‌خرم و باز تکرار می‌کنم: قیمت واقعی آن هشت دینار است، چون من کاسب هستم و باید نفعی ببرم، یک دینار ارزان‌تر می‌خرم!

باورش برای پیرزن مشکل بود. زیر لب می‌گفت: هرچه به آنها التماس کردم، حاضر نشدند بیشتر از دو دینار بدهند، حالا این مرد می‌گوید: هفت دینار!...

پیرزن هفت دینار را گرفت و رفت.

مرد مات و مبهوت سکوت کرده بود و به پیرمرد نگاه می‌کرد. غرق در تفکر بود که صدای امام **علیه السلام** او را به خودش آورد:

«لازم نیست خودتان را برای دیدن ما به سختی بیندازید. شما اگر این‌گونه باشید، ما خودمان به سراغ شما می‌آییم. من از میان مردم این شهر، این مرد را به دوستی برگزیدم؛ چرا که دیندار و خداشناس است. هفته‌ای بر او نمی‌گذرد مگر اینکه برای احوالپرسی و دیدنش به سراغش می‌آیم. شما هم مانند او باشید، تا بتوانم به دیدن شما هم بیایم»^۱.



اکنون که می‌دانیم اعمال ما بر امام زمان **علیه السلام** پوشیده نیست و او از تمام کارهای خوب و بد ما خبر دارد شایسته است به کارهای خود بیشتر توجه کنیم؛ چرا که می‌دانیم اعمال صالح ما باعث شادمانی ایشان می‌شود و کارهای ناپسند، می‌تواند مایهٔ رنجش ایشان شود.

خود را امتحان کن

۱- در چند جمله کوتاه، ویژگی‌های زمان ظهور امام زمان **عجل الله تعالی فرجه الشریف** را توصیف کنید.

۲- به نظر شما ما باید چه کنیم تا از منتظران واقعی ظهور حضرت مهدی **عجل الله تعالی فرجه الشریف** باشیم؟

پیشنهاد

با کمک پدر یا مادر، متن زیبایی برای حضرت مهدی **عجل الله تعالی فرجه الشریف** بنویسید و آن را برای دوستانتان در کلاس بخوانید.

۱- عنایات حضرت مهدی **علیه السلام**، باقی اصفهانی، ص ۲۰۲-۲۰۴.

الهي

اللَّهُمَّ

كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ
عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ
وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا
حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا
وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا. ١

خداوندا .

در این زمان و در همه زمانها، مددکار و نگهبان و رهبر و
یاری‌گر و راهنما و دیده‌بان و ولی‌ات حضرت حجت بن الحسن
باش - که درودهایت بر او و پدرانش باد -
تا او را از روی میل و رغبت در روی زمین سکونت دهی
و او را برای زمانی طولانی بهره‌مند سازی.

فصل پنجم: اخلاق



هر یک از ما انسان‌ها ویژگی‌های اخلاقی خاصی داریم که ممکن است خصوصیتی پسندیده یا ناپسند به‌شمار آید. نکته مهم این است که این ویژگی‌های اخلاقی تعیین‌کننده رفتارهای ما هستند و مثلاً از شخصی با ویژگی‌های بد نمی‌توان انتظار رفتار مناسب داشت.

دین اسلام برای تربیت انسان و تصحیح اخلاق او برنامه‌هایی دارد که با برخی از آنها در سال پیش آشنا شدیم.

در این فصل به بررسی برخی ویژگی‌های اخلاقی می‌پردازیم که می‌توانند تأثیر زیادی بر سرنوشت ما داشته باشند. فصل حاضر از سه درس تشکیل شده است که به ترتیب عبارت‌اند از: **شاخه‌ای از درخت بهشتی، عادت‌ها و آسیب‌ها و ارزش کار**

● درس یازدهم (شاخه‌ای از درخت بهشتی) ضمن بررسی دو ویژگی سخاوت و بخل، تأثیر هر یک از این ویژگی‌ها را بر زندگی انسان نشان می‌دهد و در ادامه به تبیین مرز میان سخاوت و اسراف می‌پردازد.

● درس دوازدهم (عبادت‌ها و آسیب‌ها) ابتدا به ما نشان می‌دهد که یک عادت چگونه به وجود می‌آید. این درس در ادامه به دو عادت **کم‌طاقتی و افراط در سرگرمی‌ها** پرداخته و در پایان به راه غلبه بر عادت‌های ناپسند اشاره می‌کند.

● درس سیزدهم (ارزش کار) نقش کار کردن در زندگی انسان و فضیلت آن را در نگاه اسلام یادآوری می‌کند. سپس با طرح موضوع کسب و کار حرام به ما نشان می‌دهد که اموال حرام چگونه می‌تواند باعث نابودی دنیا و آخرت انسان شود.





شاخه‌ای از درخت بهشتی

همین که ابراهیم **علیه السلام** وارد خانه‌اش شد با تعجب چشمش به مردی افتاد که در خانه نشسته بود.

– ای بنده خدا، با اجازه چه کسی وارد خانه شدی؟
– با اجازه پروردگار خانه.



یعنی درست شنیده بود؟! دوباره سؤالش را تکرار کرد و مرد همان جواب را تکرار کرد. وقتی برای سومین بار این پرسش و پاسخ بین آنها ردوبدل شد، ابراهیم تازه فهمید با چه کسی سخن می‌گوید. جبرئیل، فرشته وحی و امین خداوند!

خداوند را سپاس گفت و منتظر ماند تا جبرئیل سخن بگوید.
– پروردگارت مرا به دنبال یکی از بندگانش فرستاده است تا او را به‌عنوان دوست صمیمی خود برگزیند.

– چه افتخار بزرگی! این فرد هر که هست خوشا به حالش! دوست صمیمی خدا؟! به من بگو آن فرد

کیست تا من همواره در خدمت او باشم.

— آن مرد خود تو هستی!

— من؟! انتخاب من به این مقام برای چیست؟

— برای دو ویژگی که داری. اول اینکه تاکنون هرگز از کسی چیزی درخواست نکرده‌ای^۱ و

دوم این که تاکنون هیچ کس از تو درخواست (بجا و شایسته‌ای) نکرده است، مگر اینکه خواسته‌اش را برآورده ساخته‌ای.^۲

فواید سخاوت

شما کدام را می‌پسندید؟

□ سخاوتمند و بخشنده!

□ بخیل و خسیس!

کسی را سراغ دارید که از افراد خسیس خوشش بیاید؟ آیا خود انسان خسیس از آدم‌های

خسیس دیگر خوشش می‌آید؟

خداوند ما را طوری آفریده است که اگر کسی به ما نیکی کند، او را دوست خواهیم داشت. یکی

از بهترین و ساده‌ترین راه‌های نیکی به دیگران نیز، بخشش به آنهاست. برای همین است که می‌گویند

اگر می‌خواهید کسی شما را دوست داشته باشد، به او هدیه‌ای بدهید.

آیا بخشش فقط همین یک فایده را دارد؟

پیامبر اعظم **صلی الله علیه و آله** می‌فرماید:

«انسان سخاوتمند به خدا نزدیک است، به بهشت نزدیک است، به مردم نزدیک

است و از آتش جهنم دور است و انسان بخیل از خداوند دور است، از بهشت دور

است، از مردم دور است و به آتش نزدیک است.»^۳

۱- یعنی به کسی اظهار عجز و نیاز نکرده‌ای.

۲- کافی، ج ۴، ص ۴۰.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۳.

صدقه دادن، یکی از ساده‌ترین نمونه‌های سخاوت است. به نظر شما این کار چه سودی برای شخص صدقه‌دهنده دارد؟
برای جامعه چطور؟

نمونه‌های بخشندگی

پیامبر اکرم می‌فرماید :

«بخیل‌ترین مردم کسی است که از سلام کردن به دیگران بخل ورزد.»^۱

سخاوت و بخل تنها در مسائل مالی نیست. سخاوتمندی این است که دیگران را از آنچه داریم بهره‌مند کنیم. مثلاً وقتی گفتن یک جمله تشکرآمیز و یک لبخند، خستگی را از تن پدر و مادرمان می‌زداید، آیا تشکر و لبخند ما به آنها سخاوت نیست؟
یاد دادن درس به دیگران، گفتن جملات تشکرآمیز به کسانی که برای ما زحمت می‌کنند و خوشرویی با نزدیکان، نمونه‌هایی از سخاوت هستند که می‌توانند ما را به بهشت نزدیک‌تر کنند.
به همین دلیل است که امام رضا **علیه السلام** می‌فرماید :

«سخاوت درختی است در بهشت که شاخه‌هایش در دنیا است. پس هر کس به شاخه‌ای از شاخه‌های این درخت درآویزد، او را به بهشت خواهد رسانید.»^۲

اندازه نگه دار که اندازه نکوست!

به آیه صفحه بعد توجه کنید :

۱- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۷.

۲- مُستَدْرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۳.

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»^۱
 [مؤمنان واقعی] کسانی اند که هنگام بخشش نه اسراف می کنند و نه بخل می ورزند، بلکه در میان این دو [معتدل و میانه‌رو] هستند.

یکی از اصحاب امام صادق **علیه السلام** می گوید: روزی از ایشان پرسیدم منظور این آیه چیست؟

امام از روی زمین مشتی سنگ ریزه برداشت و آن را محکم در دست گرفت، طوری که هیچ چیز از دستش فرو نریخت. سپس فرمود: این همان بخل ورزی است که خداوند فرموده است. سپس مشتش را کاملاً باز کرد، آن چنان که همه سنگ ریزه‌ها از لای انگشتانش بر زمین ریخت و چیزی در دستش نماند. بعد فرمود: این اسراف است. در آخر مشتی سنگ ریزه را برداشت و دستانش را کمی باز کرد، مقداری از سنگ ریزه‌ها از دستش ریخت و مقداری هم در دستش باقی ماند. سپس فرمود: این میانه‌روی است.^۲

فعالیت کلاسی

الف: شما در زندگی خود چه نمونه‌های دیگری برای بخل و سخاوت می‌شناسید؟

ب: پرسش‌های زیر را با دقت بخوانید. پاسخ هر پرسش در یکی از آیات بعدی بیان شده است. عدد هر آیه را کنار پرسش مربوط به آن بنویسید.

چه کارهایی بخشش ما را باطل می‌کند؟

چه چیزهایی را نباید به دیگران ببخشیم؟

چگونه به مقام نیکوکاران می‌رسیم؟

۱- به مقام نیکوکاران نخواهید رسید مگر اینکه از چیزهایی که دوست دارید به

دیگران ببخشید.^۳

۱- سوره فرقان، آیه ۶۷.

۲- کافی، ج ۴، ص ۵۴.

۳- سوره آل عمران، آیه ۹۲.

- ۲- ای کسانی که ایمان آوردید، صدقه‌های خود را با منت گذاشتن و اذیت کردن [فقیران] باطل نکنید.^۱
- ۴- چیزهای بدی را که خودتان حاضر نیستید از کسی بگیرید، برای بخشیدن به دیگران انتخاب نکنید.^۲

خودت را امتحان کن



- ۱- با توجه به حدیث رسول اکرم **صلی الله علیه و آله** چه چیزی باعث نزدیک شدن انسان به خداوند و بهشت می‌شود؟ نتیجه بخل ورزیدن چیست؟
- ۲- آیا تنها انسان‌های ثروتمند می‌توانند سخاوتمند باشند؟ توضیح دهید.
- ۳- اسراف در سخاوت یعنی چه؟ دو نمونه آن را بیان کنید.

پیشنهاد



شما نیز داستان، شعر و یا ضرب‌المثلی درباره سخاوت نوشته و آن را در کلاس برای دوستانتان بازگو کنید.

۱- سوره بقره، آیه ۲۶۴.

۲- سوره بقره، آیه ۲۶۷.



عادت‌ها و آسیب‌ها

تصور کنید فردا برای اولین بار باید ساعت پنج صبح از خواب بیدار شوید. برای اینکه در این ساعت خواب نمانید چه می‌کنید؟ شاید شما هم مانند برخی افراد از ساعت کوکی برای بیدار شدن استفاده می‌کنید و یا اینکه از پدر و مادرتان می‌خواهید شما را بیدار کنند. اما عده‌ای از مردم هستند که برای بیدار شدن در ساعتی مشخص، نیازی به ساعت و یا کمک دیگران ندارند و خودشان به راحتی در همین ساعت بیدار می‌شوند. می‌دانید علت چیست؟ وقتی ما کاری را به صورت مداوم انجام می‌دهیم، آن کار برای ما عادت می‌شود و ترک آن دشوار می‌شود. به نظر شما عادت کردن به انجام یک کار، خوب است یا بد؟



محمد از اولین روزهای سال تحصیلی تصمیم می‌گیرد روزی سه ساعت مطالعه کند. اگرچه انجام این کار در یکی دو هفته اول کمی برایش مشکل است، اما او که در اجرای تصمیمش جدی است، این دشواری را تحمل می‌کند و پس از مدتی کم‌کم به مطالعه روزانه عادت می‌کند.

برادر محمد در تعطیلات تابستان هر شب تا دیر وقت بیدار می‌ماند و به همین دلیل صبح‌ها هم خیلی دیر از خواب بیدار می‌شد. او حتی با شروع سال تحصیلی هم نتوانسته است ساعت خوابیدنش را تنظیم کند و به دیر خوابیدن عادت کرده است.

فعالیت کلاسی

- ۱- به نظر شما عادت‌های محمد و برادرش هم ارزش هستند؟
- ۲- چه چیزی باعث تفاوت عادت‌های محمد و برادرش شده است؟

همان‌گونه که دیدیم، عادت‌های انسان‌ها با یکدیگر متفاوت است. عده‌ای با تکرار کارهای خوب، عادت‌های خوبی را در خودشان به وجود می‌آورند و عده‌ای دیگر عادت‌های بد! حضرت علی **علیه السلام** می‌فرماید:

«کسی که از عادت‌های [بد] پیروی کند، هرگز به مقام‌های بلند نخواهد رسید.»^۱

بنابراین اگر ما می‌خواهیم رشد کنیم و در زندگی سعادت‌مند باشیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه:

- ۱- عادت‌های خوب را در خودمان تقویت کنیم.
- ۲- عادت‌های ناپسند خود را بشناسیم و آنها را ترک کنیم.

ما در این درس به بررسی دو عادت بد خواهیم پرداخت که می‌توانند مانع رشد ما شوند و ما را

۱- غرالحکم، ص ۲۳۸.

از مسیر خوش بختی واقعی دور کنند.

۱- سرگرمی های نامناسب

«همین که به خانه می آید، با عجله سلام می کند و قبل از اینکه حتی لباسش را عوض کند تلویزیون را روشن می کند.

این کار برای امیر تبدیل به یک عادت شده است. او از مدرسه که می آید، کیفش را گوشه ای می اندازد و به تماشای تلویزیون می نشیند. برنامه کودک و نوجوان، برنامه های ورزشی، مسابقه های تلویزیونی، فیلم های سینمایی و سریال ها! ...

امیر با اشتیاق همه برنامه ها را نگاه می کند و به تذکرات دیگران هم - که از او می خواهند در این کار زیاده روی نکنند - توجه نمی کند. آخر شب هم بدون اینکه درس هایش را خوانده باشد، با خستگی برنامه فردا را آماده می کند و می خوابد.

این وضعیت ادامه پیدا می کند تا اینکه بالاخره فصل امتحانات فرا می رسد و همه دانش آموزان برای موفقیت در امتحانات تلاش خود را بیشتر می کنند، اما امیر که یک سال تمام به جای هر کاری فقط تلویزیون تماشا کرده است، دیگر نمی تواند به راحتی عادت بدش را ترک کند. به همین خاطر...»

فعالیت کلاسی

- ۱- آیا به نظر شما تماشای تلویزیون کار بدی است؟
- ۲- اشتباه امیر در این یک سال چه بوده است؟
- ۳- شما اگر می خواستید امیر را راهنمایی کنید به او چه می گفتید؟

سرگرمی ها دو دسته اند :

گروه اول سرگرمی هایی هستند که انجام آنها به خودی خود بد نیست. اما زیاده روی در آنها باعث بازماندن از وظایف دیگر و غفلت از کارهای اصلی می شود. تماشای تلویزیون از این دسته سرگرمی هاست.

گروه دوم سرگرمی هایی هستند که تأثیر بسیار بدی بر انسان می گذارند و می تواند باعث زیان های بزرگی شود. برخی فیلم های نامناسب و بازی های خطرناک رایانه ای از این دسته سرگرمی هاست که

پرداختن به آنها گناه است.

۲- کم طاقتی

این ضرب‌المثل را شنیده‌اید که: «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود.»

می‌توانید آن را توضیح دهید؟

یکی از عادت‌های بدی که باعث می‌شود انسان نتواند به اهدافش در زندگی برسد، کم طاقتی و بی‌تابی است. ورزشکاری را تصور کنید که می‌خواهد در بین دوستانش از همه قوی‌تر باشد. او برای رسیدن به این هدف چه قدر باید تمرین کند؟

حالا اگر همین ورزشکار بخواهد در مسابقات المپیک شرکت کند و با قوی‌ترین ورزشکاران جهان مسابقه دهد، برای پیروزی در این مسابقات چه قدر باید تمرین کند؟ کاملاً روشن است که هر قدر هدف‌های ما در زندگی بزرگ‌تر و ارزشمندتر باشند، دستیابی به آنها نیز مشکل‌تر خواهد بود.

حال آیا رسیدن به هدف بزرگی مانند سعادت در دنیا و آخرت، با کم طاقتی و بی‌صبری امکان‌پذیر

است؟

امام باقر **علیه السلام** می‌فرماید:



فرد کم طاقتی را تصور کنید که باید مانند بقیه مسلمانان در ماه رمضان روزه بگیرد. همین که مقداری از روز می‌گذرد و تشنگی و گرسنگی به او فشار می‌آورد، تسلیم می‌شود و دستور خداوند را زیر پا می‌گذارد. واضح است که او نه تنها از پادشاهان بزرگ خداوند برای روزه‌داران محروم می‌شود؛ بلکه باید خود را برای محاکمه روز قیامت نیز آماده کند.

آیا واقعاً انسان کم طاقت می‌تواند در برابر وسوسه‌های شیطان مقاومت کند؟

۱- کافی، ج ۲، ص ۸۹.

رفتار انسان‌های صبور و افراد کم‌طاقت را در هریک از موارد زیر با هم مقایسه کنید :

صبور :	هنگامی که عصبانی می‌شود.
کم‌طاقت :	
صبور :	وقتی مادر در هنگام خانه تکانی، پاک کردن همهٔ شیشه‌ها را به عهدهٔ او می‌گذارد.
کم‌طاقت :	
صبور :	یک ساعت وقت صرف آموزش سورهٔ حمد به برادر کوچکش کرده، اما برادرش هنوز هم نمی‌تواند سوره را بدون غلط بخواند.
کم‌طاقت :	

خودت را امتحان کن

- ۱- چه چیزی باعث می‌شود یک کار برای انسان به صورت عادت درآید؟
- ۲- با ذکر چند مثال نقش صبر و استقامت را در رسیدن به بهشت توضیح دهید.
- ۳- با توجه به آنچه در این درس خواندیم :
الف : توضیح دهید سرگرمی‌ها چند دسته‌اند؟
ب : زیاده‌روی در کدام گروه از این سرگرمی‌ها ناپسند است؟

جلوی ضرر را از هر کجا بگیرید منفعت است.

شاید برای شما هم این پرسش به وجود آمده باشد که اگر متوجه وجود عادت ناپسندی در خودمان شدیم چه کار باید کنیم؟

۱- استعانت از خدا

توجه داشته باشیم که خداوند بزرگ به همه ما نیروی بسیار قوی و ارزشمندی به نام اراده بخشیده است که با آن می‌توانیم هر کار دشواری را با موفقیت پشت سر بگذاریم. پس از خدا یاری بخواهیم و امیدوار باشیم.

۲- تصمیم جدی

مهم‌ترین گام در راه ترک یک عادت بد، تصمیم جدی برای دوری از آن عادت است. برای این تصمیم لازم است به مشکلات آن عادت بد بیندیشیم.

۳- تلاش مستمر

قدم سوم به کار بستن تمام نیرو و تلاش برای تکرار نکردن آن کار است. توجه داشته باشیم که اگر چه ترک یک عادت در ابتدا خیلی مشکل به نظر می‌رسد، اما پس از مدتی تمرین و مداومت، هر عادتی جای خودش را به عادت دیگری خواهد سپرد.

۴- تغییر شرایط

گام بعدی عوض کردن شرایطی است که باعث ایجاد عادت‌های بد در انسان می‌شوند؛ مثلاً کسی که دوستانش همگی به انجام کار بدی عادت کرده‌اند، تا زمانی که در میان آن دوستان باشد، نمی‌تواند عادت ناپسند آنها را ترک کند. و یا کسی که معمولاً در تنهایی فکرهای نادرست به سراغش می‌آید، بهتر است تا زمان ترک این عادت، از تنها ماندن آن هم به صورت طولانی پرهیز کند.

۵- پرهیز از یأس و ناامیدی

اگر با وجود این که تصمیم گرفتیم کاری را دیگر انجام ندهیم، اما پس از مدتی باز هم ناخواسته به عادت قبلی خود عمل کردیم، نباید ناامید شویم و تلاشمان را برای ترک آن عادت رها کنیم؛ بلکه آن را یک اتفاق بدانیم و دوباره بر تصمیم خود برای ایجاد عادت خوب و جدید ثابت قدم بمانیم.

الهی

ای خالق نیکی‌ها

تو را سپاس می‌گویم که خُلق و خوی مرا نیک آفریدی
و به آنچه خودت می‌پسندی هدایت‌م کردی.
الهی توفیق‌ده که بر دشمنان خود غلبه کنم
شیطانی که وسوسه‌ام می‌کند
و غفلتی که از همت من می‌کاهد
و کم‌طاقتی که مرا از بهشت تو دور می‌سازد
الهی مرا نیرو بخش تا سپاسگزار تو باشم
و چشم بر معایب خود نبندم
و خود را از آنچه هستم بهتر نبینم



ارزش کار

عبادت بزرگ

«... قدم هایش را تندتر کرد. می خواست هرچه زودتر خود را به خانه برساند. انگار از آسمان آتش می بارید. در این بعدازظهر داغ مدینه، فقط کسانی از خانه بیرون می آمدند که کار خیلی مهمی داشتند. همین طور که با عجله راه می رفت، از دور چشمش به کسی افتاد که زیر آفتاب سوزان در



زمین کشاورزی اش مشغول کار بود. با خودش گفت: عجب آدم حریص و دنیاطلبی! مگر پول و مال دنیا چقدر ارزش دارد که انسان این گونه خودش را برای به دست آوردن آن به زحمت بیندازد؟ خوب است او را نصیحت کنم.

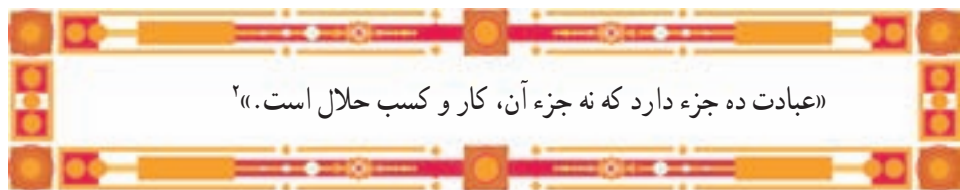
کمی که نزدیک تر شد، تعجبش بیشتر شد. درست می بینم؟ او محمدبن علی (امام باقر علیه السلام) است؟! خوب دقت کرد. بله خود اوست! بین چگونه عرق می ریزد و کار می کند؟! — سلام علیکم.

امام علیه السلام نفس زنان و عرق ریزان جواب سلامش را داد و دوباره مشغول کار شد.

— آخر بزرگی از بزرگان قریش، در این هوای گرم با این حال عرق بریزد و به دنبال دنیا باشد؟! اگر همین حالا مرگ شما فرا رسد و شما در این حال بمیرید چه خواهید کرد؟
حضرت لحظه‌ای دست از کار کشید و سپس فرمود:
«اگر در این حال مرگم فرا رسد، در حال عبادت خدا از دنیا رفته‌ام. من تلاش می‌کنم تا با کار کردن، خودم و خانواده‌ام را از کمک دیگران بی‌نیاز سازم. این عبادت خداوند است. اگر قرار باشد از چیزی بترسم، باید از این بترسم که در حال گناه و معصیت مرگم فرا رسد.
سرش را پایین انداخت و کمی فکر کرد. چه جواب حکیمانه‌ای! می‌خواستم او را نصیحت کنم، اما او مرا نصیحت کرد. خدا را شکر که به اشتباه خودم بی‌بردم...»^۱

ثمرات کار و کوشش

کار و تلاش برای بی‌نیاز شدن از دیگران، نه تنها ناپسند نیست؛ بلکه در دین اسلام در ردیف عبادت‌های بزرگ شمرده شده است.
رسول خدا **صلی الله علیه و آله** در این باره می‌فرماید:



شما هیچ انسان عاقلی را نخواهید یافت که دوست داشته باشد از پاداش بزرگ خداوند به سخاوت‌مندان، محروم شود. کسی که خودش نیازمند کمک دیگران باشد، آیا می‌تواند به دیگران انفاق کند؟

آیا کسی که خودش درآمدی ندارد، می‌تواند اموالش را سخاوتمندانه در کارهای خیر (مانند ساختن مسجد، مدرسه، کتابخانه و...) خرج کند؟
یکی دیگر از ثمرات کار برطرف ساختن مشکلات اجتماعی است. به گفته‌ی کارشناسان، کار و

۱- وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۲۰.

۲- جامع الأخبار، ص ۱۳۹.

اشتغال مناسب می تواند از بسیاری جرایم و تخلفات اجتماعی مانند مزاحمت های خیابانی و تکدی گری جلوگیری کند.

فعالیت کلاسی

به نظر شما بی کاری باعث چه مشکلات دیگری در جامعه می شود؟

اکنون وقت آن است که ببینیم آیا ما حق داریم از هر راهی اقدام به جمع آوری اموال و دارایی برای خود بکنیم؟

کسب حلال

یکی از اصحاب امام صادق **علیه السلام** از ایشان پرسید: کسی از راه حرام مالی را به دست می آورد و برای اینکه گنااهش پاک شود، از همان مال به فقیران صدقه می دهد، به نزدیکانش رسیدگی می کند و به زیارت خانه خدا می رود. این کارهایش نزد خدا چگونه است؟
امام **علیه السلام** فرمود:

آنچه گناهان را پاک می کند، کارهای نیک است، اما کار حرام نمی تواند حرام دیگری را پاک کند.^۱

بنابراین، اگر کسی اموالش را از راه حرام به دست آورد، مرتکب گناه بزرگی می شود که حتی اگر همه آن اموال را در کارهای خوب نیز مصرف کند، نه تنها گناهانش پاک نمی شود، بلکه گناهی به گناهانش افزوده خواهد شد.

آیا می توانید حدس بزنید وارد شدن اموال حرام به زندگی انسان چه تأثیرات دیگری بر زندگی او خواهد داشت؟

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۲۶.

مردی نزد پیامبر اکرم آمد و عرض کرد: یا رسول الله، از خداوند بخواهید دعاهای مرا مستجاب کند. رسول خدا فرمود: اگر این را می خواهی، کسب و کار حلال در پیش بگیر.^۱

این حدیث به یکی از آثار مال حرام در زندگی اشاره می کند: **مستجاب نشدن دعاها**. اکنون به این دو حدیث توجه کنید و مانند نمونه بالا، پیام هر حدیث درباره مال حرام را بنویسید:

۱- امام رضا **علیه السلام** می فرماید: مالی که از راه حرام به دست آید، زیاد نخواهد شد و اگر هم زیاد شود برکتی نخواهد داشت.^۲

پیام:

۲- امیرالمؤمنین حضرت علی **علیه السلام** می فرماید: کسی که اموالش را از راه نادرست به دست آورد، در جای نادرست هم آن را از دست می دهد.^۳

پیام:

خیانت در کار

همه می دانیم که اگر انسان اموالش را از راه حرام مانند دزدی، قمار و خرید و فروش اجناس قاچاق به دست آورد، آن اموال حرام است و کسی حق ندارد از آنها استفاده کند. اما گاهی اوقات انسان با اینکه شغل خوب و حلالی دارد، اموالی که از آن شغل به دست می آورد حرام است.

مثلاً فروشنده ای که یک وسیله بی کیفیت را در بسته بندی یک وسیله خوب و با کیفیت قرار می دهد و آن را با قیمتی بیشتر می فروشد، به همان مقدار که پول بیشتری دریافت می کند مال او حرام می شود و واجب است آن را به خریدار برگرداند.

و یا کارمندی که موظف است هر روز در محل کارش به انجام امور اداری بپردازد، اگر در ساعت کاری به وظایفش نپردازد، پولی که دریافت می کند، حق او نیست و استفاده از آن پول برایش حرام است.

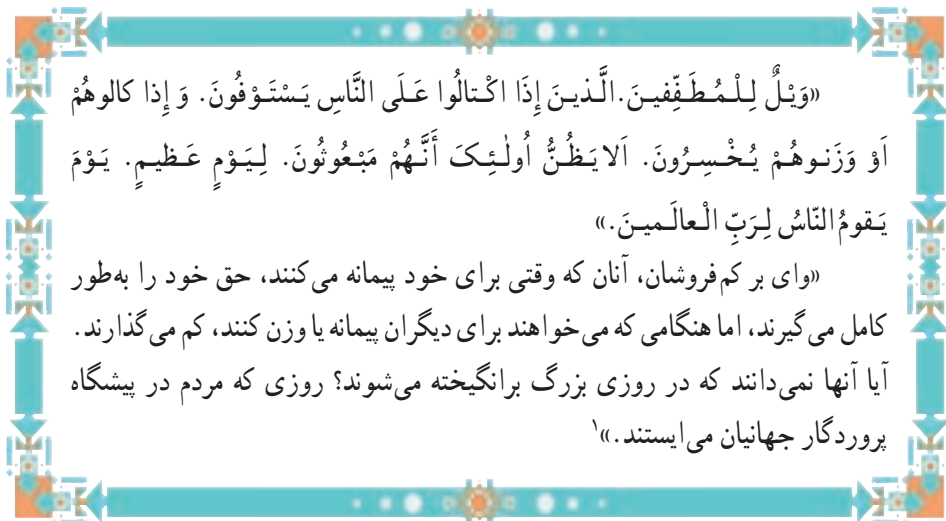
۲- کافی، ج ۵، ص ۱۲۵.

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۲۶.

۳- غررالحکم.

پس می‌بینیم که انسان در هر شغلی ممکن است به خاطر بی‌توجهی و کوتاهی در انجام وظایفش، گرفتار مال حرام شود.

خداوند بزرگ در کتاب هدایت خود به این افراد وعده عذاب می‌دهد و می‌فرماید :



در درس‌های بعد درباره سرنوشت کسانی که حقوق دیگران را از بین می‌برند بیشتر آشنا خواهیم

شد.

خود را امتحان کن

- ۱- به نظر شما کار کردن چه فوایدی برای ما و جامعه ما دارد؟ به سه مورد اشاره کنید.
- ۲- به چند نمونه از کارهایی که انجام آنها و استفاده از درآمد آنها برای یک انسان مسلمان حرام است، اشاره کنید.
- ۳- سه شغل حرام را نام ببرید و توضیح دهید که چگونه ممکن است درآمد صاحبان آنها حرام باشد.
- ۴- کسب و کار حرام چه آثار بدی بر زندگی افراد دارد؟

۱- سوره مطفین، آیات ۱ تا ۶.



داستان بازار سیاه (داستان شماره ۳۳ از کتاب داستان راستان، نوشته استاد شهید مرتضی مطهری) را بخوان و آن را برای خانواده و دوستانت بازگو کن.

بیشتر بدانیم

برکت

حتماً شما هم شنیده‌اید که می‌گویند: «از تو حرکت از خدا برکت!»
می‌دانید معنای این ضرب‌المثل چیست؟

ببینیم:

دیگر کارد به استخوانش رسیده بود. آن قدر فقیر شده بود که حتی نمی‌توانست برای کودکانش غذایی تهیه کند. نمی‌دانست چه کار کند.
— فقط همین یک راه برایمان باقی مانده است، امروز نزد پیامبر برو و از او کمک بخواه. او حتماً به تو کمک خواهد کرد.
این پیشنهاد همسرش بود.

با اینکه دلش نمی‌خواست از کسی درخواست کمک کند، ولی چیز دیگری به نظرش نمی‌رسید. به مسجد آمد. رسول خدا در میان عده‌ای از اصحاب نشسته بود و مشغول گفت‌وگو بودند.

گوشه‌ای نشست و به سخنان آنها گوش داد. منتظر فرصتی بود تا اطراف پیامبر خلوت‌تر شود و بتواند مشککش را با ایشان در میان گذارد. در این میان ناگهان پیامبر خدا سخنش را قطع کرد و بدون اینکه به او نگاه کند فرمود:

— «هر کس از ما کمکی بخواهد ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر کسی دست نیاز بیش دیگران دراز نکند، خداوند او را بی‌نیاز خواهد ساخت.»

— یعنی منظور پیامبر چه بود؟ آیا با من بود؟

آن روز چیزی نگفت و به خانه برگشت. اما تا فردا هیچ اتفاقی نیفتاد و فقر و گرسنگی مانند روزهای پیش به او و خانواده‌اش فشار آورد. فردا دوباره با همان نیت

قبلی به مسجد آمد. باز هم رسول خدا بدون اینکه اشاره‌ای به او کند فرمود: «هر کس از ما کمکی بخواهد ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر کسی دست نیاز پیش دیگران دراز نکند خداوند او را بی‌نیاز خواهد کرد.»

دیگر مطمئن بود که منظور پیامبر خود اوست. باز هم بی‌آنکه چیزی بگوید به خانه بازگشت.

وقتی فردای آن روز برای سومین بار نزد پیامبر خدا رفت و باز هم همین کلمات را از ایشان شنید، با خودش گفت:

— حتماً در این جملات رسول خدا حکمتی است که هر بار همین سخن را تکرار می‌کند. دیگر از هیچ‌کس کمک نخواهم خواست. به خدا تکیه می‌کنم و از نیروی که خداوند در خودم قرار داده است استفاده می‌کنم و از او می‌خواهم در این راه به من کمک کند تا از این پس هرگز دست نیاز به سوی کس دیگری دراز نکنم. تصمیمش را گرفت و به خانه آمد. با خودش فکر کرد: از من چه کارهایی ساخته است؟

—: حد اقل می‌توانم به صحرا بروم و مقداری هیزم بیاورم و بفروشم. از همسایه‌اش تیشه‌ای امانت گرفت. به صحرا رفت و مقداری هیزم کند و به شهر آورد و فروخت و برای اولین بار (پس از مدتی طولانی) حاصل دسترنج خود را به خانه برد.

همین کار را مدتی ادامه داد تا اینکه توانست به مرور برای خودش تیشه و وسایل کار و یک حیوان باربری بخرد. همین‌طور کار کرد و کار کرد تا اینکه بالاخره برای خودش صاحب سرمایه و خدمتکارانی شد.

روزی رسول خدا به او رسید و تبسم‌کنان فرمود: نگفتم، هر کس از ما کمکی بخواهد، ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر کسی دست نیاز پیش دیگران دراز نکند خداوند او را بی‌نیاز می‌کند!^۱

الهی

ای کریم روزی بخش
ای که به من تلاش کردن آموختی
تا دستان خالی ام را پر کنم
و لذت بخشش به من چشاندی
تا روزی ام را با دیگران قسمت کنم، تو را سپاس.
سپاس که سفره ام را به نان حلال آراستی
و مرا از بخشش دیگران بی نیاز ساختی
الهی باری ام کن در هنگام توانگری تنها خود را نبینم
خدایا

اکنون که زندگی ام را به کار خوب آراستی
دست و زبانم را به شکرگزاری زینت بخش

فصل ششم: جامعه اسلامی



جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم از افراد مختلفی تشکیل شده است که هر یک اخلاق و دیدگاه‌های مخصوص به خود را دارند. از طرفی همه ما در یک جامعه زندگی می‌کنیم و رفتارهای هر یک از ما می‌تواند بر تمام جامعه اثرگذار باشد.

دین اسلام برای تنظیم روابط افراد یک جامعه، برنامه مشخصی دارد که بخشی از آن در سال گذشته آشنا شدیم. ما در این فصل به برنامه‌های دیگری از تعالیم اجتماعی اسلام می‌پردازیم که اجرای آنها می‌تواند زندگی زیباتر و سالم‌تری را برای جامعه ما به دنبال داشته باشد.

فصل حاضر از سه درس تشکیل شده است که عبارت‌اند از: **حَقُّ النَّاسِ**،

جهاد و مسئولیت همگانی.

● درس چهاردهم (حَقُّ النَّاسِ) به بررسی مسئولیت انسان درباره خود، خدا و دیگران می‌پردازد و ضمن یادآوری اهمیت حَقُّ النَّاسِ در دین اسلام به بیان حقوق عمومی و وظیفه هر فرد در برابر این حقوق می‌پردازد.

● درس پانزدهم (جهاد) فضیلت جهاد در اسلام و انواع جهاد را توضیح می‌دهد

و سپس نشان می‌دهد که کسب آمادگی‌های دفاعی تا چه اندازه اهمیت دارد.

● درس شانزدهم (مسئولیت همگانی) به یکی از مهم‌ترین وظایف تمام

افراد جامعه یعنی امر به معروف و نهی از منکر اشاره می‌کند و ضمن بیان اهمیت

این عمل در اسلام، شیوه‌های مختلف این کار را به ما آموزش می‌دهد.





حق الناس

ایستگاه آخر

فرشته مأمور رسیدگی به اعمال، با دقت آخرین صفحه‌های این فصل پرونده او را هم می‌بیند و بعد مَهری روی پرونده می‌زند. چیزی نمانده که قلبش از اضطراب کنده شود. همین که فرشته مهر را از پرونده برمی‌دارد، از خوشحالی فریاد می‌کشد:

..... قبول!

نفس راحتی می‌کشد. باورش نمی‌شود که توانسته است از این ایستگاه^۱ هم با سلامتی عبور کند. برمی‌گردد و به پشت سرش نگاه می‌کند. جمعیت انبوهی را می‌بیند که در ایستگاه‌های مختلف متوقف مانده‌اند. عده‌ای که نمازهایشان کامل نبوده در ایستگاه نماز، آن‌ها که روزه‌هایشان کامل نبوده در ایستگاه روزه، کسانی که زکات اموالشان را نداده‌اند در ایستگاه زکات، عده‌ای در ایستگاه حج، عده‌ای در ایستگاه امر به معروف و ...

یادش می‌آید که خودش هم به خاطر این که بعضی نمازهایش در دنیا درست نبود، مدتی طولانی در ایستگاه نماز معطل مانده بود و اگر رحمت خداوند شامل حالش نشده بود، معلوم نبود چه سرنوشتی در انتظارش بود.

کم کم از دور دروازه‌های بهشت نمایان می‌شود. حالا فقط یک ایستگاه دیگر مانده و اگر از این یکی هم با مهر قبول بگذرد، لحظاتی بعد در بهشت خواهد بود. ایستگاه حق الناس!



مسئول کنترل پرونده، نگاهی به فصل آخر پرونده‌اش می‌کند و دستور می‌دهد او را بالای مکان بلندی ببرند. از آن بالا همه را می‌بیند. مردم هم او را می‌بینند. سپس یکی از مأموران با صدایی بلند او را معرفی می‌کند و می‌گوید: هرکس بر گردن این فرد حقی دارد، بیاید و حَقش را بگیرد.

۱- براساس سخنان امامان و پیامبر اکرم **علیهم السلام** (به عنوان مثال: کافی، ج ۲، ص ۳۳۱) در روز قیامت توقف‌گاه‌هایی وجود دارد که اعمال مردم در آنها بررسی می‌شود.

او که تا چند لحظه پیش خودش را در بهشت می‌دید، ناگهان در بین عده‌ی زیادی از مردم گرفتار می‌شود. مأموران همه را به صف می‌کنند تا یکی یکی بیایند و حرفشان را بزنند.

نفر اول جلو می‌آید: مرا به یاد می‌آوری؟ ما با هم همسایه بودیم. یادت هست همیشه مرا به خاطر این که هنگام صحبت کردن زبانم می‌گرفت، مسخره می‌کردی؟ من از تو ناراضی‌ام و نمی‌گذارم به بهشت بروی.

دومین نفر: ما با هم در یک کلاس درس می‌خواندیم. تو از من قوی‌تر بودی و چون می‌دانستی من زورم به تو نمی‌رسد، به بهانه‌های مختلف به من زور می‌گفتی. یادت هست یک بار با من دعوا کردی و سیلی محکمی به صورتم زدی؟ من از تو ناراضی‌ام.

سومین نفر یک مغازه‌دار: یادت هست آن روز برای خرید به مغازه‌ی من آمدی و پولت کم بود؟ هرچه می‌خواستی برداشتی و گفתי می‌روم و خیلی زود بقیه‌ی پول را می‌آورم. اما رفتی و دیگر برنگشتی. حالا بقیه‌ی پولم را از تو می‌خواهم!

نفر بعد: یادت هست آن وقت که در مغازه‌ی میوه‌فروشی کار می‌کردی؟ روزی من برای خرید پیش تو آمدم. تو یک جعبه میوه به من فروختی که میوه‌های روی آن همه سالم بودند، ولی میوه‌های زیر آن خراب. تو با اینکه می‌دانستی آن میوه‌ها خراب‌اند، چیزی به من نگفتی و مرا فریب دادی. حالا یا پول مرا پس بده و یا به من میوه سالم بده! و همین‌طور نفر بعدی و ...

حسابی گیج شده است. میوه‌ی خراب فروختم؟! مسخره کردم؟ کتک زدم؟ ...

با التماس به مأموران می‌گوید: آخر من در این وضعیت پول از کجا بیاورم؟ شما یک چیزی بگوئید. اما مأموران می‌گویند: چاره‌ای نیست. باید رضایت آنها را به‌دست آوری.

مدتی می‌گذرد. او که به جز کارهای خوب داخل پرونده‌اش چیز دیگری همراه ندارد، مجبور می‌شود مقداری از کارهای خویش را به نفر اول بدهد تا او را از خودش راضی کند نفر دوم هم مقداری دیگر از ثواب‌هایش را می‌گیرد. نفر سوم و ... پس از مدتی همه‌ی کارهای خویش تمام می‌شود، ولی طلبکاران هنوز تمام نشده‌اند. دیگر نمی‌داند چه کار کند. طلبکار بعدی که می‌بیند چیز دیگری برای او نمانده می‌گوید: چند تا از گناهان مرا بگیرد تا از حق خودم بگذرم. نفر بعد گناهان دیگر و ...

انگار همه چیز دور سرش می‌چرخد. اصلاً حالش خوب نیست. هر قدر تلاش می‌کند، دیگر نمی‌تواند دروازه‌های بهشت را ببیند. شعله‌های آتش را می‌بیند که به طرفش می‌آید. سرش گیج می‌رود و زیر پایش خالی می‌شود. فریاد بلندی می‌کشد و ناگهان ...

حقوق سه گانه

به کارهایی که در طول یک شبانه روز انجام می‌دهیم فکر کنیم :

۱- غذا می‌خوریم،

۲- برای نماز به مسجد می‌رویم،

۳- برای سوار شدن به اتوبوس در صف می‌ایستیم،

اگر کمی دقت کنیم می‌بینیم بعضی از کارهایی که ما هر روز و شب انجام می‌دهیم برای این است که خودمان سالم بمانیم و بتوانیم از هر نظر رشد خوبی داشته باشیم. به این کارها حقّ النفس گفته می‌شود. غذا خوردن، استراحت کردن، مسواک زدن و مطالعه کردن از این کارها هستند. توجه به حقّ النفس یکی از مهم‌ترین وظایفی است که خداوند به عهدهٔ هر یک از ما قرار داده است. بعضی کارهای دیگر را برای این انجام می‌دهیم که دستور خداوند را اطاعت کنیم. به این کارها حقّ الله گفته می‌شود. نماز خواندن، امر به معروف و دوری از گناهان از این گروه هستند. بخش دیگری از کارها، وظیفه‌های ما نسبت به دیگران است. ما موظفیم به نیازمندان کمک کنیم، دیگران را آزار ندهیم، حق دیگران را رعایت کنیم و به کسی ظلم نکنیم. به این وظایف حقّ الناس گفته می‌شود.

فعالیت کلاسی

۱- به نمونه‌ها توجه کنید و جدول زیر را با چند مثال دیگر کامل کنید.

۱- کسی که بدون دلیل در ماه رمضان روزه نمی‌گیرد.	بی توجهی به حقّ الله
۲-	
۳-	
۱- کسی که به دیگران تهمت می‌زند.	بی توجهی به حقّ الناس
۲-	
۳-	

۱- کسی که عمر و وقتش را بیهوده تلف می‌کند.	بی توجهی به حقّ النفس
۲-	
۳-	

۲- به نظر شما اجرای کدام یک از این سه نوع وظیفه، اهمیت بیشتری دارد؟

خداوند بزرگ در قرآن کریم به بعضی از نمونه‌های حقّ الناس اشاره کرده و می‌فرماید :

«بِأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از گمان فراوان [نسبت به یکدیگر] بپرهیزید، زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است.

وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا

و [در کار یکدیگر] تجسس نکنید و بعضی از شما غیبت بعضی دیگر را نکنند.

أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ»^۱

آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ این کار برای شما ناپسند است، پس در برابر خداوند پرهیزکار باشید.



این آیه به خوبی نشان می‌دهد که حقّ الناس فقط در حقوق مالی مردم نیست؛ بلکه حفظ آبرو، اسرار و شخصیت آنان نیز جزء حقّ الناس است.

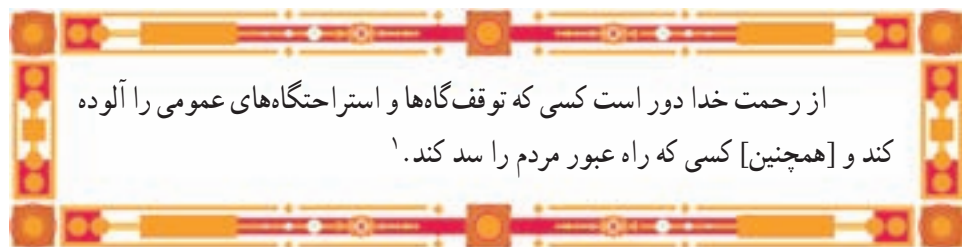
دامنه حقوق دیگران آن‌قدر گسترده است که گاهی اوقات انسان‌ها با انجام بعضی کارها بدون اینکه خودشان توجه داشته باشند، حقوق عده زیادی از مردم را از بین می‌برند و در روز قیامت ناگهان با جمعیت بسیار زیادی از طلبکاران روبه‌رو می‌شوند.

۱- سوره حجرات، آیه ۱۲.

مثلاً کسی را تصور کنید که آتشی را در جنگل روشن می‌کند و سپس هنگام رفتن، آن را خاموش نمی‌کند و همین بی‌توجهی او باعث آتش گرفتن بخش وسیعی از جنگل می‌شود. به نظر شما آیا این فرد در برابر تمام کسانی که به خاطر بی‌توجهی او از هوای پاک محروم شده‌اند، مسئول نیست؟

آیا کسی که با ریختن مواد سمی در رودخانه‌ها آب‌های عمومی را آلوده می‌کند، در برابر مردم مسئول نیست؟

پیامبر گرامی اسلام **صلی الله علیه و آله** به این گونه افراد فرمود :



همین‌طور که می‌بینید چیزهایی وجود دارد که همه مردم حق دارند از آنها بهره‌مند شوند؛ جنگل‌ها، رودخانه‌ها، دریاها، فضاها، سبزه‌ها و کوه‌ها نمونه‌هایی از این اموال عمومی هستند که خداوند مهربان آنها را برای استفاده همه مخلوقات آفریده است. دین اسلام نه تنها به همه مسلمانان سفارش می‌کند در حفظ محیط‌زیست کوشا باشند؛ بلکه کمک به رشد و حفاظت از این نعمت‌های الهی را در ردیف عبادات می‌شمارد.

فعالیت کلاسی

- ۱- اگر کسی باشکستن یک درخت حق همه مردم را از بین ببرد، چگونه می‌تواند این حق بزرگ را جبران کند؟
- ۲- برای بی‌توجهی به حقوق عمومی چند مثال بزنید.

- ۱- کسی که دوست دارد به بهشت الهی راه یابد، باید حقوق چه کسانی را رعایت کند؟
- ۲- اگر همه مردم نسبت به حقوق یکدیگر بی توجهی کنند، چه اتفاقی در جامعه خواهد افتاد؟
- ۳- سه نمونه از حقوقی را که هم کلاسی‌ها بر شما دارند، بیان کنید.
- ۴- سه نمونه از حقوقی را که افراد خانواده (پدر، مادر، برادر، خواهر و ...) بر شما دارند، بیان کنید.

بیشتر بدانیم

بدترین دزدی

عقیل که آن شب مهمان برادرش علی **علیه السلام** بود، با برادرش روی بام دارالاماره نشسته بودند و با هم سخن می‌گفتند. عقیل منتظر فرصت مناسبی بود تا مسئله اصلی را بیان کند.

کم کم موقع صرف شام فرا رسید. عقیل که خود را مهمان دربار خلافت می‌دید، انتظار سفره رنگینی داشت، ولی سفره که پهن شد، جز غذایی بسیار ساده چیزی در آن نبود. غذایی مانند آنچه فقیرترین مردم کوفه می‌خوردند!

عقیل با کمال تعجب پرسید: غذا همین است؟

علی **علیه السلام** فرمود: مگر این نعمت خدا نیست؟ من که خدا را به خاطر این نعمت‌ها بسیار شکر می‌کنم.

عقیل کمی فکر کرد و سپس گفت: پس من حاجت خویش را زودتر بگویم و مرخص شوم. من بدهکارم و زیر بار قرض‌هایم مانده‌ام. اگر می‌خواهی به برادرت کمک کنی، دستور بده قرض مرا از بیت‌المال بردازند.

— چقدر مقروضی؟

— صد هزار درهم!

– صد هزار درهم؟ چقدر زیاد! متأسفم برادر جان! این قدر ندارم که قرض‌های تو را بدهم. اما کمی صبر کن تا موقع پرداخت حقوق برسد. از سهم شخصی خودم برمی‌دارم و به تو می‌دهم و حق برادری را به‌جا خواهم آورد. اگر نیازها و مخارج خانواده خودم نبود، تمام سهم خودم را به تو می‌دادم و چیزی برای خودم نمی‌گذاشتم.

صبر کنم تا وقت پرداخت حقوق برسد؟ بیت‌المال و خزانه کشور در دست توست؛ آن وقت به من می‌گویی صبر کن تا موقع پرداخت سهمیه‌ها برسد و از سهم خودم به تو بدهم؟! تو هر اندازه بخواهی می‌توانی از خزانه و بیت‌المال برداری. چرا مرا به رسیدن موقع پرداخت حقوق حواله می‌کنی؟ از این گذشته؛ مگر تمام حقوق تو از بیت‌المال چقدر است؟ اگر تمام حقوق خودت را هم به من بدهی! چه دردی از من دوا می‌کند؟

– من از پیشنهاد تو تعجب می‌کنم. خزانه دولت پول دارد یا ندارد چه ربطی به من و تو دارد؟ من و تو هم هر کدام فردی هستیم مثل سایر افراد مسلمین. این درست است که تو برادر منی و من باید تا آنجا که می‌توانم به تو کمک کنم، اما از مال خودم نه از بیت‌المال مسلمین!

این گفت‌وگو ادامه داشت و عقیل با زبان‌های مختلف درخواست خویش را تکرار می‌کرد؛

– اجازه بده از بیت‌المال پول کافی به من بدهند تا من دنبال کار خود بروم. پایین دارالاماره، بازار کوفه قرار داشت و از بالای بام، صندوق‌های پول تجار و بازاری‌ها دیده می‌شد. در این بین که عقیل اصرار و سماجت می‌کرد علی **علیه‌السلام** فرمود:

– اگر باز هم اصرار داری و سخن مرا نمی‌پذیری، پیشنهادی به تو می‌کنم. اگر بپذیری می‌توانی تمام دین خویش را بپرداز و بیش از آن هم داشته باشی. – چه کار کنم؟

– در این پایین صندوق‌هایی است؛ همین که خلوت شد و کسی در بازار نماند، از اینجا برو پایین و این صندوق‌ها را بشکن و هر چه دلت می‌خواهد بردار. – صندوق‌ها مال کیست؟

– مال این مغازه‌داران است. اموال نقدینۀ خود را در آنجا می‌ریزند.

– عجب! به من پیشنهاد می کنی صندوق های مردم را بشکنم و مال مردم را که به هزار زحمت به دست می آورند و در اینجا می گذارند و با توکل بر خدا می روند، بردارم؟
– پس تو چطور به من پیشنهاد می کنی تا صندوق بیت المال مسلمین را برای تو باز کنم؟ مگر این مال متعلق به کیست؟ این هم متعلق به مردمی است که اکنون راحت در خانه های خویش خفته اند. حالا اگر آن پیشنهاد مرا قبول نداری، پیشنهاد دیگری می کنم، اگر میل داری این پیشنهاد را بپذیر.

– دیگر چه پیشنهادی؟

– اگر حاضری شمشیر خویش را بردار. من نیز شمشیر خود را برمی دارم. در این نزدیکی، شهر قدیمی حیره است. در آنجا بازرگانان و ثروتمندان بزرگی زندگی می کنند. شبانه به یکی از آنها شبیخون می زنیم و ثروت کلانی به دست می آوریم.
– برادر جان من برای دزدی نیامده ام که تو این حرف ها را می زنی. من می گویم از بیت المال و خزانه کشور که در اختیار تو است، اجازه بده پولی به من بدهند تا من قرض هایم را ادا کنم.

– چطور ربودن مال یک نفر با شمشیر دزدی است، ولی ربودن مال عموم مردم دزدی نیست؟ تو خیال کرده ای دزدی فقط این است که کسی به دیگری حمله کند و با زور مال او را از چنگالش بیرون آورد؟ بدترین و زشت ترین اقسام دزدی همین است که تو الآن به من پیشنهاد می کنی!

الهی

ای خدایی که حاجات و نیازها همه در دست توست؛
برمحمد و خاندانش درود فرست.
الهی،

هریک از بندگان که بر آنان ستمی کردم؛
و کسانی که آبرویشان را ریختم،
یا اموالشان را تباه کردم،
آنان که غیبتشان را کردم،
و آنان که به سختی‌شان انداختم،
و به آنان که ستم کردم،
الهی،

اکنون تو خود، آنان را از من راضی کن،
که دستم کوتاه است و خود از جبران حقشان ناتوانم...^۱
امام سجاده علیه السلام

۱- بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۷۶ و مفاتیح الجنان دعای روز دوشنبه.



جهاد

اسامی زیر را یک بار مرور کنید :

قایل، آبرهه، اسکندر مقدونی، چنگیزخان مغول، هیتلر، صدام، جرج بوش!

این نام‌ها شما را به یاد چه موضوعی می‌اندازد؟

با نگاهی گذرا به تاریخ می‌بینیم که هرگاه انسان‌های بی‌ایمان و زیاده‌خواه به قدرتی دست می‌یابند،

خیلی زود به جنگ و تجاوز روی می‌آورند و برای تسلط بر جان و مال ملت‌های دیگر به کشتار مردم بی‌گناه می‌پردازند.

این گروه - که در فرهنگ اسلام باطل نامیده می‌شوند - همواره بیشترین دشمنی را با حق

دارند، چرا که می‌دانند در این نبرد همیشگی، مؤمنان به هیچ قیمتی در برابر آنها تسلیم نخواهند شد.

به همین دلیل یاران شیطان همواره منتظر فرصتی هستند تا حق را برای همیشه از میان بردارند و راه را

برای چپاول ملت‌های ضعیف هموار سازند.

به نظر شما وظیفه مؤمنان در این زمان‌ها چیست؟



جهاد در اسلام

کلمه جهاد در زبان عربی به معنای تلاش و کوشش است، اما برای این کلمه در فرهنگ اسلامی

معنای دیگری نیز وجود دارد : مبارزه (جنگ) مسلحانه با دشمنان اسلام.

جهاد در راه خدا در دین اسلام از چنان اهمیتی برخوردار است که حدود یکصد آیه از آیات

قرآن کریم را به خود اختصاص داده است.

خداوند بزرگ دربارهٔ این عبادت ارزشمند در قرآن می‌فرماید :

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^۱

خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری کرد تا [در برابرش] بهشت برای آنان باشد [بنابراین آنان نیز] در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند. این [موضوع] وعدهٔ حق خداوند در تورات و انجیل و قرآن است و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! پس بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده‌اید و این است آن پیروزی بزرگ!

همان‌طور که می‌بینیم، کسی که با دستور خداوند به جهاد با دشمنان برمی‌خیزد، همواره پیروز است؛ زیرا اگر دشمن را شکست دهد و خودش سالم به میهن باز گردد، علاوه بر افتخار و سربلندی، مغفرت و پاداش بزرگ خداوند نیز در انتظار اوست. و اگر در جنگ با دشمن شهید شود، به مقامی دست می‌یابد که نزد خداوند با هیچ مقام دیگری قابل مقایسه نیست؛ بنابراین جهاد در راه خدا مبارزه‌ای است که هرگز شکست ندارد.

انواع جهاد

۱- جهاد دفاعی

وقتی کشور اسلامی مورد حملهٔ دشمنان قرار می‌گیرد، بر همهٔ مسلمانان - مرد، زن، پیر و جوان - واجب است با آنچه در توان دارند، به دفاع از کشور اسلامی برخیزند و دشمن را از سرزمین خود بیرون کنند.

دشمنان که می‌دانند دین اسلام همواره باعث بیداری و اتحاد مردم در برابر ظالمان و غارتگران بوده است، برای اینکه بتوانند ملت‌های دیگر را همیشه اسیر خود قرار دهند، پیش از هر چیز نقشهٔ

۱- سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۱۱.

نابودی اسلام را در سر می‌پروراندند. از این رو، هرگونه سُستی و کوتاهی در دفاع از میهن اسلامی، گناهی نابخشودنی خواهد بود که عذاب الهی را در پی خواهد داشت. جنگ‌های احد و احزاب در صدر اسلام، نمونه‌هایی از جهاد دفاعی مسلمانان در آن زمان هستند.

توجه داشته باشیم که دشمنان برای شکستن مقاومت مسلمانان هر کاری که بتوانند می‌کنند. آنها برای تضعیف جبههٔ حق، به دروغ مسلمانان را به خشونت‌طلبی و جنگ‌افروزی متهم می‌کنند، درحالی که خودشان با به راه انداختن جنگ‌های بزرگ (مانند جنگ‌های جهانی اول و دوم و ده‌ها جنگ بزرگ دیگر) میلیون‌ها انسان بی‌گناه را به خاک و خون کشیده‌اند و هر روز شعلهٔ جنگ‌های جدیدی را در دنیا برمی‌افروزند.

جنگ تحمیلی بر علیه کشور اسلامی ما ایران، نمونه‌ای امروزی از این دسیسه‌ها بر ضد اسلام است.

جهاد با سرکشان

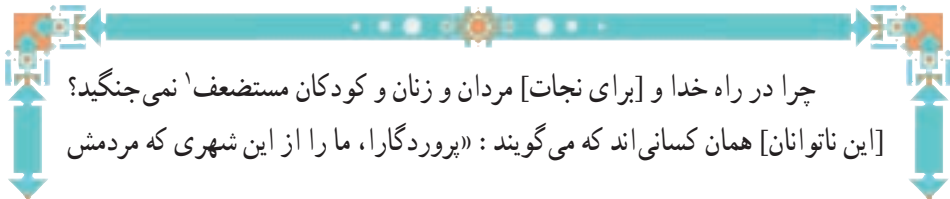
اگر در کشور اسلامی عده‌ای با گردن‌کشی در برابر قوانین، حکومت اسلامی را تضعیف کنند و به مبارزهٔ مسلحانه با مأموران نظام اسلامی بپردازند، رهبر جامعهٔ اسلامی با مدارا و ملایمت به ارشاد آنان می‌پردازد و در صورت توبه و بازگشت، جامعهٔ اسلامی آنها را می‌پذیرد و با لطف و مدارا با آنان رفتار می‌کند.

ولی اگر این افراد از مدارای جامعهٔ اسلامی سوء استفاده کنند و به مبارزه خود با نظام اسلامی ادامه دهند و امنیت جامعه را به خطر اندازند، مسلمانان موظف‌اند با دستور ولی فقیه، به جهاد و مقابله با این افراد برخیزند و خطر آنان را از جامعهٔ اسلامی دور کنند. این نوع از جهاد نیز نمونه‌ای از جهادهای دفاعی است.

جنگ حضرت علی **علیه السلام** با خوارج نهروان در صدر اسلام نمونه‌ای از این نوع جهاد است.

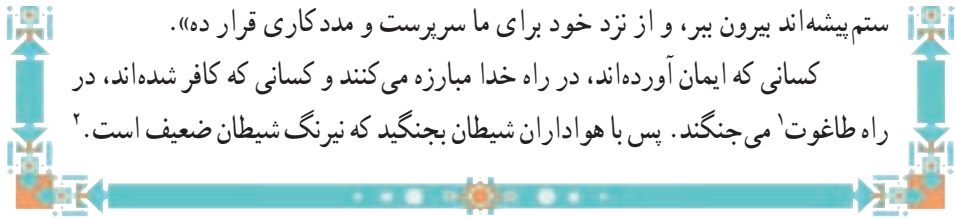
۲- جهاد ابتدایی

خداوند بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید:



چرا در راه خدا و [برای نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف^۱ نمی‌جنگید؟
[این ناتوانان] همان کسانی‌اند که می‌گویند: «پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش

۱- مُسْتَضْعَف یعنی ناتوان نگاه داشته شده.



ستم پیشه‌اند بیرون ببر، و از نزد خود برای ما سرپرست و مددکاری قرار ده».

کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا مبارزه می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت^۱ می‌جنگند. پس با هواداران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان ضعیف است.^۲

این آیات به روشنی حاکمان زورگو و سرکشی را که مردم ناتوان را زیر سلطه خود نگاه داشته‌اند و نمی‌گذارند پیام خداوند به آنها برسد، هواداران شیطان می‌نامد. در این زمان لشکر اسلام موظف است - به دستور پیامبر و یا ولیّ مسلمین - با حاکمان شیطانی جهاد کند و مردم را از اسارت آنها نجات دهد و پیام خدا را به آنها برساند.

البته اسلام هرگز عقاید خود را به زور بر هیچ گروهی تحمیل نکرده است و تنها با سرنگون کردن حاکمان فاسد، پیام دین را به مردم می‌رساند و آنان را در پذیرش این پیام آزاد می‌گذارد. نبرد سپاه اسلام با حکومت‌های ایران و روم در صدر اسلام، نمونه‌هایی از جهاد ابتدایی اسلام است.

فعالیت کلاسی

معین کنید که هریک از نمونه‌های زیر به کدام یک از انواع جهاد مربوط‌اند؟

- ۱- جهاد مردم مظلوم عراق با نظامیان متجاوز آمریکایی
- ۲- جهاد مردم فلسطین با اشغالگران صهیونیست
- ۳- جهاد مأموران نیروی انتظامی با اشرار و قاچاقچیان مسلح
- ۴- مبارزه مأموران نیروی انتظامی با منافقین تروریست در کشور
- ۵- دفاع مقدس هشت‌ساله ایران در برابر ارتش صدام.

کسب آمادگی برای دفاع

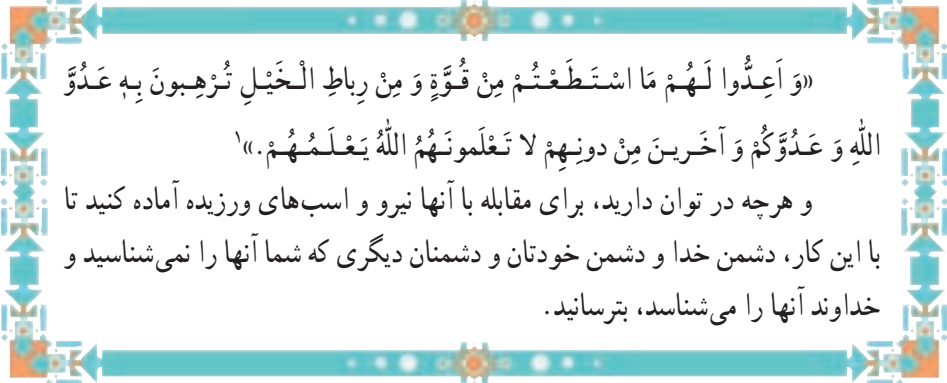
تا اینجا دانستیم که جهاد در راه خدا وظیفه همگانی و عبادتی ارزشمند است. اما آیا تا حالا فکر کرده‌اید که اگر دشمنان به صورت ناگهانی به کشور اسلامی ما حمله کنند، چه کسانی می‌توانند به

۱- شیاطین، بت‌ها، حاکمان ستمگر و هر معبودی به غیر از خداوند و هر مسیری که به غیر حق منتهی شود همه طاغوت است.

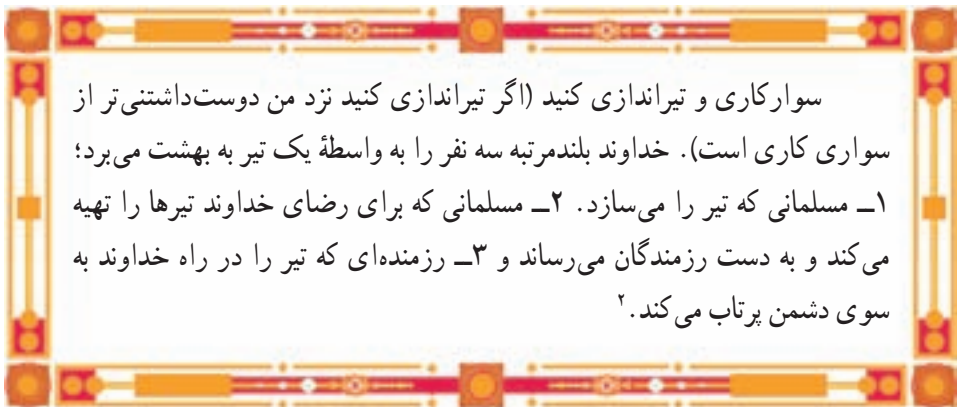
تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۸۰.

۲- سوره نساء، آیات ۷۵ و ۷۶.

دفاع از اسلام برخیزند و در این عبادت بزرگ شرکت کنند؟
افرادی که هیچ مهارتی در فنون رزمی و جنگی ندارند، چگونه می‌توانند در برابر دشمنان
ایستادگی کرده و آنان را شکست دهند؟
خداوند حکیم در این باره می‌فرماید :



می‌دانید دشمنان در چه زمانی به خود جرأت می‌دهند به کشوری اسلامی حمله کنند؟
اگر کشوری در اوج آمادگی و مهارت‌های نظامی باشد، هیچ بیگانه‌ای خیال حمله به این کشور
را در سر نخواهد داشت. بنابراین، آمادگی نظامی، علاوه بر پیروزی در جنگ، فایده مهم دیگری دارد که
همان ترساندن دشمن و جلوگیری از آغاز جنگ است. رسول اکرم **صلی الله علیه و آله** می‌فرماید :



۱- سوره انفال، آیه ۶۰.

۲- کافی، ج ۵، ص ۵۰.

با دوستانتان در کلاس گفت و گو و بررسی کنید که ما برای بالا بردن توان دفاعی خود در دنیای امروز، باید چه آموزش‌هایی را فرا بگیریم؟

خودت را امتحان کن

- ۱- اگر مردم کشوری که مورد تهاجم دشمنان قرار گرفته‌اند، از کشور خود دفاع نکنند، چه سرنوشتی در انتظار آنان خواهد بود؟
- ۲- جهاد دفاعی در چه زمان و بر چه کسانی واجب است؟
- ۳- اگر در جامعه اسلامی، عده‌ای به مبارزه با نظام اسلامی بپردازند و امنیت مردم را به خطر بیندازند، مسلمانان چه وظیفه‌ای دارند؟
- ۴- در جهاد با دشمنان اسلام، آیا پاداش خداوند تنها برای کسانی است که در میدان جنگ به مبارزه با دشمنان مشغول‌اند؟ توضیح دهید.

پیشنهاد

یکی از تصمیم‌های حکیمانه امام خمینی (ره) پس از پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل بسیج بیست میلیونی بود که با هدف حفظ و افزایش آمادگی عمومی برای دفاع از میهن اسلامی و یاری‌رسانی به مردم شکل گرفت. شما می‌توانید به یکی از پایگاه‌های بسیج اطراف منزل خود مراجعه کنید و گزارشی از فعالیت‌های امروزی بسیج تهیه کنید و آن را برای دوستانتان در کلاس بخوانید.

سرمایه‌ای از جوانی

مسابقه با شور و هیجان در حضور خلیفهٔ ستمکار بنی امیه ادامه دارد که نگهبانان، امام باقر و فرزندش حضرت صادق **علیهما السلام** را وارد می‌کنند.

وزیران، امیران لشکر و بزرگان کشور، همه در کاخ هشام بن عبدالملک حاضرند. آنها در کاخ نشانه‌ای گذاشته‌اند و در حضور هشام تیر می‌اندازند و هر کدام خود را از دیگران ماهرتر می‌دانند.

امام **علیه السلام** وارد می‌شود و بدون اینکه به شکوه ظاهری مجلس اعتنایی کند، در گوشه‌ای می‌نشیند. این کار هشام را خشمگین‌تر می‌کند. او امام را فقط برای این به مجلس احضار کرده است که قدرت خود را به رخ ایشان بکشد و در حضور وزیران و امیران لشکر، ایشان را تحقیر کند. مدت‌ها دنبال فرصتی برای این کار بوده و حالا این فرصت را به دست آورده است:

— ای ابا جعفر، بد نیست تو هم در مسابقه شرکت کنی!

هشام که از همین حالا آرزوی خود را برای تمسخر امام برآورده شده می‌بیند، منتظر جواب ایشان نمی‌ماند و فوراً به یکی از بزرگان می‌گوید: تیر و کمانت را به ابو جعفر بده!

امام **علیه السلام** می‌فرماید: ای هشام، بهتر است از من صرف نظر کنی که دیگر پیر شده‌ام.

— اصلاً! امکان ندارد! باید تیراندازی کنی!

امام که اصرار هشام را می‌بیند، بدون اینکه دیگر سخنی بگوید، کمان را می‌گیرد. سکوت، مجلس را فرا می‌گیرد. امام تیری در کمان می‌گذارد و زه کمان را با قدرت می‌کشد. کمان آن قدر خم می‌شود که چیزی نمی‌ماند دو سرش به هم برسد، و ناگهان تیر پر می‌کشد و ... در وسط هدف می‌نشیند و بیش از نیمی از آن در هدف فرو می‌رود. از آن جمعیت هیچ صدایی شنیده نمی‌شود. چشم‌ها به هدف خیره شده است و دهان‌ها از تعجب باز مانده‌اند.

یعنی درست می‌بینند؟! این تیراندازی یک پیرمرد بود؟!!

امام بدون آنکه سخنی بگوید بلافاصله تیر دوم را در کمان می‌گذارد و ...
باورکردنی نیست. هر تیر به پشت تیر قبلی می‌خورد و آن را می‌شکافد و به
جای آن می‌نشیند. نهمین تیر که در هدف می‌نشیند، امام **علیه السلام** کمان را به دست
صاحبش می‌دهد و برمی‌گردد.

سکوت همه جا را فرا گرفته و چشم‌ها به تیرهای درهم فرو رفته خیره مانده است. زبان
هشام از تعجب بند آمده است، در حالی که سعی می‌کند خشمش را پنهان کند، بریده بریده و
آرام می‌گوید: ... آفرین! آفرین ای ابو جعفر! تو این تیراندازی را از کجا آموخته‌ای؟
امام **علیه السلام** با آرامش می‌فرماید: جوان که بودم، گاهی تمرین می‌کردم.^۱

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۷۸.

الهی

خداوندا،

بر محمد و آل او درود فرست و سپاه اسلام را پیروز کن؛

دل هایشان را صبور، سنگر هایشان را نفوذناپذیر و سلاح آنان را بُرّان کن؛

و در همه حال آنان را متحد ساز.

الهی،

آنچه را نمی‌دانند، به آنان بیاموز و به آنچه نمی‌بینند بینایشان کن؛

و در آن هنگام که به دشمن می‌رسند؛ آنچه را در بهشت برایشان آماده کرده‌ای، پیش چشم هایشان قرار ده؛

تا حتی لحظه‌ای به دشمن پشت نکنند.

ای پیروزمند و ای شکست‌ناپذیر؛

قلب دشمنان را از وحشت لبریز کن؛

و نیرومندی را از آنان بگیر؛

و آرامش را از آنان دور کن؛

تا بر علیه مسلمانان متحد نشوند؛

و بر جنگ با بندگان طمع نکنند...^۱



مسئولیت همگانی

شهری را تصور کنید که مردم خوب و با ایمانی در آن زندگی می‌کنند. آنها سعی می‌کنند به دستورات دیشان عمل کنند و راه درست زندگی را در پیش بگیرند.

پس از مدتی در این شهر گروهی پیدا می‌شوند که مرتکب کارهای زشت می‌شوند. آنها خیلی راحت در مقابل چشم‌های دیگران گناه می‌کنند و هنگامی هم که چشمشان به افراد با ایمان می‌افتد، آنها را مسخره می‌کنند. هیچ‌کس هم به رفتار زشت آنها اعتراضی نمی‌کند و همه با بی‌تفاوتی از کنار آنها می‌گذرند.

به نظر شما رفتار زشت آنها چه تأثیری بر دیگران خواهد گذاشت؟ و کودکان و نوجوانانی که رفتارهای این گناه‌کاران را مشاهده می‌کنند، چه چیزی از آنان خواهند آموخت؟

به نظر شما می‌توانیم کسانی که کارهای زشت را می‌بینند و راحت از کنار آنها می‌گذرند، درستکار بدانیم؟

ای کاش همه مردم راستگو و درستکار بودند و خودشان را از گناهان و کارهای زشت دور نگه می‌داشتند. اما واقعیت این است که همه آنها این‌گونه نیستند. از ابتدای آفرینش تاکنون، همواره عده‌ای دانسته یا نادانسته مرتکب کارهای زشت می‌شوند و به وظایف خود عمل نمی‌کنند.

به نظر شما وظیفه ما در چنین زمانی چیست؟



خداوند حکیم برای گسترش نیکی‌ها و جلوگیری از بدی‌ها، برنامه کاملی به مسلمانان آموخته است :

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ...»^۱

شما بهترین امتی هستید که برای مردم آفریده شده‌اید؛ [چرا که] امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

امر به معروف یعنی دعوت دیگران به انجام وظایف دینی و نهی از منکر یعنی بازداشتن دیگران از زشتی‌ها و کارهای ناپسند.

امیرمؤمنان حضرت علی **علیه السلام** درباره این وظیفه مهم می‌فرماید :

«همه کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر مانند یک قطره در برابر دریایی پهناور و عمیق است. خداوند سبحان اقوام پیش از شما را عذاب نکرد، مگر به خاطر اینکه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. پس بی‌خردان آنها را به خاطر انجام معصیت‌ها عذاب کرد و خردمندان را به خاطر نهی نکردن از زشتی‌ها.»^۲

۱- سورة آل عمران، آیه ۱۱۰.

۲- نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۳۷۴ و خطبه ۱۹۲.

با توجه به مطالب گفته شده جدول زیر را کامل کنید.

رویداد	انجام امر به معروف و نهی از منکر	ترک امر به معروف و نهی از منکر
دانش‌آموزی اموال عمومی مدرسه را خراب می‌کند.		
افرادی با پوشش نامناسب در جامعه ظاهر می‌شوند.		
فردی دربارهٔ دیگران بدگویی و غیبت می‌کند.		
در کلاس یک نفر حواس دیگران را پرت می‌کند.		
مغازه‌داری گران‌فروشی می‌کند.		
فردی نمازگزاران را مسخره می‌کند.		
.....		
.....		

شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر

اگر مقداری گچ روی لباس شما ریخته باشد، چگونه آن را پاک می‌کنید؟
 حالا اگر لباس شما با جوهر خودکار تان کثیف شده باشد، آیا باز هم می‌توانید با تکاندن لباس، آن را پاک کنید؟

در هر دو حالت هدف شما پاک کردن لباس است، اما روش‌ها متفاوت‌اند!
 در نهی از منکر هدف ما این است که انسان خطاکار به اشتباهش ادامه ندهد.
 گاهی شخص خطاکار متوجه زشتی رفتارش نیست، در این صورت ما باید با مهربانی او را متوجه اشتباهش کنیم و با احترام از او بخواهیم که دیگر آن خطا را تکرار نکند.

گاهی نیز همین که با دیدن یک گناه روی خود را برگردانیم و با فرد خطاکار به سردی رفتار کنیم، برای جلوگیری از آن اشتباه کافی است.

در بعضی موارد نیز برای اینکه ناراحتی خود را از انجام گناهی نشان دهیم، باید آنجا را ترک کنیم.

البته باید توجه داشته باشیم که برای حفظ آبروی افراد، تا حد امکان نباید خطاهایشان را در حضور دیگران به آنها بازگو کنیم.

فعالیت کلاسی

آیا به نظر شما با این شیوه‌ها همواره می‌توان از انجام گناهان جلوگیری کرد؟ مثلاً آیا می‌توانیم با صحبت کردن با کسی که به خرید و فروش مواد مخدر می‌پردازد، او را از تکرار این گناه بزرگ بازداریم؟
پس در چنین زمان‌هایی وظیفه ما چیست؟

ما برای اینکه کار خوبی را به دیگران یاد بدهیم و یا آنها را به انجام خوبی‌ها تشویق کنیم، می‌توانیم از شیوه‌های مختلفی استفاده کنیم. یکی از این شیوه‌ها – که بسیار ساده است – امر به معروف زبانی است. در این شیوه ما با صحبت کردن با دیگران، کارهای شایسته را به آنان یاد داده و آنان را به انجام نیکی‌ها تشویق می‌کنیم.

اما شیوه دیگر امر به معروف که تأثیر بیشتری هم بر دیگران می‌گذارد، امر به معروف عملی است.

ببینیم:

پیرمردی مشغول وضو گرفتن بود، اما شیوه صحیح این کار را بلد نبود. امام حسن و امام حسین **علیهما السلام** که در آن هنگام کودکانی کم‌سن و سال بودند، وضو گرفتن پیرمرد را دیدند. آنها باید او را از این اشتباه نجات می‌دادند، اما چگونه؟ اگر می‌خواستند با صراحت به او بگویند وضویت غلط است، حتماً دلش می‌شکست و ناراحت می‌شد. شاید به‌خاطر همین ناراحتی بر سر لجاجت می‌افتاد و حاضر نمی‌شد وضوی صحیح را فرا گیرد.

آنها کمی فکر کردند و سپس؛

— بین، وضوی من کامل تر است، خوب نگاه کن!...

— نخیر، وضوی من بهتر است...

آنها همین طور با صدای بلند — طوری که پیرمرد صدایشان را بشنود — با همدیگر صحبت می کردند و هر کدام وضوی خود را صحیح تر از دیگری می دانستند.

بعد سراغ پیرمرد رفتند و به او گفتند: ما وضو می گیریم، شما داوری کنید وضوی کدام یک از ما صحیح است؟

پیرمرد پذیرفت و آن دو بزرگوار هریک در برابر پیرمرد، وضویی کامل و صحیح گرفتند و سپس از او پرسیدند: وضوی کدام یک از ما صحیح بود؟

پیرمرد که تازه شیوه درست وضو گرفتن را آموخته بود، با مهربانی گفت: وضوی هر دوی شما صحیح است. این پیرمرد است که وضو گرفتن را تا حالا بلد نبود که او هم حالا این کار را از شما فرا گرفت.^۱

خوبت را امتحان کن



- ۱- امر به معروف و نهی از منکر یعنی چه؟
- ۲- از میان روش های نهی از منکر به سه شیوه اشاره کنید.
- ۳- مؤثرترین شیوه امر به معروف کدام شیوه است؟ مثالی بزنید.

کتابنامه

- ۱- قرآن کریم
- ۲- الأملی، شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، تهران، انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲.
- ۳- الأملی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، قم، چاپ کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
- ۴- بحار الأنوار، مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴.
- ۵- برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)، رجایی، غلامعلی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.
- ۶- تحف العقول، حرانی، حسن بن شعبه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
- ۷- تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- ۸- جامع الأخبار، شعیری، تاج‌الدین، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳.
- ۹- خدای من، کلهر، فریبا، تهران، انتشارات مدرسه برهان، ۱۳۸۸.
- ۱۰- داستان راستان، مطهری، مرتضی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۸.
- ۱۱- روزه می‌تواند زندگی‌ات را نجات دهد، هربرت مک‌گالفین شیتین، ترجمه ماشاءالله فرخنده، تهران، نواندیش، ۱۳۸۷.
- ۱۲- الصحيفة السجادية، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶.
- ۱۳- عنایات حضرت مهدی (عج) به علما و طلاب، باقی اصفهانی، محمدرضا، قم، انتشارات نصایح، ۱۳۷۹.
- ۱۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، قم، انتشارات جهان، ۱۳۷۸.
- ۱۵- غررالحکم و دررالکلم، آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.

- ١٦- فقيه من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمى، قم، انتشارات جامعة مدرسين، ١٤١٣.
- ١٧- الكافي، كليني، محمد بن يعقوب، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٥.
- ١٨- مستدرک الوسائل، محدث نوري، حسين، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ١٤٠٨.
- ١٩- مصباح الشريعه، منسوب به امام جعفر صادق عليه السلام، بي جا، چاپ مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، ١٤٠٠.
- ٢٠- مفاتيح الجنان، شيخ عباس قمى.
- ٢١- نهج البلاغه، نسخه صبحى صالح، قم، انتشارات دارالهجره، بي تا.
- ٢٢- وسائل الشيعه، حر عاملى، محمد بن حسن، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ١٤٠٩.

